

## در آستانه انقلاب اسلامی

اسنادی از آخرین تلاشهای کارگزاران حاکمیت پهلوی

جلال اندرمانی زاده

یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران در قرن اخیر ظهور و سپس پیروزی انقلاب اسلامی است، انقلابی که متکی بر قشرهای مختلف جامعه بود و تحولی بنیادین پدید آورد. این انقلاب که عصاره یک قرن حرکتهای سیاسی و فرهنگی و دینی مردم ایران است دارای مزایا و ویژگیهایی بود که موجب موفقیت کامل آن گردید. این مزایا و خصوصیات را می‌توان در سه مقوله خلاصه کرد:

اول، رهبری واحد و تابعیت تمامی گروهها و افراد جامعه از رهبری که در شخص رهبر انقلاب، امام خمینی(ره) متجلی شد.

دوم، انقلابی بود به تمام معنی مردمی که با شرکت اکثریت قریب به اتفاق ملت، اعم از مردم کوچه و بازار و شهرنشین و روستایی و روشنفکر و غیره، به انجام رسید.

سومین خصوصیت، دینی و اسلامی بودن انقلاب است که خیل عظیم مردم را به صحنه کشانده بود و به اعتراضات آنها صبغه‌ای دینی بخشیده بود.

متأسفانه، با گذشت بیست سال از این واقعه عظیم کمترتحلیل دقیق و موşkافانه‌ای از آن به عمل آمده است و آنهایی هم که به تحلیل این رویداد عظیم تاریخ پرداخته‌اند صرفاً گرایشها و سلیقه‌های خود را مبنا قرار داده‌اند. اسنادی که در این شماره از فصلنامه تاریخ معاصر ایران درج می‌شود اشاره مختصری دارد به این تحول عظیم و وقایعی که در آستانه به ثمر نشستن این حرکت مردمی روی داده‌است. البته در آینده نزدیک مجموعه اسناد مربوط به انقلاب در مجموعه‌ای به نام «در آستانه انقلاب اسلامی» منتشر خواهد شد.

این چند سند را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول شامل اسناد مربوط به

دیدگاهها و عکس‌العمل گروه‌های مختلف طرفدار سلطنت مشروطه و طرفداران سلطنت خاندان پهلوی درباره وقایع انقلاب است. دو سند اول در این زمینه است. بخش دوم دربرگیرنده اخبار و اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن وقایع از سوی دستگاه‌های امنیتی و نظامی است. اینک برای آشنایی بیشتر خوانندگان به بررسی کوتاهی از اسناد این دو بخش می‌پردازیم:

سند اول یادداشتی است از جلسه‌ای که حدوداً در مهر یا آبان سال ۱۳۵۷ در دفتر ریاست دانشگاه تهران برگزار شده است. در این زمان کشور درگیر جریانات بغرنجی بود و از همه سو بوی دگرگونیهای اساسی به مشام می‌رسید. با کنار رفتن آموزگار و تشکیل دولت آشتی ملی شریف‌امامی حکومت سعی در آشتی دادن ملت با رژیم داشت. ولی با شکست این استراتژی و وقوع حوادث خونینی چون هفده شهریور در تهران و اعلام حکومت نظامی این جدال و کشمکش بین حکومت و مردم به سمتی رفت که کاملاً به ضرر رژیم تمام شد و مردم ایران را نسبت به سرنگونی رژیم پهلوی مصمم‌تر از پیش نمود. در این زمان بود که شاه واقعاً خطر را از نزدیک احساس کرد. رژیم بین دو راه، یعنی تشدید کشتار و سرکوب مردم با ایجاد دولتی نظامی یا تشکیل حکومتی که بتواند لااقل درصدی از مردم را به سوی خود جلب کند، گیج و مستأصل شده بود. البته استفاده از راه اول ساده‌تر و راحت‌تر به نظر می‌رسید ولی راه دوم سخت‌تر اما عاقلانه‌تر بود. سخت از آن جهت که مجبور بود با چند تن از سران ملیون که تا آن زمان مخالف شاه محسوب می‌شدند کنار آید و با کنار آمدن با این افراد که وجه‌های بین مردم داشتند از این وجه استفاده نماید و پلی بین خود و مردم ایجاد کند. چنانکه عبدالکریم لاهیجی که خود از شرکت‌کنندگان مهم جلسه مشورتی دانشگاه تهران بود، بدون اشاره به آن جلسه، دلایل انعقاد این گونه جلسات در آن مقطع زمانی را طی گفت‌وگویی با رادیو بی.بی.سی. چنین بیان می‌کند:

در همان روزها [زمان حکومت شریف‌امامی] یک تماسهایی هم با شخصیت‌های مخالف گرفته می‌شود و من می‌دانم که از ناحیه بعضی از کسانی که در همان کارزار و جنگ سیاسی، که دیگر متأسفانه خونین هم بود، هنوز فکر پست مقام و روی کار آمدن به عنوان نخست‌وزیر هم بودند و سعی می‌کردند که مثلاً یک کابینه ائتلافی با یک عده از شخصیت‌های سیاسی مخالف تشکیل بشود. در همان روزها در لفاف و با رمز و کنایه تهدیدهایی هم می‌کردند و بعضی از این عناصر می‌گفتند که اگر چنین دولتی از روی کار آید احتمال دارد در روزهای آینده تهران را آتش فرا بگیرد و نتیجه



[ ۱۱۹۷-۸ ]

این آتش و خون و خون‌ریزی بک حکومت نظامی و چیزی شبیه به کودتای نظامی است.<sup>۱</sup>

جلسه منعقد در دانشگاه تهران کاملاً محرمانه و سری بود و حتی برخی از افراد حاضر در آن (مانند سنجابی و بختیار) در خاطرات خود، که بعدها نوشتند، هیچ گونه اشاره‌ای به آن نکردند. تشکیل این جلسه افرادی چون کریم سنجابی، شاپور بختیار، داریوش فروهر و احمد مدنی در کنار علی امینی، محسن پزشکی‌پور و برخی نمایندگان مجلس سنا و شورای ملی و نمایندگانی از برخی روحانیان به این جمع ترکیب عجیبی بخشیده بود. شاید تنها چیزی که می‌توانست این مجمع را به هم پیوند دهد اتفاق نظر این افراد در باقی ماندن رژیم سلطنت مشروطه بود که شاه سلطنت نماید و حکومت نکند.<sup>۲</sup>

۱. انقلاب ایران به روایت رادپور بی.بی.سی. زیر نظر عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران. طرح نو. ۱۳۷۲. ص

۲۶۲

۲. به عنوان نمونه می‌توان به نظرات کریم سنجابی در این زمینه اشاره کرد که می‌گوید: «در اینجا لازم است بار

چنانکه در همین سند اول نظر همه افراد شرکت‌کننده چنین است: «بالاتفاق عقیده دارند حفظ سلطنت و قانون اساسی در حالت خطر فعلی تنها راه نجات مملکت است. ولی اگر جریان ضد رژیم، مخصوصاً حوادث مشابه دو سه روز اخیر (دانشگاه و روال اصلی آن، همدان، کرمان...) ادامه پیدا کند، در ظرف چند روز آینده به تدریج شعار ضد سلطنت رسمی و عمومی خواهد شد.»<sup>۲</sup>

در اینجا آنچه که موجب تعجب است بی‌سیاستی و موقع‌ناشناسی برخی رهبران جبهه ملی شرکت‌کننده در این جلسه است. در هنگامی که مردم عادی کوچک و بازار دیگر به دوام رژیم پهلوی چندان اعتقادی ندارند آنان هنوز، در پس پرده، در پی حل و فصل امور هستند و حتی برخی از آنان پا را فراتر می‌گذارند و چنین نظر می‌دهند: «باید از موضع قدرت با خمینی مذاکره کرد و در حال حاضر تبادل نظر کافی است و هرچه جلوتر برویم او بیشتر احساس قدرت می‌کند.»<sup>۴</sup> البته سابقه عدم همراهی جبهه ملی با جناح مذهبی حرکت مردمی ایران کاملاً آشکار است؛ آنان چندان اعتباری برای این جناح قائل نبودند به طوری که در جریان قیام ۱۵ خرداد ۴۲ نیز جبهه ملی موضع شایسته‌ای در مقابل آن نگرفت. ظاهراً سران این جبهه بیشتر به استفاده از نام و عنوان امام خمینی توجه داشتند تا چیز دیگر، و شاید آن را دورانی گذرا برای به قدرت رسیدن خود می‌دیدند. چنانکه کریم سنجابی درباره رهبری امام در اوایل سالهای چهل چنین می‌گوید:

→ دیگر یادآور شوم که مبارزات جبهه ملی به ویژه کوششهای سیاسی من اصولاً نه علیه سلطنت بود و نه علیه سلسله پهلوی. ما از زمان مصدق به عنوان وزیر دولت و یا نماینده مجلس شورای ملی به قانون اساسی ایران سوگند خورده بودیم که در آن اصل سلطنت مشروطه و پادشاهی سلسله پهلوی تصریح شده است. ولی قانون اساسی سلطنت مشروطه را مقرر داشته و نه حکومت استبدادی و شخصی شاه را... ما می‌خواستیم که شاه را خواه ناخواه در خط نظام قانونی ایران قرار بدهیم و خاندان سلطنت را از مداخله ناروا در امور اداری و مالی و بازرگانی و دست زدن به کارهایی که موجب بدنامی و بی‌اعتباری آنهاست جلوگیری نماییم... هرآینه شاه براساس قانون اساسی گرایش حقیقی نشان می‌داد، ما نه تنها با سلطنت وی مخالفتی نداشتیم، بلکه در برابر دسیسه‌های بیگانگان و خرابکاریهای عوامل وابسته به بیگانه و مخالف عناصر مرتجع پشتیبان آن می‌شدیم. کریم سنجابی، *امیدها و ناامیدها*، لندن، جبهه ملیون ایران، ۱۳۶۸، صص ۴۱۱ و ۴۱۲. یا دکتر امینی در بحبوحه انقلاب در همین زمینه می‌گوید: روز اول هم که او [شاه] را دیدم به او گفتم: آقا شما قانون اساسی را عوض کردید؛ الان بیایید یک شورای سلطنت تشکیل بدهید، علیاحضرت بشوند نایب‌السلطنه، این پسران هم هیجده سالش است، بیاورید و خودتان بروید استراحت بکنید، برای اینکه بتوانید هدایت بکنید. گفت برای من که بد نمی‌شود. *انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی*. همان، ص ۲۳۵. ۳. سند شماره یک از همین مجموعه اسناد.

ما موقعی که در جبهه ملی فعالیت می‌کردیم بعد از فوت بروجردی بود، صحبت‌هایی از آقای خمینی می‌شنیدیم که البته تجلیلی از نهضت ملی ایران و از مصدق نبود ولی مخالف آن هم نبود. مخالف استبداد بود، مخالف دولت وابسته به بیگانه بود. مخالف بی‌قانونی بود. مخالف تعدی بود. هرچند در آن صحبت‌ها و اعلامیه‌ها تعریفی و تجلیلی از ما نبود و ولی مبارزه‌اش در دنبال و در همان سمت بود و چیزهایی را می‌خواست که ما می‌خواستیم.<sup>۵</sup>

سالها بعد در جلسه‌ای با حضور سران جبهه ملی در تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۰ آنان باز بر همان سیاست بی‌توجهی قبلی در خصوص امام خمینی پافشاری می‌کنند.

در این جلسه کریم سنجابی، شاپور بختیار، داریوش فروهر، کاظم حسینی، حسین شاه‌حسینی، ناخدا یکم بازنشسته احمد مدنی،... و محمود مانیان شرکت داشته‌اند... در جلسه مورد بحث پیرامون همکاریهای جبهه به اصطلاح ملی با خمینی مذاکره شد، و اکثر افراد شرکت‌کننده ابراز عقیده کرده‌اند که لزومی به جلب همکاری خمینی نیست، لیکن روش کار طوری خواهد بود که نشانگر همکاری مورد نظر باشد. این صحیح نیست [که] جبهه ملی خود را تحت عنوان تلاش برای جلب همکاری با خمینی کوچک کند.<sup>۶</sup>

البته در همان زمان رهبر انقلاب که نهایت اشرف و آگاهی را به اوضاع و احوال کشور داشت و چنین تحولاتی را از برخی عناصر روحانی و غیرروحانی برای سازشکاری با رژیم پهلوی بعید نمی‌دانست در تذکری بجا این عمل را شدیداً محکوم کرد به طوری که انعکاس وسیعی در ایران داشت و کلیه نیروهایی را که پرچم صلح برافراشته بودند مجبور به عقب‌نشینی و سکوت نمود. امام در سخنان خود چنین می‌گوید:

آنقدر جنایت کرده در این مملکت که دیگر راه آشتی، راهی که کسی بگوید که شما اشتباهاتان تا حالا هیچ حالا از این به بعد انشاءالله اشتباه نمی‌کنید، راه نگذاشت برای این کار. اگر یک روحانی، یک سیاسی بخواهد بگوید که شاه امروز آمده است توبه کرده است، خود دیگر ببخشید، این را مردم خائن می‌دانند. در هر صورت مسیر همین است. هر کس غیر از این فکر کند خائن به ملت است.<sup>۷</sup>

۵. انقلاب ایران به روایت رادیو بی.بی.سی، هما، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۶. گزارش‌هایی از تاریخ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک و امریکا، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸، ص ۸۰.

۷. انقلاب ایران به روایت رادیو بی.بی.سی، همان، ص ۲۶۷.

این موضع‌گیریه‌ها چنان هشداردهنده است که حتی نمایندگان برخی روحانیان در همین جلسه اظهار می‌دارند که: «نمی‌توانیم کاری جز دنباله‌روی آمیخته با کنترل... داشته باشیم».<sup>۸</sup>

برخی از سران جبهه ملی نیز در همین جلسه بر عدم حضور مستقیم خودشان در کابینه ائتلافی اصرار دارند و دلیل آن را چنین بیان می‌کنند: «به علت وجود خمینی، در حال حاضر [تشکیل] دولت وحدت ملی با شرکت سران جبهه ملی میسر نیست. با شرکت شخصیهایی که به طور مستقل از جبهه میسر است با برنامه محدود تا انتخابات و مشارکت سالم سیاسی تمام مخالفین».<sup>۹</sup>

در پایان جلسه مزبور بعد از گرفتن تصمیماتی از قبیل کنار رفتن شریف‌امامی، انحلال ساواک و برخی دیگر از سازمانها از قبیل اتاق اصناف، که برای مردم نارضایی ایجاد کرده‌اند، تصمیمات متعدد اقتصادی و سیاسی نیز گرفته شد. و حتی در این جلسه اعضای کابینه و برخی استانداران و مدیران بعضی از سازمانهای مهم کشور مانند شرکت نفت را تعیین می‌کنند و به انتظار نتیجه و تصمیم سران رژیم می‌مانند. اجرا نشدن این تصمیمات و نظریات مؤید آن است که سران رژیم، و در رأس آن شاه، قدرت تصمیم‌گیری خود را از دست داده بودند و یا اینکه توقع دیگری از انعقاد این جلسه داشتند. روند پرشتاب انقلاب با شدتی که به خود گرفته بود تمامی این ترفندها را نقش بر آب کرد چنانکه در عرض مدت زمانی کوتاه شریف‌امامی ساقط شد و راه اول که همان انتخاب وزیری از نظامیان و تشکیل دولتی نظامی بود توسط رژیم برگزیده شد که آن هم نتیجه‌ای نبخشید.

در سند شماره دو چگونگی اوضاع جامعه و نحوه برخورد با روند انقلاب به قلم یکی از شخصیهای مؤثر رژیم، یعنی عبدالرضا قطبی مدیرعامل رادیو تلویزیون ملی ایران، تحلیل و راهکارهایی ارائه شده است. این شخص که پسر دایی فرح پهلوی بود، بعد از ازدواج دختر عمه‌اش با شاه (با اینکه در دوران تحصیل دارای افکار سوسیالیستی و گرایشات تند سیاسی بود) به سرعت به خدمت رژیم درآمد و با آنکه جوان بود پله‌های ترقی را، یکی پس از دیگری، پیمود و به سرپرستی بزرگترین سازمان تبلیغاتی رژیم گمارده شد. وی در بحبوحه انقلاب، یعنی آذرماه ۵۷ که روند انقلاب ارکان رژیم را لرزه درآورده بود، با ارائه تحلیلی فرصت‌طلبانه و ضعیف که حاکی از ناآگاهی او از دلایل انقلاب و حرکت مردم است به کمک رژیم برمی‌خیزد. (البته در این زمان از سرپرستی رادیو تلویزیون برکنار شده بود). وی در همین راستا به اشاره فرح پهلوی متن

۹. همان.

۸. سند شماره یک از همین مجموعه اسناد.



از راست: فرح پهلوی، محمدرضا پهلوی، امیرعباس هویدا و عبدالرضا قزلباش [۱۲۲۷-۱-پ]

سخنرانی معروف شاه را که جمله «صدای انقلاب شما را شنیدم» در آن آمده بود را برای محمدرضا نوشت، که پیامد آن چیزی جز تسریع فروپاشی نظام شاهنشاهی و پیروزی نهایی مردم نبود.

به هر صورت محتوای این تحلیل نیز دست‌کمی از مفاد سخنرانی شاه ندارد و در اوج ناامیدی نگاشته شده است. همچنانکه شاه برای تطهیر خود همه مشکلات را به گردن دیگران می‌اندازد قطبی نیز سعی دارد از شاه چهره‌ای بی‌نقص ارائه دهد و برای تبرئه کردن شاه از خطاهایش و کم کردن نفرت عمومی مردم نسبت به او چنین می‌نویسد:

متأسفانه این مشخصه [نفرت مردم از شاه] را طوری جهت داده‌اند که معطوف به شخص شاهنشاه و اطرافیان (دولتی، لشکری و خانواده...) شده است. هیچ چاره‌ای جز این نیست که این نفرت و دشمنی بر روی دیگری منعکس گردد. یک دشمن خارجی (به خصوص استعمارگران، انگلیس، multinational [چندملیتی]‌ها، امریکا و اسرائیل) که باید با ذکر دلیل و مدرک و سندهای تاریخی و بدون لحن حماسه‌های تبلیغاتی محکوم گردد و با یک دشمن داخلی که در ارتباط با خارجی و با منافع مادی گروههای داخلی محکوم شود، و این دشمن داخلی ساواک است.

مقصر در اشاعه فساد و اینکه خودش خبر فساد را هم منتشر می‌کردند [می‌کرد] همکاری برخی عناصر با خارجیها و... بالاخره «جاوید شاه» را در برابر قرآن و مسجد قرار دادن و درست کردن وقایعی مانند کرمان و... و حتی فیلم انفجاری رادیو تلویزیون، همگی تقصیر دشمن داخلی است که با محاکمه رئیس سابق ساواک، عده‌ای از مقصران و... بالاخره انحلال (درواقع تغییر قانون و سازمان و تشکیلات و به خصوص نام) ساواک و آنها که از این جریان بهره برده‌اند (همکاری ساواک با عوامل و عناصری که در فساد مالی بوده‌اند) نیز محاکمه و با نفرت طرد خواهند شد. آنچه در تغییر مشکل تصویر شاهنشاه در توده مردم مؤثر بوده است اعمال قدرت نبوده بلکه وجود ظلم، فساد مالی و سیاسی، و بستگی خارجی در مملکت بوده است و باید این ظلم و فساد و بستگی خارجی به مقصران بازگردد تا چهره شاهنشاه پاک شود.<sup>۱۰</sup>

وی، در بخش دیگری از تحلیل خود، عوامل و مشخصات انقلاب را که از آن با کلمه «شورش» یاد می‌کند چهار مورد می‌داند: «نفرت، احساس قدرت و امید به پیروزی و نهایتاً آینده بهتری که مردم توقع دارند»، و برای برخورد با تک‌تک این موارد راه‌حلهایی ارائه می‌کند. مثلاً در مورد احساس قدرتی که مخالفان دارند پیشنهاد می‌کند که با روشهایی مردم را باید ترسانند، بدین صورت که تبلیغ کنند که این امور خلاف قانون و به وسیله عوامل اجنبی و از جمله توده‌ایها سازماندهی شده است و یا اینکه توده‌ایها خود را به لباس روحانیت ملبس کرده‌اند و با حمل سلاح به جنگ سربازان می‌روند و غیره و یا حتی پیشنهادهایی ارائه می‌دهد که بسیار پیش پا افتاده و تا حدی مضحک است. از جمله آن پیشنهادهای عملی مقابله به مثل با شعارهای انقلابیون و شعارهای معروف مردم است. مثلاً سربازان و هواداران رژیم این شعارها را تکرار کنند: «یا علی»، «مرگ بر خوارج»، «مرگ بر توده‌ای» و یا شعارهایی که ترکیبی از عناصر مذهبی و مورد علاقه مردم در آن گنجانیده شده باشد مانند «حسین، حسین مظلوم»، «توده‌ای را می‌کشیم»؛ «حسین، حسین مظلوم، اجنبی را می‌کشیم».

هرچند برخی از پیشنهادهای وی در اواخر انقلاب و خصوصاً در زمان بختیار اجرا می‌شود (از جمله، تشکیل گردهماییهای قانون اساسی و یا دستگیری برخی عناصر فاسد و یا حتی انحلال ساواک) ولی، دیگر کار از کار گذشته بود و با توجه به موقعیت





| ۷-۲۸۵۷ |

زمانی این پیشنهادها ثمری نداشت.

در بخش دوم اسناد انتخاب شده، شش سند معرفی شده‌اند. اولین آنها گفت و گوی منوچهر ظلی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه ایران، با آل یاسین، سفیر وقت عراق، است که از جنبه روابط بین‌المللی حائز اهمیت است. محور اساسی این گفت‌وگو تبعید امام و موضعگیریهای مطبوعات ایران بر ضد عراق است. بعد از سه مرتبه ملاقات بین وزیر امور خارجه ایران با وزیر خارجه عراق در اجلاس سازمان ملل متحد در آمریکا، در اول مهر ۱۳۵۷ زمینه اخراج امام از عراق فراهم می‌شود و در همان روز منزل امام در محاصره نیروهای امنیتی عراق قرار می‌گیرد. به دنبال این اتفاق، اعتصابات گسترده‌ای در ایران روی داد که رژیم ایران را به وحشت انداخت. رژیم که فکر می‌کرد با دور کردن امام از نزدیکی مرزهای ایران حداقل روابط ایشان را با ایران قطع می‌کند دچار دردسر تازه‌ای شد. در پی اعلام اعتصابات گسترده در ایران، پرویز ثابتی از مدیران سطح بالای ساواک در بخشنامه‌ای به تاریخ ششم مهر به مناطق مختلف ساواک اعلام می‌کند:

اخیراً در پاره‌ای محافل در مورد ایجاد محدودیت برای خمینی از جانب دولت عراق

نقل شده و بر همین مبنا عنوان می‌گردد در روزهای ۷ و ۵۷/۷/۸ به منظور اعتراض به این امر در ایران تعطیل عمومی خواهد بود؛ دستور فرمائید با استفاده از کلیه امکانات در سطح وسیع از منطقه استحقاقی شایع کنند که این محدودیتها تدریجاً منتفی شده و با اقداماتی که دولت ایران به عمل آورد فعلاً برای او مشکلی ندارد نتیجه [را] تا ساعت ۷ روز شنبه ۵۷/۷/۸ [در مورد] وضعیت منطقه از نظر احتمال تعطیلی اعلام دارند. ثابتی<sup>۱۱</sup>

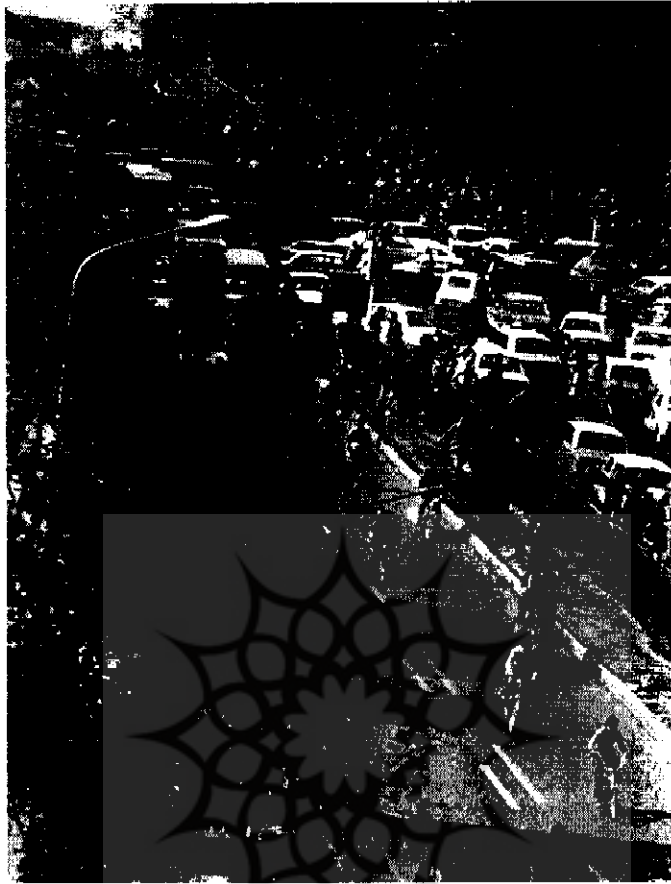
این سند وحشت ساواک از گسترش اعتصابات را به خوبی نشان می‌دهد، به طوری که پیرو همان سند با اختلاف شش روز، یعنی در سیزدهم مهرماه، دستورالعمل دیگری از سوی ساواک برای ایجاد جنگ روانی بین علماء و مردم صادر می‌شود:

در هر صورت [مقامات عراقی] در نظر داشته‌اند به ترتیبی او [امام خمینی] را از عراق خارج سازند. دستور فرمایید این مطلب به نحو غیر محسوس به اطلاع آیات روحانیون و مذهب‌یون برسد که در هیچ کشوری مانند ایران به روحانیون مجال شرکت در امور مملکتی داده نمی‌شود و به عنوان نمونه دولت عراق به تدریج قصد دارد مرکزیت مذهبی نجف را از بین ببرد. و کویت نیز به خمینی روایت داده است. انتشار این مطلب باید ماهرانه و غیرمستقیم انجام شود... تلگراف به دقت مطالعه و همان طوری که تصریح شده بایستی با کمال دقت و زیرکی خاص موضوع به اطلاع روحانیون و مذهب‌یون رسانیده شود که فکر نکنند دولت مخالف خمینی است و ایران ترتیب این کارها را داده است.<sup>۱۲</sup>

به این ترتیب رژیم در واقع با یک تیر می‌خواست دو نشان بزند: اول دور کردن امام از نزدیکی ایران و دوم اینکه اتهام دست داشتن در اخراج امام از عراق را تنها متوجه عراق کند. به هر حال با حرکت امام به سوی مرز کویت و مخالفت آن کشور با پذیرفتن ایشان، روز چهاردهم مهر امام مستقیماً از بغداد عازم پاریس شدند. شریف‌امامی که از این پیروزی به وجد آمده بود، پیروزمندانه می‌گوید: «آیت‌الله خمینی با عزیمت به پاریس محدود خواهد شد زیرا به علت رفت و آمد زائران ایرانی به عراق می‌توانست با مردم تماس حاصل نماید لیکن با عزیمت به فرانسه این امکان وجود نخواهد داشت.» برخلاف این تصور، امام با فراغ‌بال بیشتری توانست از وسایل ارتباط جمعی دنیا بر ضد رژیم استفاده کند.

۱۱. فرازهایی از تاریخ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک در امریکا. همان، ص ۱۵۵.

۱۲. همان، ۱۵۷.



[ ۲۸۶۳-۱۱ ]

به دنبال گسترش اعتراضهای مردمی نسبت به اخراج امام از عراق و همکاری این دو رژیم، در تاریخ هیجدهم مهر همان سال دو گروه به صورت مسلحانه به کنسولگری عراق در خرمشهر حمله می‌کنند که طی آن یک مأمور انتظامی مقابل کنسولگری کشته می‌شود. همان روز، در پی این عملیات مسلحانه، آل یاسین به وزارت خارجه ایران می‌رود و درباره این اتفاق، به گفت‌وگو می‌پردازد. در ابتدا نسبت به حملات مطبوعات ایرانی به عراق اعتراض می‌کند و متذکر می‌شود که اخراج امام نتیجه توافقی دوجانبه بوده است. وی می‌گوید: «نکته‌ای که امروز آمده‌ام درباره آن با جناب‌عالی صحبت کنم رویه مطبوعات ایران است که اخیراً مردم را علیه عراق تحریک می‌کنند و می‌خواهند این طور جلوه دهند که عراق خود رأساً با خمینی مخالف بوده و حال آنکه ما به خواهش شما به

او گفتیم که حق فعالیت سیاسی در عراق را ندارد.<sup>۱۳</sup> ولی ظلی تنها جوابی که به سفیر می‌دهد این است که «مطبوعات این روزها پر از مطالب مخالف برضد خود ماست. کافی است نظری به سرمقاله‌ها بیفکنید.»<sup>۱۴</sup> البته این امر نشان می‌دهد که رژیم مستقیماً با انتشار این اخبار و تحلیلها به این نظریه که دولت عراق امام خمینی را اخراج کرده است کمک می‌نمود به طوری که وقتی سفیر عراق اصرار بر اقدام دولت برای جلوگیری از درج این گونه مطالب در مطبوعات می‌کند ظلی با ناشیگری تمام، این موضوع و گناه حملات روزنامه‌ها را به گردن کمونیستها و مخالفان حکومت ایران می‌اندازد به طوری که سفیر عراق نیز با نارضایتی می‌گوید: «ولی مطبوعات شما که کمونیست نیستند.»<sup>۱۵</sup> البته این پریشان‌حالی و پریشان‌گویی گریبان اکثر مقامات وقت را گرفته بود. اوج این پریشانی و استیصال دستگاه حکومت نسبت به جریانهای انقلاب را در سند شماره چهار می‌توان دید. این سند متن نامه سه صفحه‌ای سپهبد مهدی رحیمی فرماندار نظامی تهران است که برای مرحوم آیت‌الله طالقانی ارسال کرده. رحیمی بعد از حمد و ثنای عاجزانه از وی چنین تقاضا می‌کند:

به اعتبار این معنویت و روحانیت وجود محترم است که از حضورتان التماس دارم که اجازه نفرمایید تا محضر پربرکت آن جناب با شرکت اشخاص ناباب و افراد بی‌تاب که عموماً مأموران و مسئولان غیرمذهبی می‌باشند آلوده شود و گزارشها و گفته‌ها و شکوه‌هایی، آن هم از زبان افراد سیاسی‌نما به عرضتان برسد که هم خاطر عاطر مبارک مکدر شود و هم مایه فساد و پایه پراکندگی جمیع مسلمانان گردد.<sup>۱۶</sup>

سندهای شماره پنج تا هشت از اسنادی هستند که مستقیماً به حوادث و جریانهای خ داده در انقلاب می‌پردازند. با شتاب گرفتن وقایع انقلاب و اتفاق افتادن برخی کشتارها که هر یک نقطه عطفی در جریان انقلاب محسوب می‌شد، رژیم نیز برای تبریئه خود و یا حتی موجه نشان دادن برخی اعمال ضابطان خود در این کشتارها مجبور به فرستادن گروههای تحقیق و تفحص به برخی از شهرهای کشور شد. از جمله این وقایع، رویدادهای مسجد جامع کرمان، اصفهان و نجف‌آباد بود.

گزارشهایی که هیئتهای تحقیق در مورد وقایع مزبور تهیه کرده‌اند هر چند جامع و کامل نیست ولی بر بسیاری از گفته‌ها که آن زمان به صورت شایعه و یا اخبار بر سر زبان مردم بود مهر صحت می‌زند که بعد از گذشت بیش از بیست سال هنوز خواندنی است.

۱۳. سند شماره سه از همین مجموعه اسناد.

۱۴. همان.

۱۵. همان.

۱۶. سند شماره چهار از همین مجموعه اسناد.

به دعوت روحانیت کرمان در ۲۴ مهرماه ۵۷، اهالی این شهر به یادبود چهلمین روز واقعه هفدهم شهریور تهران در مسجد جامع این شهر گرد آمده بودند (نزدیک به بیست هزار نفر). ناگهان در اواسط مراسم، مردم با یورش کولیهای چماق به دست و مأموران شهربانی که لباس مبدل به تن داشتند روبه‌رو شدند. اینان ضمن دادن شعارهایی به نفع خاندان سلطنت به ضرب و شتم مردم در مسجد دست زدند به طوری که حتی قسمتی از مسجد نیز از این حمله‌ها مصون نماند و مورد هتک حرمت و آتش‌سوزی قرار گرفت. البته از این واقعه تا به حال اطلاع زیادی به صورت رسمی منتشر نشده است و منبع اطلاعاتی اصلی تا قبل از چاپ این سند تلگراف آیت‌الله علی‌اصغر صالحی کرمانی است که به گونه‌هایی از آن واقعه اشاره دارد.<sup>۱۷</sup> طبق اطلاعیه هیئت تحقیق، واقعه به این صورت شروع شده بود که:

تعدادی کولی در حمایت مأمورین پلیس قصد ورود به مسجد را دارند. به لحاظ بسته شدن درب مسجد نامبردگان با تخریب درب کوچک مجاور حزب زحمتکشان که به پشت بام مسجد راه داشت به آنجا وارد [شدند] و شروع به کندن آجر و پرت نمودن آن به طرف اشخاصی که در صحن مسجد بوده نمودند و چند نفر مأمور نظامی به طرف مسجد تیراندازی نموده که سه نفر از افراد داخل مسجد مجروح و سپس مقتول می‌گردند. جمعیت به طرف شبستان هجوم آورده و از طرفی درب مسجد که بسته شد به وسیله کولیا و تظاهرکنندگان شکسته شده و [آنها] با چوب و چماق وسیله‌های آهنی به طرف جمعیت حمله‌ور می‌گردند و گروه موافق دولت با در دست داشتن چوبهایی که میخهای آهنی بر سر آن نصب شده بود از پشت سر، زنهارا مضروب [می‌کنند] و چادر و لباس آنان را پاره کرده به نحوی که بدن عریان آنان در معرض دید افراد قرار گرفت.<sup>۱۸</sup>

۱۷. متن تلگراف ایشان چنین است: حسب اعلامیه جامعه روحانیت کرمان که به پیروی از حضرات مراجع عظام صادر شده بود، روز دوشنبه بیست و چهارم مهرماه کلیه مغازه‌های کرمان در بازار و خیابانها بسته و شهر به صورت تعطیل کامل درآمده بود. صبح آن روز، بیست هزار نفر به منظور سوگواری برای شهدای میدان ژاله تهران در مسجد جامع اجتماع کرده، ساعت یازده... تعدادی کولی اجیر شده با حمایت مأموران مسلح، پس از آتش زدن اتومبیلها، موتورها، دوجرخه‌های مردم در خارج از مسجد از در و بام با سنگ و چوب و اسلحه گرم وارد مسجد گردیده و با پخش گاز اشک‌آور به داخل شبستان و ایجاد خفقان به مردم بی‌دفاع و سلاح حمله نموده... در این واقعه تعدادی مقتول و بسیاری مجروح شدند. حمله‌کنندگان پس از یورش به مسجد به بازار و خیابان وارد شده با پشتیبانی و نظارت مأمورین بسیاری از مغازه‌ها را پس از غارت به آتش کشیدند. *تعمیر تاریخ انقلاب اسلامی ایران*. تهران، سروش، ۱۳۶۹، ص ۱۵۷.

۱۸. سند شماره شش از همین مجموعه اسناد.

البته غائله به همین جا ختم نمی‌شود و مهاجمان با راهپیمایی در شهر به تعداد زیادی مغازه و اماکن اقتصادی که وابسته به افراد سیاسی - مذهبی مخالف بود یورش بردند و این اماکن را پس از غارت، به آتش کشیدند. البته در این زمان کم‌ترین ممانعتی از سوی نیروهای شهربانی مستقر در شهر برای جلوگیری از اقدامات وحشیانه مهاجمین به عمل نمی‌آید و حتی اجازه خاموش کردن آتش نیز به نیروهای آتش نشانی داده نمی‌شود که این امر نشان‌دهنده توافق قبلی و آشکار حکومت در این تهاجم وحشیانه است. در نهایت، هیئت سه نفره تحقیق این پیشنهاد را برای حل و فصل قضیه ارائه می‌کند:

نکته‌ای که عرض آن ضروری به نظر می‌رسد این است که اهالی متعصب کرمان و سایر دستجات، به خصوص اشخاصی که به عنوان شاکی در پرونده دادگستری شکایت خود را در محضر آقای بازپرس عنوان نموده‌اند، اتهاماتی دائر بر مداخله پلیس در واقعه مسجد کرمان متوجه سرکاران سرهنگ سروری، سرهنگ معتمد، سرهنگ نشاط، سرگرد گنجی صفار، سرگرد طباطبایی، سروان ریاضی، سروان فرزین و سروان صالحی نموده‌اند که بجاست شهربانی کل کشور شاهنشاهی در فرصت مناسب اقدام به تعویض نامبردگان فوق نموده [نماید] تا از شدت احساسات مردم به تدریج کاسته شود.<sup>۱۹</sup>

سند هفتم مربوط به وقایع دو شهر همسایه یعنی اصفهان و نجف‌آباد است. وخامت وضع به حدی بود که رهبر انقلاب با دادن اعلامیه‌ای به تسلی خاطر مردم این دو شهر پرداختند. در پی وقایع خشونت‌آمیز ۱۱ و ۱۲ محرم (۲۱ و ۲۲ آذر ۵۷) در این دو شهر هیئتی عالی‌رتبه از سازمانهای مربوطه برای بررسی این وقایع به این دو شهر اعزام شدند. البته اصفهان از شهرهایی بود که حکومت نظامی در آن برقرار شد، و این حاکی از روحیه انقلابی و مذهبی شدید مردم اصفهان است چنانکه هیئت بررسی‌کننده نیز به این مسئله اذعان می‌کند:

مقدمتاً لازم به یادآوری است که اصفهان شهری است سنتی و مذهبی. صرف‌نظر از عده قلیلی اکثر اهالی شهر، اعم از تاجر و کاسب و کشاورز و کارگر، به طور قشری، با تعصب زیاد، خود را پایبند به اصول و مبادی مذهبی می‌دانند یا هستند. مذهبی یا سنتی بودن مردم اصفهان و احیاناً شهرهای اطراف آن سابقه تاریخی طولانی دارد. این طرز تفکر و اندیشه و همبستگی محکم و منسجمی که بین طبقات مردم به نحوه‌ای ممتاز و متمایز از سایر نقاط کشور ایجاد [شده] و از این جهت، حرکات و

۱۹. سند شماره شش از همین مجموعه اسناد.



[ ۷-۲۸۵۹ ]

جنبشها در هر مسیر شکل خاصی به خود می‌گیرد.<sup>۲۰</sup>

ارتشبد قره‌باغی که وزارت کشور کابینه‌های شریف‌امامی و ازهارای را برعهده داشت با توجه به روحیات مردم اصفهان بر بی‌فایده بودن ادامه حکومت نظامی در این شهر تأکید می‌کند و حکومت نظامی را عاملی برای ایجاد اغتشاش بیشتر می‌داند. تظاهرات روز عاشورای اصفهان برخلاف روز تاسوعا که به آرامی برگزار شد به خشونت گرایید. ساعت دو بعدازظهر آن روز (۲۰ آذرماه) وقایعی رخ داد که به درگیریهای دو روز بعد این شهر منتهی شد. ابتدا مجسمه محمدرضا پهلوی و رضا پهلوی سرنگون گردید و سپس عده‌ای دیگر در همان روز به مقر ساواک اصفهان حمله کردند که با مداخله نظامیان این حمله ناکام ماند. با سخنان تحریک‌کننده فرماندار نظامی اصفهان، سرلشکر ناجی، در رادیو تلویزیون، فردای آن روز تعدادی از عوامل اجیر شده رژیم به شهر اصفهان حمله می‌نمایند. در روز ۲۱ آذر حتی هیلکوپترهای نظامی به سوی

۲۰. سند شماره هفت از همین مجموعه اسناد.

مخالفان تیراندازی کردند. خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش می‌دهد:  
 امروز هلیکوپترهای نفر بر ارتش به سوی تظاهرکنندگان که در شهر اصفهان فریاد می‌زدند «مرگ بر شاه» آتش گشودند. نخستین گزارشها خبر از تلفات بسیار می‌دهد. هلیکوپترها به طور معمول برای مراقبت هوایی به پرواز درآمده بودند، ولی وقتی مورد اعتراض مردم قرار گرفتند به طور ناگهانی به سوی آنان تیراندازی کردند.<sup>۲۱</sup>

همزمان با این عمل نظامیان و اراذل و اوباش با شعار «جاوید شاه» بی‌محابا به اهالی شهر حمله کردند. در جمع این عده چند هزار نفری سرلشکر ناجی مجدداً سخنرانی کرد که منجر به تحریک بیشتر این گروه و حمله مجددشان به مغازه‌ها و اماکن مختلف و آتش زدن آنها شد. در گزارش هیئت اعزامی، که مؤید این واقعیت است، چنین آمده:  
 ضمناً این عده که با مأمورین همراه بودند در سر چهارراهها، اتومبیلها را متوقف نموده و راننده و سرنشینان آنها را مجبور به دادن شعارهای موافق «زننده باد شاه» [و] الصاق تمثال اعلیحضرت به جلو اتومبیل می‌نمودند و چنانچه کسی امتناع یا حتی درنگ می‌کرده با چوبهایی که در دست داشته‌اند شیشه اتومبیلها را خرد و سرنشینان آنها را مصدوم می‌کردند.<sup>۲۲</sup>

گزارشهای بیمارستانهای اصفهان حاکی از کشته شدن چهل نفر و زخمی شدن ششصد نفر می‌باشد. برابر اعلام خبرگزاریها، نظامیان حتی به کسانی که به بیمارستانها برای دادن خون مراجعه کرده بودند تیراندازی و عده‌ای را مضروب کردند. همچنین بسیاری از مجروحین، از ترس مأموران حکومت نظامی، به بیمارستانها مراجعه نکرده و در درمانگاههای خصوصی معالجه شدند، و حتی گزارشهای رسیده مؤید این خبر بود که تعدادی از شهدای این واقعه در منازل و مساجد و باغات اطراف شهر مدفون گردیدند.<sup>۲۳</sup>

در شهر نجف‌آباد، این وقایع به علت کوچک بودن شهر و اینکه همه اهالی یکدیگر را می‌شناختند به فاجعه‌ای همگانی تبدیل شد. عوامل حکومت نظامی و نیروهای شهربانی اجرای قانون نظامی را تبدیل به انتقامجویی شخصی کردند و حتی به

۲۱. تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران. همان. ص ۲۰۰.

۲۲. سند شماره هفت از همین مجموعه اسناد.

۲۳. سند شماره هفت از همین مجموعه اسناد.



بیمارستانها و مجروحان آن نیز رحم نکردند. البته عوامل اصلی این کشتار اشخاص شناخته شده‌ای چون سرگرد حسن زاده و رئیس شهربانی نجف‌آباد سرگرد ذوالفقاری بودند.

روز ۲۱ آذرماه در پی تظاهرات اهالی نجف‌آباد، به تحریک مقامات شهربانی و محلی ۲۰ برخی از روستائیان ناآگاه و همچنین عوامل رژیم از اطراف شهر نجف‌آباد با عکسهای شاه و چوب و چماق به شهر حمله می‌کنند و با به آتش کشیدن ۱۹۵ مغازه و تعدادی منازل مسکونی شدت عمل زیادی از خود نشان می‌دهند. طبق گزارش هیئت اعزامی نزدیک به ۳۳ نفر از اهالی شهید و نزدیک به صد نفر مجروح می‌شوند. حتی بیمارستان شیروخورشید نیز مورد حمله سرگرد حسن زاده قرار گرفت. این اعمال در آن ایام زیانزد خاص و عام مردم و خیرگزارهای خارجی شد. خانم موحدی ناظمه فنی بیمارستان شیروخورشید به عنوان شاهد چنین می‌گوید:

در ساعت ۹ شب بیمارستان مورد حمله قرار گرفت. هر کس به گوشه‌ای فرار می‌کرد. سرگرد حسن زاده به سردستگی عده‌ای وارد بیمارستان شدند. عده‌ای بر اثر تیراندازی و ممانعت مأمورین از معالجه و به علت خونریزی شدید مردند. صحنه را در عالم رؤیا فرض می‌کردم. داد زدم چه دستگاهی است که برای معالجه آزادی نیست؟! سرگرد گفت دستور از بالا دارم.<sup>۲۴</sup>

دکتر صابرعلی نیز می‌گوید:

بر اثر هجوم مأمورین پلیس به بیمارستان، مجروحین و مصدومین از بیمارستان فرار کردند... مأمورین انتظامی با لباس و بی‌لباس فرم وارد بیمارستان شدند. یکی از مصدومین را که تیر خورده بود زیر لگد انداختند. به آنها تذکر داده شد اینجا بیمارستان است؛ اسلحه نشان دادند در همان روز یک مصدوم را در بیمارستان به گلوله بستند و کشتند. یکی از مأمورین در بیمارستان عربده می‌کشید و می‌گفت کدام پزشک زن... است که قدرت داشته باشد تیر خورده خائن را معالجه کند.<sup>۲۵</sup>

در نتیجه گزارش هیئت تحقیق، تعدادی از افراد نظامی و غیرنظامی از دو شهر اصفهان و نجف‌آباد از این مکانها به جای دیگر منتقل شدند و حتی برای بعضی از آنان پرونده‌ای در دادگستری تشکیل شد.

علی اصغر حاج سیدجوادی در اشاره به عملکرد این هیئت چنین می‌گوید:

من اطلاع خیلی دقیق‌تری از این نظر دارم که یک هیئت مأمور شدند و به ریاست

۲۵. همان.

۲۴. سند شماره هفت از همین مجموعه اسناد.

یکی از سپهدهای ارتش برای رسیدگی به مسئله اصفهان، گزارشی که این سپهبد در آن موقع داده بود تأیید کرده بود که خشونت شدیدی از طرف ارتش نسبت به مردم اعمال شده و ماشینها را شکسته‌اند اینها. این مسئله با اینکه به صورت یک گزارش برای شاه هم تهیه شده بود انعکاسی پیدا نکرد که ارتش را دست به عصا تر بکند و در رفتارش با مردم محتاط‌تر بکند.<sup>۲۶</sup>

هشتمین و آخرین سند این مجموعه که شاید بهترین اسمی که می‌توان برای آن گذاشت «یک روز با انقلاب اسلامی» باشد سلسله گزارشهای فرمانداریهای نظامی سیزده‌گانه کل کشورست و وقایع مربوط به یک روز کامل یعنی ۵ دی ماه ۱۳۵۷ را حکایت می‌کند. این گزارشها شامل اتفاقات، تظاهرات، عملکرد مخالفان دولت و برخی تحلیلها در مورد جایگاه مخالفان و نحوه برخورد با آنهاست. امید که این هشت سند مورد توجه و استفاده تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی و خوانندگان قرار گیرد.

## [۱]

### دانشگاه تهران

دفتر ریاست

مهر یا آبان ۱۳۵۷

الف - کسان:

از جبهه ملی: بختیار، سنجابی، دکتر احمد مدنی، فروهر، عزالدین کاظمی  
از انجمن حقوق بشر: احمد صدر حاج سیدجوادی، دکتر عبدالکریم لاهیجی، دکتر علیتقی حکمی

از مخالفین مستقل: دکتر علی امینی؛ منفردین پارلمان: جلال [جلالی] نائینی<sup>۲۷</sup>...

از حزب پان‌ایرانیست: پزشکیور، موجهر یزدی

از اتحاد برای آزادی: بنی‌احمد، رحیم صفاری، دکتر ذکاء، دکتر شیروانی (مؤتلف)

نمایندگان آیت‌الله شریعتمداری: پسر و داماد<sup>۲۸</sup>

نماینده آیت‌الله نجفی: آیت‌الله مبرقع

۲۶. انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی، ص ۲۲۰.

۲۷. سید محمدرضا جلالی نائینی، نماینده انتخابی دوره هفتم مجلس سنا از تهران.

۲۸. مهندس حسن شریعتمداری و عباسی



علی امینی، تابستان ۱۳۵۷ | ۲۴۰۲-۱ پ |

بعضی روحانیون منفرد: صالحی کرمانی...<sup>۲۹</sup>

و تعدادی حواشی: دکتر غلامحسین صدیقی، علی سیف‌پور فاطمی، اللهیار صالح (مع‌الواسطه)، دکتر رزم‌آرا... دکتر مرتضی معین‌زاده (امینی) رؤسای اصناف و بازار: مانیان، نوریان، اولیاء شیرازی، باقر رضایی بعضی شخصیتهای اقتصادی و بانکها: بانک بازرگانی، مرکزی، پارس، سندیکای مقاطعه‌کاران

#### ب- برداشت کلی و مشترک از وضع: مآل علوم انسانی

۱. وضع خطرناک و ادامه آن در آینده نزدیک موجب اضمحلال درونی مملکت و رژیم است.
۲. پشتیبانی سیاستهای خارجی تأثیر مستقیم در کنترل فعلی اوضاع داخلی ندارد.
۳. بعضی معتقدند؛ CIA، شرکتهای نفتی، ساواک (همدان، کرمان، آمل، کارخانه‌ها، آزمون) تحریک می‌کنند.
۴. همه معتقدند، تشکیلات زیرزمینی و اکنون تقریباً علنی حزب توده عامل مؤثر

۲۹. احتمالاً علی‌اصغر صالحی کرمانی

تشکل است، عامل منحصر نیست.

۵. همه معتقدند کلید اصلی و طرف مقابل مهم خمینی است.
۶. همه معتقدند که خمینی دیگر برداشتی از اوضاع ایران ندارد. کینه، اطرافیان بد، بازیچه سیاستهای خارجی، آغاز مخالفت مردم، ولی [خمینی] سمبل غیرقابل انکار مخالفت و انفجار عقده‌ها و نارضایتی و مسلماً عملش خلاف رژیم است.
۷. اکثریت معتقدند (فروهر، انجمن حقوقدانان، بازاریان)، اقلیت: بنی‌احمد، مخصوصاً نمایندگان آیات قم: که باید از موضع قدرت با خمینی مذاکره کرد. و در حال حاضر تبادل نظر کافی است و هرچه جلوتر برویم او بیشتر احساس قدرت می‌کند، مگر آنکه شخصاً او دقیقاً مطیع سیاست خارجی باشد که ظاهراً نیست. بعضیها عقیده داشتند راندن خمینی به پاریس اشتباه بود.

attention à l' attentat [متوجه سوء قصد باشید]

۸. بالاتفاق عقیده دارند حفظ سلطنت و قانون اساسی در حالت خطر فعلی تنها راه نجات مملکت است. ولی اگر جریان ضد رژیم، مخصوصاً حوادث مشابه دو سه روز اخیر (دانشگاه و روال اصلی آن، همدان، کرمان...) ادامه پیدا کند، در ظرف چند روز آینده به تدریج شعار ضد سلطنت رسمی و عمومی خواهد شد. نمی‌خواهند به کوچه تسلیم شوند ولی ناچار می‌شوند و هر روز وضع بدتر می‌شود (پیش‌بینی چهارم آبان تا محرم).

نمایندگان آیت‌الله شریعتمداری تأکید می‌کنند که نمی‌توانیم کاری جز دنباله‌روی آمیخته با کنترل (هرچه مشکل‌تر) داشته باشیم.

۹. خطر وضع اقتصادی را وحشتناک‌تر و مزید بر علت می‌دانند. تورم، گرانی قیمت‌ها، اعتصابات، فلج تدریجی اقتصاد، اسکناسهای نو (۵۰ میلیارد؟)، عدم پرداخت مالیات و عدم امکان وصول آن، فرار ارز، خروج پول، ذخیره کالاها.
۱۰. خطر سرایت به ارتش (شریعتمداری، صدیقی)، در صورت عدم برگرداندن اوضاع.

ج - راه حل:

الف: منقیات

۱. بالاتفاق کابینه شریف‌امامی را محکوم [می‌کنند] و هر روز ادامه آن را به ضرر می‌دانند. علل ذکر شده مختلف است: فساد خودش، آزمون<sup>۳۰</sup>، عدم تجانس، تأثیر

۳۰. منوچهر آزمون معاون اجرایی و سخنگوی دولت شریف‌امامی

عوامل فساد (محمدعلی مسعودی، عبدالمهدی شریف‌امامی...)، ناتوانی در تصمیم‌گیری، ضعف و برگشت (مطبوعات، بخشنامه، دانشگاهها)، اتهامات وارده به ارتش.

۲. اتفاقات آمل، کرمان و همدان و تظاهرات دانشگاه دارد وضع را به غیرقابل کنترل و کینه را به حد انفجار شدیدتر و جنون تبدیل می‌کند هر ساعت مهم است.

۳. میزان نگرانی و آغاز عکس‌العملها به نحوی است که اکنون شانس توفیق یک اقدام برگشت زیاد است و ممکن است به تشویق عکس‌العملهای سالم منتهی شود. ولی یک هفته دیگر دیر خواهد بود و باید دولت سیاست تسلیم را کنار بگذارد و گرداننده حوادث شود.

#### د - راه‌حل: پیشنهادها

به علت [وجود] خمینی در حال حاضر [تشکیل] دولت وحدت ملی با شرکت سران جبهه ملی میسر نیست. با شرکت شخصیهایی به طور مستقل از جبهه میسر است با برنامه محدود تا انتخابات و مشارکت سالم سیاسی تمام مخالفین. با برنامه‌های کوتاه مدتی که زیر پای مخالفین را جارو کند.

شرایط دولت: حتی الامکان برای وزرای اجرایی چهره‌های تازه، متخصص، درستکار او| بدون سوابق توده‌ای، امنیتی.

نخست‌وزیر باید متعهد شود که در هیچ حزبی شرکت نکند. (همه)  
نخست‌وزیر باید متعهد شود که در جست‌وجوی نخست‌وزیر شدن بعد از انتخابات نخواهد بود (فروهر، لاهیجی). تأکید بر دفاع از قانون اساسی و متمم و تمام مواد آن.

#### — برنامه کوتاه مدت حداقل

۱. مبارزه با فساد (توقیف شخصیهایی متهم به دزدی ده سال اخیر، دادگاههای فوق‌العاده قانونی با اختیارات فعلی وزیر عدلیه).

entre La nomination du P.M. et sa presentation | حداقل بین تعیین نخست‌وزیر و معرفی وی|

اعلام اقدام برای اعاده متهمین فراری از طریق وزارت خارجه، استفاده از ماده ۵ انتقال به دادگستری، حفظ حیثیت و دفاع از خدمتگزاران و اقدامات انجام شده.

۲. برنامه دولت کوتاه و قاطع خواهد بود. بلافاصله بعد از معرفی به مجلس خواهد رفت و بیست و چهار ساعته تقاضای رأی اعتماد خواهد شد.

برنامه دیالکتیک، بدی وضع، تصویر، اشتباهات، فساد.

عوامل امیدواری: سیاست مستقل ملی - ثبات سیاسی.  
دستاوردها، موقعیت ژئوپلتیک، قدرت نیروهای مسلح و مخصوصاً مهین پرستی و دیانت.

نتیجه: برنامه انتقالی و واسطه تا تجلی اراده ملی در کادر انتخابات آزاد.  
۳. اعلام اینکه به محض حصول اطمینان از آرامش، حکومت نظامی لغو خواهد شد.  
(عملاً تخفیف حضور جز در موارد خطر، وضع بعد از شهریور بیست تا زمان مصدق).  
۴. کوشش برای تأمین آرامش، اجرای سریع طرحها و اختتام و بهره‌برداری آنها، جلوگیری از حیف و میل و تجمل.

۵. تجدید رونق اقتصادی و مبارزه با تورم و تضمین قوه خرید، برقراری کنترل خروج ارز برای شش ماه، لغو عوارض خروج و تخفیف آن به پنج هزار ریال و استقراض قرضه (۹) خروج باریج صدی دوازده به نفع ایجاد مسکن (مبارزه با تورم)، کاهش سپرده بانکها نزد بانک مرکزی از ۲۵ به ۱۵ درصد به منظور رفع مضایق بازار، احتمالاً وضع عوارض بر بعضی صادرات ارزی (چندنرخ و تشویق صادرات)، برنامه پر سر و صدای صرفه‌جویی بنیادی مشتمل بر:

ادامه طرح مترو، چهار سانترال اتمی فعلی کافی است، کنترل بعضی طرحهای پتروشیمی، انحلال سازمان زنان و انتقال مهدکودکهای آن، ادغام مبارزه با بیسوادی، انحلال اردوهای عمران ملی، حذف یا کوچک کردن نمایندگیهای غیرسیاسی در خارج، لغو تغذیه رایگان و تأمین اعتبار کوچکی برای کمکهای غذایی، تحدید و تجمیع و ادغام سازمانهای غیردولتی منتفع از بودجه، تعلیق بعضی از پرداختها.

۶. توافق با بعضی تجار بزرگ و کمکهای مالی محرمانه به شبکه‌های توزیع معین.  
۷. انحلال اطاق اصناف و عضو صنفی و تشکیل شورای هماهنگی امور اصناف و انجام مقرری و انتخابات صنفی.

۸. الغای فوری انحصارات خصوصی (سیمان، آهن...)  
۹. زیر و رو کردن قانون استخدام براساس از بین بردن تبعیضات و تنظیم شرایط احراز پست.

۱۰. راه‌اندازی فوری شورای دولتی به ریاست یک شخصیت ملی (سنجایی، امینی...).  
۱۱. تعلیق دروس دانشگاهی تا پایان آذر و حذف تعطیلات تابستانی بعدی، ایجاد و تضمین چند محل برای تظاهرات، تمرکز تمام قوا بر راه‌اندازی مدارس.

۱۲. اجازه فعالیت برای احزاب سیاسی ملی (اعلام نخواهد شد) و جراید آنان.  
۱۳. آزادی زندانیان سیاسی (آنها که اقدام مسلحانه کرده‌اند ارجاع به کمیسیون خاص رسیدگی).



۱۴. اتخاذ تدابیر فوری رفاهی و تفریحی برای جوانان.
۱۵. فعال ساختن تلویزیون به حداکثر (اعلام نخواهد شد).
۱۶. اعلام تقدیم قانون جدیدی درباره سازمان اطلاعات و امنیت کشور (امکاناً مشابه شهربانی و ژاندارمری) epuration de la SAVAK [تصفیه ساواک]
۱۷. اعلام دادگاههای نظامی در کادر قانون اساسی.
۱۸. تأکید بر استقلال قوه قضائیه و نقش اجرایی وزیر دادگستری.
۱۹. تشکیل شورای عالی نظارت بر انتخابات موجهین ملی.
۲۰. برای دو سال با قانون خاص وصول مالیات صنفی شود (اطاق بازرگانی، کانون وکلا، نظام پزشکی، شورای عالی اصناف براساس عملکرد قطعی شده قبلی).
۲۱. آزادی ورود کالاهایی که مشابه آن در ایران نیست.

#### — رابطه با مجلس

دو تر

انحلال: بختیار، سنجابی، لاهیجی (بعد از اختیارات)  
اختیارات: فروهر، مدنی

#### — ۵. اشخاص

P.M | نخست‌وزیر |

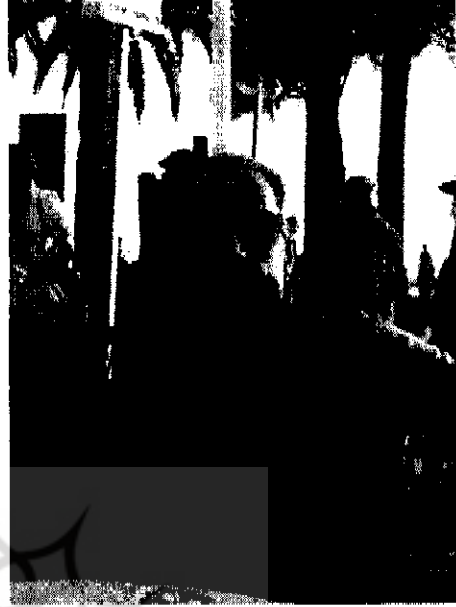
بختیار، سنجابی در صورت شرکت ما شخصاً (عبدالله انتظام، محمد سروری، سجادی، مطلقاً نه امینی) ولی شرکت مستقیم فعلاً نمی‌کنیم.  
نهایندی نایب نخست‌وزیر در امور اقتصادی از دولت فعلی: نهایندی، یگانه، شالچیان را قبول داریم. باهری، ودیعی، آزمون، شریف ← veto  
فروهر از نظام: امینی، نهایندی (اگر وزیر نشده بودید)، معینیان، اردشیر (که دوستش دارم)، صدیقی، نهایندی، امینی Soutiens | حمایت، پشتیبانی |  
حقوق بشریها و... نهایندی به علت درستکاری و استعفا.  
مسئله وزارت کشور: توافق بر جواد صدر  
امور خارجه  
جنگ

دارایی: مهدی سمعی، خوش‌کیش، داریوش اسکویی  
صنایع و معادن: دریاسالار ابوالفتح اردلان  
کشاورزی: نادر افشار نادری، امیر پرویز





شاپور بختيار | ۲۲۱۰-۵۵



محسن پزشکپور | ۲۷۸۴-۱-پ

مسکن: دریادار سیامک دیهیمی  
بازرگانی: دکتر علی سیف پور  
اطلاعات و جهانگردی: محسن پزشکپور، دکتر محمدرضا حریری، احمد بنی احمد  
آموزش: دکتر احمد مدنی، محمد مشایخی  
علوم و آموزش عالی: محمود خواجه نوری، دکتر بیژن جهانگیری، مهدی کوثر  
پست و تلگراف: فرهاد زیاحی  
دادگستری: احمد صدر حاج سید جواد، سجادیان، حسین نجفی  
بهداری: دکتر داریوش شیروانی، دکتر محمدرضا حریری  
برنامه: داریوش اسکویی، فیروز توفیق  
نیرو: رضا قطبی، علیقلی مانی، جواد شهرستانی  
راه: ابوالحسن بهنیا  
فرهنگ و هنر: رضا قطبی، مهدی کوثر  
کار: دکتر محمدرضا حریری، محسن پزشکپور  
اجرائی: خسرو رضایی  
پارلمانی: داریوش شیروانی، احمد بنی احمد، دکتر مرتضی معین زاده

اوقاف: دکتر مظاهر مصفا، عباس سالور  
کشور: دکتر جواد صدر  
دبیرکل سازمان امور اداری: جمشید قرچه‌داغی  
مشاوران: عبدالله انتظام، علی‌اکبر سیاسی، دکتر محمد نصیری، دکتر مهدی آذر، دکتر محمدعلی ملکی، جلال نائینی  
معاون نخست‌وزیر در امور جوانان: منوچهر یزدی  
بانک مرکزی: دکتر عبدالعلی جهانشاهی  
بانک ملی: محمود رئیس  
بیمه مرکزی: دکتر مهر  
بیمه ایران: پرویز کیقبادی  
بانک رهنی: فیروز توفیق  
عمران جنوب تهران: منوچهر ایرانپور  
بانک رفاه: دکتر هوشنگ ساعدلو  
بانک توسعه کشاورزی: دکتر هوشنگ ساعدلو  
بانک بیمه: صادق پرند  
شهرداری تهران: جواد شهرستانی، مرتضی صالحی  
راهنمایی و رانندگی و ترافیک: تیمسار شیرزاد  
شرکت ملی نفت: پرویز مینا  
شرکت ملی پتروشیمی: علی‌اصغر رفیعی  
شرکت ملی گاز: محسن شیرازی  
دخانیات: دکتر ناصر روحانی‌زاده  
استانداران:  
خراسان: نایب‌التولیه، شیخ محمدتقی قمی‌استاندار، مرتضی صالحی یا هر دو جواد  
شهرستانی یا سپهد اسماعیل ریاحی  
آذربایجان شرقی: تیمسار شفقت  
فارس: عبدالعلی دهستانی  
تهران: دکتر مرتضی معین‌زاده، صدقیانی، محمد طباطبایی  
کرمان: جمال رضایی  
سمنان: سعید نژند، دکتر محمدعلی احمدی  
همدان: دکتر محمدعلی احمدی، حسین سپاسگزاران  
گیلان: حسین سپهری

مازندران: خدایاری  
 بلوچستان و سیستان: سهراب بزرگ  
 اصفهان: حقدان  
 کرمانشاه: ناظمی  
 لرستان: عباس ظریف  
 بوشهر: جواد تبریزی  
 خوزستان: مهندس امیرپرویز  
 رضائیه: فریدون ملاوزیری  
 زنجان: منیعی  
 ایلام: ابوالحسن دادور  
 کردستان: کریم معتمدی  
 مرکز: صدقیانی، محمد طباطبایی  
 بندرعباس: جوهرزاده  
 یزد: امیر شیلاتی

[ ۶۶-۳۲-۸۴۹-ن ]

[ ۲ ]

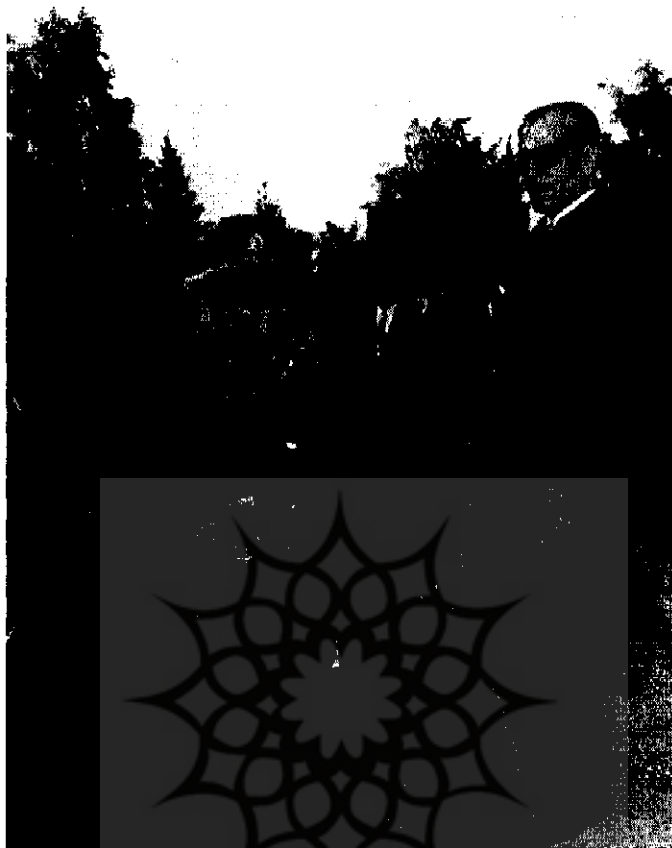
### اتوصیه‌های رضا قطبی در مورد سامان دادن اوضاع مملکتی

#### در آستانه فروپاشی حاکمیت پهلوی

۱. گفتار مجلس و تمام گفتارهای دیگران هم صادقانه بود ولی عملها Confused [مغشوش] است. مثال: واقعه مشهد، ندادن شهرت به کسانی که به دنبال آنها هستند، نگفتن نحوه فرار یاسینی و رضایی، و لاف‌ها اینکه تعقیب می‌شود. و اصولاً کمتر صحبت از TV باشد.
۲. تفاوت حکومت نظامی ما و حکومت نظامی [دیگر کشورها]. سختگیری به جای خشونت. چگونه اول ساکت شدند و بعد دوباره شروع شد به شلوغی: نمونه برق، نمونه RTV [رادیو تلویزیون]، چگونه حقوق و مزایا پرداخته شد؛ تفاوت کارگر و معلم؛ چگونه حکومت نظامی شل شد؛ چگونه صد نفر کشته شدند و دو نفر تیرباران شد.
۳. در مقابل غول ترس، ما در [برابر] خمینی چه می‌خواهیم بگذاریم؟ دل مردم را به دست آوردن از هیچ راهی ممکن نیست جز حکومت قانونی در زمان جنگ؛ مردم

- باید از یک غول دیگری بترسند. اگر این غول ارتش نباشد چه می‌خواهد باشد؟
۴. تم اصلی آنها «فتحاً [فتح] قریب» است، چگونه باید این تم را عوض کرد: نامیدی.
  ۵. نفرت از یک فرد: چگونه باید نفرت را منعکس به جای دیگری کرد؟
  ۶. دشمن داخلی مشترک منفور، دشمن خارجی مشترک منفور: ضد ساواک، نه استعمار.
  ۷. احساس گناه طبقه حاکم: مثال، آقای دادستان؛ مثال، چون نصیری آدم کشت ما حکومت نظامی را محکم می‌گیریم، در حالی که باید نصیری را محاکمه کرد.
  ۸. در زمان قدرت: روزهای اول می‌شد به مردم داد. امروز دیگر نمی‌شود ضعف نشان داد و یا چیزهایی گفت که حمل بر ضعف بشود: «فتحاً [فتح] قریب»، بلکه باید سختگیری کرد هم به مردم (طبق قوانین حکومت نظامی) هم به خرابکاران و اعتصابیون و هم به عمال فساد (به خصوص سیاسی)، هر روز یک حرکت لازم است.
  ۹. تعویض برخی مدیران به فوریت: (گمرک و بنادر گنجی، نصیرزاده)، گاز و پتروشیمی و نفت و مخابرات...، اردلان) ورزش
  ۱۰. سختگیری در چند سازمان مهم که مربوط به زندگی (معاش و ...) مردم می‌شود: نفت و گاز و بنزین و برق...
  ۱۱. یافتن مقداری اسلحه، هر روز، (و نه ضبط صوت و پلی‌کپی!!)
  ۱۲. ترساندن مردم از اینکه عاشورا و روزهای اطراف آن مخالفان حداکثر قدرت خود را [ظاهر] می‌کنند (حتی بزرگتر از واقعیت)
  ۱۳. انحلال چند سازمان (لااقل با صراحت گفتن اینکه خیال داریم): فوراً در مورد وزارت اطلاعات، اطاق اصناف و مشابه آن و فکر فوری درباره ساواک و اعلام نظر در انحلال ساواک اول دی و ایجاد سازمانهای دیگری با اسامی دیگر برای کارهای اطلاعاتی و امنیتی داخلی و خارجی و تشکیل CRS
  ۱۴. بستن روزنامه‌هایی مانند آتش و پخش یک روزنامه ۸ صفحه‌ای خبر روز لااقل تا پایان محرم و احتمالاً تا هر وقت کاملاً اوضاع آرام نشده است
  ۱۵. ایجاد شورای دولتی (قبلاً نظر عده‌ای در مورد تغییر قانون آن گرفته شود)
  ۱۶. برای ایجاد تماس با گروههای مخالف، استفاده از آنها در کارهای بررسی مطالعه برای آینده (مثلاً شرکت نفت برای Opec جدید از جهان‌نگو دعوت کند و یا برای قرارداد کنسرسیوم از چند نفر دیگر از دانشگاهیها)
  ۱۷. توجه به اینکه طرف مقابل دارد با تهدید مردم را وادار به اعتصاب می‌کند؛ مثال: یکشنبه و نبودن هیچ عامل نظم (مثالها) ملاقات با دانشگاهیان (دکتر معین‌زاده)<sup>۳۱</sup>

۳۱. شماره ۱۸ در متن موجود نبود.



محمدرضا بهلوی و مهدی رحیمی | ۱۳۳۲-۱ پ

۱۹. تصفیه سازمانهای دولتی و کم کردن تعداد کادر
۲۰. کمیته جنگهای روانی (جعفریان و...)
۲۱. وزرا و مسئولان برنامه‌های خود را طرح کنند. کمی انتقاد از گذشته، تعریف از کارهایی که خوب بود و ادامه می‌یابد؛ بشارت آینده با ذکر اینکه بسیار مشکل خواهد بود
۲۲. جدا کردن مسئله موقتی بودن فساد سیاسی از ادامه کارهای اقتصادی و بنیادی

۲۵۳۷/۹/۱۳

#### جلسه‌هایی درباره استراتژی ارتباط جمعی

۱. این استراتژی نمی‌تواند جدا از رفتار کلی دولت باشد، بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی تبلیغاتی جدا از استراتژی سیاسی دولت جز هیاهو نخواهد بود و فایده‌ای نخواهد داشت.

۲. بنابراین باید چهره دولت مشخص باشد. آنچه مردم توقع دارند این است که دولت قوی ولی بدون خشونت، منطقی ولی بدون تعلل، پاک و پاکساز، میهن پرست و ضداجنبی، صریح و با سرعت عمل و بدون عوام فریبی باشد. وفاداری ارتش نیز باید دائماً تصریح گردد. بنابراین هر رفتاری که خلاف این مشخصات است (و به خصوص کندکاری، ظاهرسازی و ضعف) انجام نگیرد و منعکس نشود.
۳. موقتی بودن دولت باید به نحوی حل شود. در اکثر سازمانها و به خصوص در مواردی که مانند مطبوعات و رادیو تلویزیون برخورد سیاسی وجود دارد بزرگترین ضعف برای کسانی که کار می کنند و بزرگترین حربه تبلیغاتی مخالفان بر فرض موقتی بودن دولت است. یا باید این توهم لااقل برای چند ماه به کنار رود و یا اطمینان وجود داشته باشد که با تغییر دولت افرادی که مشغول کارند محکوم به نوعی خیانت نخواهند شد. این شرط اساسی و اصلی موفقیت در واحدهای ارتباط جمعی است.
۴. استراتژی سیاسی با شناخت مشخصات حرکت مخالف باید معین گردد. استراتژی باید همه جانبه باشد. رفتار تاکتیکی محکوم به شکست است. اولاً باید نهضت انقلابی علیه نادرستی را که شاهنشاه «انقلاب ملت» خواندند و پیام آن را پذیرفتند از شورش براندازی جدا کرد هر چند براندازی سوار بر موج انقلابی باشد. مشخصات این طغیان و شورش را می توان در چهار مورد خلاصه کرد: نفرت، احساس قدرت، امید به پیروزی [و] آینده بهتر بعد از پیروزی.

### نفرت و دشمن مشترک

متأسفانه این مشخصه را طوری جهت داده اند که معطوف به شخص شاهنشاه و اطرافیان (دولتی، لشکری و خانواده و ...) شده است. هیچ چاره ای جز این نیست که این نفرت و دشمنی بر روی دیگری منعکس گردد. یک دشمن خارجی (به خصوص استعمارگران، انگلیس، multinational چند ملیتی ها، امریکا و اسرائیل) که باید با ذکر دلیل و مدرک و سندهای تاریخی و بدون لحن حماسه های تبلیغاتی محکوم گردد؛ و یک دشمن داخلی که در ارتباط با خارجی و با منافع مادی گروه های داخلی محکوم شود، و این دشمن داخلی ساواک است. مقصر در اشاعه فساد و اینکه خودش خیر فساد را هم منتشر می کردند، همکاری برخی عناصر با خارجیها و ... و بالاخره جاوید شاه را در برابر قرآن و مسجد قرار دادن و درست کردن وقایعی مانند کرمان و ... و حتی فیلم انفجاری رادیو تلویزیون همگی تقصیر دشمن داخلی است که با محاکمه رئیس سابق ساواک، عده ای از مقصران و ... بالاخره انحلال (در واقع تغییر قانون و سازمان و تشکیلات و به خصوص نام) ساواک و آنها که از این

جریان بهره برده‌اند (همکاری ساواک با عوامل و عناصری که در فساد مالی بوده‌اند) نیز محاکمه و با نفرت طرد خواهند شد. آنچه در تغییر شکل تصویر شاهنشاه در توده مردم مؤثر بوده است اعمال قدرت نبوده بلکه وجود ظلم، فساد مالی و سیاسی، و بستگی خارجی در مملکت بوده است و باید این ظلم و فساد و بستگی با خارجی به مقصران بازگردد تا چهره شاهنشاه پاک شود.

۵. احساس قدرت در گروه مخالف که به صورت بازتاب افکارشان طرفداریهای فردی و گروهی در مجامع مختلف، روزنامه‌های خارجی و بالاخره در ماههای اخیر به صورت تظاهرات خیابانی و راهپیماییهای بزرگ به وجود آمد و تحکیم یافت. ضعف سیستم در مقابل این قدرت دو چندان بر احساس قدرت آنها افزود. به هم پاشیدن رستاخیز، فرار و مرعوب شدن مقامات سیاسی و دولتی، تخطئه همه چیز در سیرک بزرگی که دولت قبلی در مجلس و پخش مستقیم آن اعمال کرد، اعتصابهایی که حتی تشویق شد، توطئه‌ای که باعث شد روزنامه‌ها اعتصاب کنند و بعد با نهایت لجام گسیختگی شورش کنند و بالاخره وضع فعلی دولت که هیچ‌گونه ارتباطی از بالا به پایین نیست و کار توجیهی انجام نمی‌گیرد و حتی برخی سازمانهای حساس مانند نفت و رادیو تلویزیون مدیر ندارند و احساس موقتی بودن دولتی که هر روز شایعه تغییر آن بیشتر می‌شود، ادامه برخی اعتصابها (به خصوص پالایشگاه نفت و برق) و مختل بودن وضع بانکی و گمرکی و لحن تقاضا و استدعای مسئولان در برنامه‌های تلویزیونی این ضعف حکومت و احساس قدرت مخالفان را زیاد می‌کند.

برای جبران این ضعف و یا مقابله با احساس قدرت باید رفتار دولت محکم (ولی بدون تهدید) باشد. به مردم احساس استمرار و دوام در وضع حکومتی بدهد. مردم احساس کنند که سلسله اعصاب حکومت کار می‌کند، حکومت باهوش است و پیش‌بینی می‌کند؛ اگر مسالمت می‌کند از راه قدرت است نه از راه ضعف. در این زمینه اعمالی مانند تکرار حرف مخالفان در مورد فساد و خطاهای گذشته، یا شتابزدگی در واقعه جمعه شب گذشته، بستن مدارس بدون توضیح قانع‌کننده، شعار دادن بدون مایه، تظاهر مذهبی بیش از اندازه و حتی برخی از اعلامیه‌های حکومت نظامی (کشف چند قبضه اسلحه که کارد و پنجه بکس و ضبط صورت هم با آن قاطی شده است) تأثیر معکوس و بد دارد.

چند کار در این زمینه می‌شود کرد:

۱. ترساندن مردم از اینکه قدرت دست آنها نیست بلکه دست توده‌ایها و اجنبی‌پرستهای مسلح است. مثلاً آقای نخست‌وزیر پنجشنبه یک جلسه محرمانه مجلسین را تشکیل دهند و برنامه کمونیستها را برای روزهای آینده اعلام کنند که آنها خیال دارند در این

روزها تعدادی ترور سیاسی نه تنها از میان رجال دولتی بلکه از میان مردمی که معتدل و لیبرال هستند و حتی علمای اعلام بکنند. حتی با لباس ارتشی رفتاری کنند که توهین و حتی خرابکاری و آتش‌سوزی در اماکن مقدسه مشهد و قم و شیراز و غیره باشد؛ در نقاط مرزی چندین حمله به پاسگاههای مثلاً در مغان، کردستان و ... شده است؛ خیال دارند در روز تاسوعا و عاشورا در دسته‌ها هر جا که راه بیفتد وارد شوند؛ از زیر کفن یا عبا مسلح خواهند بود و به سوی سربازان تیر خواهند گشود و حتی خود مردم را خواهند کشت؛ انفجار در چاههای نفت، خطوط لوله، خطوط ارتباطی و برق و ... طبق اسناد یافت شده و اقرار برخی از دستگیرشدگان در نقاط مختلف پیش‌بینی شده بود؛ خیال داشتند به داخل مدارس بروند و بچه‌ها را بیرون بیاورند و پشت سر آنها اسلحه به دست به سربازان حمل کنند. هر چه توطئه بزرگ‌تر جلوه کند بهتر است. جلسه محرمانه خواهد بود ولی خبر آن را می‌توان به برخی از علما داد و بقیه را خود وکلاً حتماً به دیگران خواهند گفت. بعد از پایان عاشورا حتی می‌توان یک برنامه تلویزیونی با نمایش اسلحه‌ها و ... پخش کرد.

در برخوردها (به خصوص شبها که الله‌اکبر می‌کشند) سربازان و نیز مقداری ام‌جهز به تعدادی بلندگو و کاست با شعارهای ملی و مذهبی (ولی نباید جاوید شاه در برابر الله‌اکبر باشد) و مرگ بر اجنبی‌گویان به مخالفان حمله کنند.

شعارهایی مانند یا علی، مرگ بر خوارج، الله اکبر، مرگ بر توده‌ای، یا حسین، مرگ بر اجنبی

ما ارتش ایرانیم - توده‌ای نمی‌خواهیم

ما همه مسلمانیم - توده‌ای نمی‌خواهیم

توده‌ای بی‌وطن - از کی مسلمان شدی؟

تو پیش ملت - رسوای عالم شدی

حسین حسین مظلوم - توده‌ای رو می‌کشیم

حسین حسین مظلوم - اجنبی رو می‌کشیم

جاوید جاوید شاه، شاه اسلام‌پناه، شاه ایران ما؛

به علاوه مقداری کاست تلاوت قرآن؛ سرود ای ایران و همه سر به سرتن به کشتن دهیم و غیره. به علاوه تعدادی شعارهایی که مردم را آگاه و نرم کند مانند مردم مسلمان ایران فریب نخورید؛ توده‌ای و اجنبی‌پرستان در میان شما رخنه کرده‌اند. آیا همه کسانی را که در اینجا هستند و در میان شما هستند می‌شناسید؟ آیا آنها همیشه مسلمان بودند؟ نماز و روزه‌شان به جا بود؟ یا تازه تظاهر را شروع کرده‌اند؟ ندای اسلام ندای صلح و دوستی است... و امثال این حرفها. دستگیریهایی زیاد، لاقلاً محله به محله، به طوری که بشود در





رضا فطی و فرح پهلوی | ۶۴۰-۱۲۸ پ |

برخی محلات کم جمعیت اکثریت تظاهرکنندگان را دستگیر کرد. بخش اعلامیه‌های تند کمونیستی، بخش اعلامیه‌های جعلی که ضد و نقیض باشد، تلفن کردن به محرکان و علمای معتدل و ... و دادن خبرهای ضد و نقیض و نیز تهدید کسانی که شلوغ می‌کنند از طرف همسایگان و ... و کسانی که مغازه را می‌بندند و ... برای ایجاد تفرقه، اعلامیه‌های ناسیونالیستی ضد کمونیستی [ناخوانا] روحیه فاشیستی ... در آینده و بعد از عاشورا نباید حالت triumphalist [پیروزمندانه؟] داشت ولی باید چند حزب قوی و معتدل را تقویت کرد.

#### — در مورد دسته و عاشورا

تا شنبه اعلام شود که دسته ممنوع است ولی شنبه گفته شود که به استدعای عده‌ای شاهنشاه به دولت دستور داده‌اند که یکشنبه و دوشنبه تحت شرایطی دسته‌ها را آزاد کنند (مسیر و زمان محدود و مشخص) و بیشتر انتظامات را هم در مسیر پلیس و نیروهای پایداری داشته باشند و حتی ساعات منع عبور و مرور به ۱۲ شب (تا شام غریبان) ادامه یابد. در این دو روز در تمام شهر حرکت موتورسیکلت ممنوع باشد و حرکت تاکسی‌ها و اتومبیل‌های شخصی هم به سختی محدود گردد. قطع تلفن بین شهری

ظرف ۴۸ ساعت و اختلال در تلفنهای محله‌های شلوغ کمک خواهد کرد که *mobilité* (تحرك) و ارتباطات کم شود. محدود کردن اتوبوسها و کامیونها از محله به محله و از هم اکنون از شهرستانها به تهران. مبارزه با شایعه بازگشت خمینی به ایران از روز شنبه با قطع تلفن بین‌المللی و پخش شایعه‌ای که حضور او را در پاریس تأیید کند (مانند ناخوشی).

#### — امید به پیروزی

تمام قدرت بسیج در «نصر من الله و فتحاً [فتح] قریب» است. باید این امید را در گروه شورش به یأس تبدیل کرد (باتوجه به خطری که وجود دارد و آن رادیکال شدن گروهها و حرکات دیوانه‌وار است). ولی نهضت باید احساس پیروزی کند تا براندازها مایوس و انقلابیون پیروز شوند. قدرت دولت؛ استمرار حکومت؛ سختگیری؛ بالا بودن روحیه و نمایش وفاداری ارتش؛ درست کردن میتینگهای بزرگ، به خصوص در تهران و شهرهای بزرگ؛ فرستادن تلگرامهای مخالفت با وضع از طرف اهالی و افراد سرشناس به علما و رهبران سیاسی؛ مصاحبه با مردم سرشناس (ولی نه میتینگهای کوچک شهرستانها یا تلگرامهای شعارگونه)؛ صحبت درباره آینده، گفتن اینکه برقراری حکومت قانون و عدل و مبارزه با استعمار و محاکمه و محکومیت فاسدها به خواست ملت انجام شد ولی رژیم پادشاهی با حضور شاهنشاه ادامه و استمرار خواهد داشت و هیچ خطری هم وجود ندارد، خطر کشته شدن هزاران نفر هست ولی رژیم پابر جاست؛ ممکن است تمام دستگاهها بخواهند و هیچ کس حقوق نگیرد و حتی جیره‌بندی و قحطی باشد ولی ارتش و شاهنشاه جنگ داخلی را به نفع خواستهای ملی پیش خواهند برد. باید گفته شود که هیچ کس از سربازخانه فرار نکرده و همه وفادارند.

#### — آینده

باید نشان داد که حتی رکود اقتصادی امروز عواقب خوب دارد و کمک می‌کند که با سالم شدن بازار کار تمام فعالیتهای زیربنایی، با اولویت در کشاورزی، با موفقیت انجام گیرد. باید نشان داد که تمدن بزرگ ممکن است ولی برنامه طرف مقابل یا ورشکستگی است و یا وضعی مانند حبشه یا حتی ممالک کمونیستی آسیایی (از افغانستان تا کامبوج). در صورت قبول این استراتژی و پس از تقویت روحیه کارکنان و مسائل ارتباط جمعی و توجیه کارکنان دولت می‌شود طرحهای تبلیغاتی مربوط را با سرعت عمل کرد. این برنامه‌ها اگر در ابتدا تدافعی باشد باید سریعاً تهاجمی شده و سازندگی را در برابر خرابی بگذارد. تشویق روحیه ملی و ناسیونالیستی و ضداجنبی اساس این حرکت خواهد بود.

## — چند نکته

آزاد کردن  $^{32}\text{S}$  و  $^{33}\text{F}$  فوری و ملاقات با S.  
 اعلام نتیجه کمیسیون رسیدگی به وضع بنیاد پهلوی، دادن بنیاد پهلوی به اوقاف  
 (منجمله بانک عمران) در روز ۱۷ آذر اعلام گردد.  
 توجه به ۱۶ آذر در حوالی دانشگاهها  
 مطالعه مجموعه اعلامیه‌های خمینی و صدور اعلامیه‌های توضیحی با توجه به  
 تناقضها (بدون نام بردن از او)

[۱-۵۲-۱۱۳-ق]

## [۳]

شماره ۳۲۶۸/د

تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۰

پیوست دارد

سرری

دبیرخانه وزیر امور خارجه

جناب آقای جعفر شریف‌امامی

نخست‌وزیر

یک نسخه خلاصه صورت مذاکرات معاون سیاسی وزارت امور خارجه و آقای  
 الیاسین [آل‌یاسین] سفیر عراق در دربار شاهنشاهی که در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۸ در کاخ  
 وزارت امور خارجه انجام گردیده و از شرف‌عرض پیشگاه مبارک ملوکانه گذشته است  
 جهت استحضار به پیوست ایفاد می‌گردد.

با تجدید مراتب احترام

از طرف وزیر امور خارجه

[در حاشیه:]

به عرض جناب آقای نخست‌وزیر می‌رساند

دبیرخانه وزیر امور خارجه

گزارش ملاقات

موضوع: ملاقات آقای الیاسین [آل‌یاسین] سفیر عراق در دربار شاهنشاهی با جناب آقای  
 ظلی معاون سیاسی وزارت امور خارجه

بعد از گفت‌وگوهای مقدماتی...

سفیر - از خیر تظاهرات جلو سرکنسولگری عراق در خرمشهر که مستحضر هستید. ما خیلی متأسفیم که در این جریان یک مأمور انتظامی کشته شده.

معاون سیاسی - بلی، کشته شدن مأمور انتظامی مایه تأسف است. الحمدلله آسیبی به مأمورین عراقی و سرکنسولگری وارد نشد. به محض اطلاع از اینکه ممکن است تظاهراتی علیه سفارت عراق و مؤسسات وابسته بشود من شخصاً به فرماندار نظامی گفتم که کلیه تدابیر حفاظتی لازم را اتخاذ کند و امیدوارم که شما راضی باشید.

سفیر - از این بابت کاملاً راضی هستم ولی نکته‌ای که امروز آمده‌ام درباره آن با جناب عالی صحبت کنم رویه مطبوعات ایران است که اخیراً مردم را علیه عراق تحریک می‌کنند و می‌خواهند این طور جلوه دهند که عراق خود رأساً با خمینی مخالف بوده و است | و حال آنکه ما به خواهش شما به او گفتیم که حق فعالیت سیاسی در عراق را ندارد.

معاون سیاسی - مطبوعات این روزها پر از مطالب مخالف علیه خود ماست. کافی است نظری به سرمقاله‌ها بیفکنید.

سفیر - متأسفانه لحن اظهاراتی که در این زمینه از طرف دولت شما شد نیز طوری بود که به برداشت نادرست مطبوعات کمک می‌کرد.

معاون سیاسی - خیال نمی‌کنم. سخنگوی وزارت امور خارجه در این مورد گفت که طبق اطلاعی که داریم برای خمینی در عراق هیچ محدودیتی نیست. ولی مطبوعات، همان طوری که گفتید، بعضاً مطالب را طور دیگری جلوه می‌دهند. اطمینان داشته باشید که در این موقع حساس ما کاملاً متوجه نگرانی شما هستیم و حالا که خمینی رفته به سود هر دو کشور است.

سفیر - همان طوری که گفتم ما به خواهش شما این کار را کردیم.

معاون سیاسی - ما قدر این اقدام دوستانه شما را می‌شناسیم و قبلاً هم وسیله سفیر خودمان تشکر کرده‌ایم و امکان ندارد از طرف ما اقدامی به ضرر شما صورت گیرد.

سفیر - همان طوری که گفتم از هفته گذشته کم‌کم مطبوعات شما می‌خواهند پای ما را مستقلاً در این کار به میان بکشند.

معاون سیاسی - بلی عده‌ای دست به کار تحریک شده‌اند و هم به ما و هم به شما حمله می‌کنند.

سفیر - فعلاً تنها هدف حمله به | عراق است.

معاون سیاسی - هر دو کشور هدف هستند. کمونیستها و افراطیون خمینی را بهانه قرار داده به هر دو کشور حمله می‌کنند ولی من فکر می‌کنم که حملات علیه عراق خود به خود ساکت خواهد شد. شما می‌دانید که در شرایط حاضر ما نمی‌توانیم عکس‌العمل رسمی نشان بدهیم.

سفیر - در تهران حکومت نظامی برقرار است شما می‌توانید به آنها بگویید که از نوشتن مطالب تحریک‌آمیز خودداری کنند.

معاون سیاسی - درست است که ما حکومت نظامی داریم ولی سعی می‌کنیم که در کار مطبوعات دخالت نکنیم. سرمقاله‌ها و مندرجات روزنامه‌ها را ملاحظه نفرمایید. غالباً به دولت حمله می‌کنند. ولی دولت مانع نمی‌شود. مع‌هذا ما سعی خود را خواهیم کرد که حتی‌المقدور منظور شما را تأمین کنیم. مهم این است که میان دو کشور حسن‌نیت کامل وجود دارد. ما زمان مشکل و خطرناکی را می‌گذرانیم. باید با هم باشیم و به هم اطمینان داشته باشیم.

سفیر - کاملاً درست است و به همین جهت باید از انتشار این مطالب غرض‌آلود که برخلاف مقتضای روابط دوستانه دو کشور است جلوگیری شود.

معاون سیاسی - مخالفین سعی می‌کنند که در مطبوعات در یک طرف ایران و عراق و حتی کویت را قرار دهند و در طرف دیگر خمینی را و بدین ترتیب او را مظلوم جلوه دهند و احساسات مردم شیعه‌مذهب را برانگیزند.

سفیر - در ظرف این چند روز صدها تلگراف از امریکا و اروپا، از سازمانهای دانشجویان و غیره، رسیده که همه به ما حمله می‌کنند. معلوم است این کار کسانی است که می‌خواهند روابط ما را تیره کنند.

معاون سیاسی - همان طوری که گفتم، کمونیستها خمینی را وسیله پیشرفت مقاصد خودشان قرار داده‌اند.

سفیر - ولی مطبوعات شما که کمونیست نیستند.

معاون سیاسی - کمونیست نیستند ولی این روزها عوامل مخالف با استفاده از آزادی مطبوعات کار خودشان را می‌کنند. به هر حال من مطالب شما را کاملاً درک می‌کنم. قبلاً هم مورد توجه بوده و ما نهایت کوشش را در جهت تأمین منظور دولت شما به عمل خواهیم آورد. نکته دیگری بود که می‌خواستم به شما یادآوری کنم و آن موضوع حمل در حرم مطهر حضرت امام حسن عسکری است که براساس موافقت قبلی دولت

عراق از طرف گنابادی ساخته شده است و از قرار اطلاع بسیار قشنگ و از نظر معنوی با ارزش است ولی مدتی است که آنها در انتظار روایت هستند که برای حمل و نصب آن به عراق بروند. اگر در این مورد تسریعی بشود بسیار حسن اثر خواهد داشت.

سفیر قول داد فوراً اقدام خواهد نمود.  
 سفیر - من مطلب را یادداشت کردم و تعقیب خواهم کرد. متقابلاً از فرصت استفاده کرده توجه جناب عالی را به موضوع معاودت پناهندگان کرد عراقی جلب می‌کنم. با ترتیبی که فعلاً مورد عمل است بازگشت آنان به عراق خیلی به تأخیر می‌افتد. خیلی متشکر خواهم شد اگر طوری عمل شود که در این کار تسریع بشود.

معاون سیاسی - بسیار خوب، موضوع را بررسی خواهیم کرد و امیدوارم بتوانم ترتیبی بدهیم که نظر شما تأمین بشود.

پایان ملاقات: ساعت ۱۶

[ ۴۸-۳۲۴۶-۴۵۱۳-ش ]

[ ۴ ]

وزارت جنگ

فرمانداری نظامی تهران و حومه

محرمانه

شماره ۷۱۳-۰۴-۵۶۴

تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۶

جناب آقای دکتر شاپور بختیار

نخست‌وزیر ایران

مقام عالی را آگاه می‌سازم:

بدینوسیله ۱ نسخه در ۳ برگ نامه‌ای که برای حضرت آیت‌اله [الله] سید محمود طالقانی ارسال گردیده جهت استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌گردد.

فرماندار نظامی تهران و حومه - سپهبد مهدی رحیمی

حضور محترم حضرت آیت‌اله [الله] آقای سید محمود طالقانی

هزار جهد بکردم که سر عشق بی‌پوشم نبود بر سر آتش می‌سرم که نجوشم  
 وجود شخصیت‌های روحانی امثال آن حضرت به منزله حضور خورشیدی هستند که



نور ارشاد را به میان مردم و قشرهای اجتماع می‌تابند و حقاً و شرعاً و عملاً بندگان خدا را به راه راست و دور ماندن از اشتباه و انحراف هدایت می‌کنند. به همین جهت است که مکاتب انبیا و مدارس اولیا همچون چراغی که هرگز خاموش نشود و خاموشی نپذیرد همواره راهگشا و راهنمای بشرها بوده و شب تاری مردمان مؤمن را به روز روشن امیدواری بدل کرده است. بنا به همین اشارات اصولی و حقایق معنوی و دینی است که توقع عامه، به خصوص در جامعه ما ایرانیان مسلمان و شیعیان، از محضر و وجود آیات عظام این است که در راه بیداری و ارشاد و آگاهی عموم از هر کوشش و جوششی که نتیجه‌اش صفا و آرامش افراد باشد مضایقت نفرمایند؛ به خصوص آیاتی همچون حضرت مستطاب عالی که سالها زجر زحمت و اجر ریاضت را به قیمت صرف عمر تحصیل فرموده‌اید و حقایق را با همه دقایق تلخی که همراه دارد پذیرا گردیده‌اید. لذا به اعتبار این معنویت و روحانیت وجود محترم است که از حضورتان التماس دارم که اجازه نفرمایید تا محضر پربرکت آن جناب با شرکت اشخاص ناباب و افراد بی‌تاب که عموماً مأموران و مسئولان غیرمذهبی می‌باشند آلوده شود و گزارشها و گفته‌ها و شکوه‌هایی، آن هم از زبان افراد سیاسی نما، به عرضتان برسد که هم خاطر عاظم مبارک مکدر شود و هم مایه فساد و پایه پراکندگی جمیع مسلمانان گردد.

گزارشات رسیده حاکی است که طرح و طراحی دشمنان دین و مملکت تا آنجا حساب شده و به کتاب آمده است که حتی ذهن روشن رهبران مقدس و روشنفکری امثال آن حضرت را نیز نار کرده و ای بسا که موجب تصمیم و یا ترسیم اقداماتی می‌شود که مآلاً به ضرر و زیان جامعه مسلمان و اصول مسلمانی است. لذا توقع و انتظار مقامات مسئول مملکت، از جمله مخلص با اخلاص، این است که ارباب رجوع و مطالب مرجوع را در حدودی پذیرا باشید که با شأن و احترام و مسئولیت و برکت و حکمت وجود روحانی جناب عالی تناسب داشته باشد چرا که در غیر این صورت عملاً امور مردم مسلمان و ملت عزیز ایران ملعبه و دست‌آویز کسانی خواهد شد که به نام اسلام و به نام مسلمان در محضر اسلام پناه آیات بزرگواری مانند وجود محترم اشک تمساح می‌ریزند تا اصلها را بدل و صلحها را با جدل معاوضه نمایند.

آن حضرت تصدیق می‌فرمایند که در این صورت تکلیف مردانی مکلف و مسئول نظیر بنده به هر صورت که شده این است که کلاف ادب را در هم بیچند و ره چنان روند که رهروان رفته‌اند. امیدوارم از این پیچیدگی که تأسف بسیار به همراه خواهد داشت و سایه‌اش بر دل تاریخ خواهد ماند خود آن حضرت به سهم خود جلوگیری فرمایند، خاصه با توجه به این نکته که ای بسا افراد آموزش دیده در لباس خدمت به دیانت و مملکت با برنامه‌های بررسی شده پس از درک محضر مبارکتان آن چنان سیاه را سپید و



یا سپید را سیاه جلوه دهند که آن حضرت بنا به تکلیف شرعی و اجتماعی خودتان جهت ارشاد جامعه و محققاً در کمال حسن نیت به محافلی تشریف فرما شوید و یا در مجامعی شرکت فرمایید که در شأن روحانیت و مقام قدسی وجود مبارک نباشد و خدای ناخواسته از قول دشمنان دین تعبیرها و تفسیرهایی بشود که مایه نزول مقام آن جناب گردد و دشمن از آن بهره‌گیری کند که چون این بهره‌گیری با سلامت جامعه و سعادت ملت مسلمان ایران همراه نباشد لذا الزاماً مأمورین انتظامی را به انجام تکالیف قانونی خود تحریص خواهد کرد که التّهایه موجب تأسف است.

من با سمت فرماندار نظامی که مقامی مسئول در قبال تأمین آسایش عمومی است، آن هم به حکم قانون، از آن حضرت انتظار مساعدت و مراقت را دارم که به قول قرآن مجید عزیز حکیم در رفع قران قرن برآییم، قرانی که به اشاره دشمن دامن دوستان ما را گرفته است.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

فرماندار نظامی تهران و حومه، سیهبد مهدی رحیمی

۲۲ تا ۱۹-۲۹۳-۱۷

[۵]

وزارت جنگ

فرمانداری نظامی تهران و حومه

سری

از: فرمانداری نظامی تهران و حومه (رکن ۲) مطالعات فرهنگی شماره: ۵۰۴/۰۳/۱۳  
به: نخست‌وزیری تاریخ ۱۳۵۷/۹/۵

موضوع: تشکیل مجالس عزاداری در ماههای محرم و صفر

به منظور پیش‌بینیهای لازم برای مقابله با رویدادهای احتمالی در ماههای محرم و صفر ۱۳۹۹ و نحوه برگزاری مجالس عزاداری کمیسیونی در تاریخهای ۲۷ و ۱۳۵۷/۸/۲۹ با حضور مقامات مسئول تشکیل [شد] و نظرات کلی اعضای کمیسیون به

شرح زیر به استحضار می‌رسد:

۱. از طریق دولت به طور قاطع طی اعلامیه‌ای دستورات و تذکرات لازم را که مردم بایستی در ایام عزاداری ماههای محرم و صفر رعایت نمایند وسیله دستگاههای ارتباط جمعی ابلاغ گردد.

۲. در شهرهایی که مقررات حکومت نظامی برقرار می‌باشد اجرای دستورات درباره



[ ۷-۲۸۶۱ ]

۱. نحوه برگزاری مجالس عزاداری با فرماندار نظامی بوده و در سایر شهرها با شهربانی و ژاندارمری محل می‌باشد.
۲. مجالس عزاداری در مساجد و تکایا و حسینیه‌ها در تهران و شهرستانها محدود گردد به طوری که در حوزه استحفاظی هر کلاتری بیش از دو مجلس تشکیل نشود.
۳. حرکت دستجات عزاداری در سطح کشور ممنوع گردد.
۴. مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و منازلی که در آنجا می‌توانند مجالس عزاداری برپا نمایند تعیین گردد.
۵. متصدیان، بانیان و متولیان هر مجلس عزاداری که مجاز به تشکیل جلسه عزاداری می‌باشند احضار [شوند] و از آنان تعهد اخذ گردد که مسئول جلوگیری از هر گونه بی‌نظمی و اغتشاش در مجالس عزاداری می‌باشند. ضمناً به آنان ابلاغ گردد چنانچه در هر یک از روزهای عزاداری کوچکترین اختلال نظم در آن مجلس مشاهده گردد با اقدام شدید مأمورین مواجه شده و بلافاصله مجلس عزاداری تعطیل خواهد شد و تشکیل مجدد جلسه در آن محل ممنوع خواهد بود و مراتب نیز به اطلاع شهر خواهد رسید.
۶. مأمورین انتظامی، ضمن مراقبت از مجالس عزاداری، در موقع خاتمه مجالس از

پیوستگی جمعیتها شدیداً جلوگیری نمایند.

۸. در ایام محرم و صفر مراکز حساس با دقت مراقبت شود.
  ۹. سازمانهای مسئول با توجه به وظایف محوله در این باره طرحهای لازم را تهیه نمایند.
  ۱۰. ژاندارمری و شهربانی کشور شاهنشاهی در شهرهای کوچک و روستاها بایستی نظیر تعهد بند ۶ را از بنیان و متصدیان مجالس عزاداری اخذ نمایند.
- با عنایت به مراتب بالا خواهشمند است مقرر فرمایند مراتب را به نحو مقتضی جهت اجرا به استانداران و فرمانداران سراسر کشور ابلاغ فرمایند.
- فرماندار نظامی تهران و حومه، ارتشبد غلامعلی اویسی

[در حاشیه:]

در اعلامیه دولت نکات اساسی این گزارش ذکر شود. ۵۷/۹/۵

[ ۱۶ و ۱۵-۲۹۴-۱۷ ]

[ ۶ ]

وزارت کشور

شهربانی کشور شاهنشاهی

گزارش

[وقایع مسجد جامع کرمان]

هیئت اعزامی برای رسیدگی به وقایع کرمان روز پنجشنبه ۱۳۵۷/۶/۱۱<sup>۳۴</sup> به کرمان وارد [شد] و بلافاصله شروع به رسیدگی و تحقیقات نمود. بدو با تعیین وقت قبلی از آیت‌الله صالحی<sup>۳۵</sup> روحانی که مورد احترام اهالی و در منزل بستری بودند ملاقات به عمل آمد. مشارالیه و اطرافیان ایشان که حضور داشتند به شدت از واقعه آتش‌سوزی مسجد جامع متأثر و متالم بوده و تقاضای تعقیب جدی مسبین واقعه را داشته [اند] و معتقد بودند که حمله به مسجد قبلاً از طرف کمیسیونی مرکب از رؤسای شهربانی و ژاندارمری و ساواک و آقای جهان‌بین معاون استانداری طرح و پی‌ریزی شده [بوده] و روز واقعه مأمورین شهربانی با تظاهرکنندگان کمک و همراهی نموده‌اند. سپس هیئت به بازدید مسجد جامع پرداخت. درب ورودی مسجد آسیب دیده و به وسیله تخته‌پاره

۳۴. تاریخ اعزام این هیئت به اشتباه نوشته شده است چون واقعه آتش زدن مسجد جامع کرمان ۲۴ مهر ۱۳۵۷ اتفاق افتاده است، احتمالاً تاریخ اعزام هیئت ۵۷/۸/۱۱ باید باشد.

۳۵. آیت‌الله علی‌اصغر صالحی کرمانی

مرمت گردیده بود ولی در داخل مسجد به بنا و کاشیکاریها آسیبی نرسیده فقط سقف شبستان اندکی دودآلوده بوده و ساعت کامپیوتری مسجد و بلندگوها آسیب دیده و قابل استفاده نبود و به ظاهر آثار دو گلوله، یکی به درب آهنی ورودی و دیگری به دستگاه کامپیوتری ساعت، مشهود بود.

مقارن ورود هیئت در مسجد عده‌ای به تدریج در حدود پنجاه نفر حضور یافته [یافتند] و اظهار داشتند که روز ۲۴ مهرماه به مناسبت چهلمین روز کشته‌شدگان میدان ژاله تهران جمعیتی در حدود ده هزار نفر در مسجد حضور داشتند. ساعت ۱۱ $\frac{1}{4}$  صبح پس از سخنرانی یکی از وعاظ که مردم را به حفظ نظم و آرامش دعوت می‌نمود دود غلیظی در خارج از مسجد مشاهده گردید و معلوم شد که دو چرخه‌ها و موتورسیکلت‌های اشخاصی که در بیرون مسجد بوده طعمه حریق و آتش‌سوزی قرار گرفته و تعدادی کولی در حمایت مأمورین پلیس قصد ورود به مسجد را دارند. به لحاظ بسته شدن درب مسجد نامبردگان با تخریب درب کوچک مجاور حزب زحمتکشان که به پشت‌بام مسجد راه داشت به آنجا وارد شدند و شروع به کندن آجر و پرت نمودن آن به طرف اشخاصی که در صحن مسجد بوده [بودند]، نمودند و چند نفر مأمور انتظامی به طرف مسجد تیراندازی نموده [می‌نمایند] که سه نفر از افراد داخل مسجد مجروح و سپس مقتول می‌گردند. جمعیت به طرف شبستان هجوم آورده [می‌آورند] و از طرفی درب مسجد که بسته بود به وسیله کولیها و تظاهرکنندگان شکسته شده [می‌شکنند] و [آنها] با چوب و چماق و میله‌های آهنی به طرف جمعیت حمله‌ور می‌گردند و گروه موافق دولت با در دست داشتن چوبهایی که میخهای آهنی بر سر آن نصب شده بود از پشت سر زنها را مضروب [می‌کنند] و چادر و لباس آنان را پاره کرده به نحوی که بدن عریان آنان در معرض دید افراد قرار می‌گرفت [می‌گیرد] و عده‌ای از روحانیون منجمله آیت‌الله صالحی عباي خود را برای محفوظ بودن به آنان تسلیم می‌دارند. از طرف پشت‌بام مسجد نیز [مأموران] با شکستن سنگهای مرمر مخصوص نورگیر شبستان گاز اشک‌آور به داخل آن پرتاب [می‌کنند] و [گاز] منفجر می‌گردد به طوری که حالت خفقان و ریزش اشک به مردم دست می‌دهد. مجتبعین که در حدود ده هزار نفر بودند از درب دیگر شبستان و پنجره‌ها به خیابان فرار [می‌کنند] و مورد ضرب و جرح از طرف کولیها و سایرین قرار می‌گیرند.

حدود ساعت دو بعد از ظهر همان روز جمعیت تظاهرکنندگان به طرف مغازه آقای عقابیان که مشهور به طرفداری از متعصبین مذهبی بوده [است] و به آنها کمک مالی می‌نماید حرکت [می‌کنند] و مغازه‌های او را به آتش می‌کشند. اظهارات آقای عقابیان که دو مرتبه در محضر هیئت اعلام داشته حاکی است که روز واقعه به وسیله تلفن ناشناسی



مأمورین شهربانی اقدامی به فرو نشاندن آنها نمی‌نمایند. نامبرده طی مشروح‌های صورت بدهیهای خود را به بانکهای کرمان جمعاً به مبلغ ۸۶ میلیون تومان و میزان خسارت وارده در نتیجه آتش‌سوزی را در حدود ۹۲ میلیون تومان برآورد کرده است.

فروشگاه مرکزی و سه دهنه مغازه‌های مخصوص فروش موتورسیکلت مورد بازدید اعضای هیئت قرار گرفت. فروشگاه مرکزی شامل دو طبقه بوده (که هر یک از طبقات آن بنابه اظهار آقای عقابیان ۳۲۵ متر مربع وسعت دارد) و در آن قفسه‌های پنج طبقه حاوی لوازم یدکی به انضمام ۱۷ دستگاه اتومبیل از سیستمهای مختلف به کلی سوخته و غیرقابل استفاده گردیده به طوری که تمیز اشیاء یدکی از یکدیگر در نگاه اول مشکل است! و بیج و مهره‌ها به صورت ذغال درآمد بود ولی به منزل و مغازه مجاور کوچکترین صدمه‌ای وارد نیامده بود و این وضعیت در فروشگاه موتورسیکلت و لوازم یدکی او نیز پدید آمده بود.

عده‌ای از طبقات مختلف جامعه کرمان از قبیل روحانیون و مخبرین جرائد و اصناف در محل استقرار هیئت حضور یافته مطالبی به شرح آنچه معروض افتاد بیان داشته و همگی از طرز عمل و روش دادگستری کرمان در مورد رسیدگی به پرونده شاکیان وقایع کرمان رضایت کامل داشته‌اند! ولی از طراحان این حادثه که برخلاف میل باطنی آنها موجب انعکاس محدود بودن طرفداران شاهنشاه به عده‌ای کولی شده‌اند به شدت متالم و متأثر بوده‌اند! و تقاضای تعقیب آنها را داشتند.

پرونده مطروحه در دادسرای شهرستان کرمان مورد مطالعه نماینده وزارت دادگستری قرار گرفت. به موجب پرونده مزبور رئیس پاسگاه ژاندارمری گلباف گزارش می‌دهد که شخصی به نام حسین شورآبادی در حالی که مقداری از وسائل مغازه آقای عقابیان که روز واقعه به غارت رفته بود همراه داشت دستگیر و از طرف آقای بازپرس زندانی گردیده و همچنین به دادستان شهرستان تهران اطلاع می‌دهند که یکی از تظاهرکنندگان روز ۲۴ مهر که در معیت کولیاها بوده و مردم را مضروب و مجروح نموده در حالی که کاردی در جوراب او مخفی بوده هنگام تظاهر و قصد ضرب و جرح بدون مداخله پلیس دستگیر و به دادسرا معرفی و از طرف آقای بازپرس بازداشت می‌گردد.

آقای عقابیان تلگرافی از دادستان لشکر تقاضای رسیدگی به واقعه آتش‌سوزی و غارت مغازه‌هایش را نموده که پس از اعلام عدم صلاحیت به دادسرای شهرستان کرمان ارسال شده! و نامبرده در محضر بازپرسی اعلام می‌دارد که این عمال به وسیله کولیاها با پشتیبانی و معاونت مأموریت [مأمورین] شهربانی انجام گرفته است. آقای بازپرس قرار تحقیق و معاینه محل را صادر و مغازه‌های سوخته شده شاکی را از نزدیک شخصاً ملاحظه و صورت‌برداری می‌نماید و پرونده در این باره در جریان رسیدگی بوده و

دستور احضار گواهان صادر گردیده است.

لازم به توضیح می‌داند که در روز واقعه حمله به مسجد به جز پرونده قتل محمد باقدرت که به وسیله اصابت پاره آجر به فرق سر فوت نموده اعلام دیگری به دادسرا نشده است.

چون هیئت مطلع گردید که تظاهرات به وسیله عکاسان و خبرنگاران رادیو تلویزیون کرمان فیلمبرداری شده است که اصل آن در پرونده بازپرسی ضبط می‌باشد کپی آن در استودیو رادیو تلویزیون کرمان مورد تماشای هیئت قرار گرفت که دلالت بر این داشت که عده‌ای در حدود سیصد نفر با چماق و چوب و میله‌های آهنی ضمن حمل تصاویری از شاهنشاه و شهبانو و ولایتعهد و اعلیحضرت فقید در خیابانهای شهر به تظاهرات پرداخته تا به جلو مسجد جامع شهر رسیده و اقدام به سوزاندن تعدادی دوچرخه و موتورسیکلت که در جلو مسجد گذاشته شده بود می‌نماید. سپس به جلو مغازه‌های آقای عقابیان رسیده در حالی که یک اتومبیل ریو ارتشی در عرض خیابان متوقف بوده درب آهنی مغازه‌ها را شکسته [اند] و سپس شعله‌های آتش و دود بسیار غلیظی از مغازه‌ها متصاعد گردد.

توضیحات معاون انتظامی شهربانی کرمان و رئیس دایره اطلاعات با ارائه عکسها و مدارک مربوط به روز واقعه چنین حاکی است که از طرف ساواک محل روز ۲۳ مهر اعلام گردیده بود که به مناسبت چهلمین روز کشته‌شدگان میدان ژاله تظاهراتی در روز ۲۴ مهر در شهر صورت خواهد گرفت و ابعاد گسترده‌ای پیدا خواهد کرد. شهربانی پیش‌بینیهای لازم را در مورد استقرار قوای انتظامی در نقاط حساس شهر برای کنترل تظاهرکنندگان به عمل آورد. و در این روز در حدود پنج هزار نفر از مخالفین دولت در مسجد جامع اجتماع نموده و مشغول استماع بیانات و عاظ بودند. ضمناً ساعت ۹ صبح همین روز اطلاع داده شد که از نقاط مختلف شهر گروههایی با داشتن تصاویری از شاهنشاه و شهبانو و با دادن شعارهای ملی مبادرت به تظاهرات گسترده‌ای کرده‌اند. این گروهها در حالی که مأمورین پلیس آنان را در کنترل داشته‌اند در مسجد صفا جمع شده و از آنجا تصمیم به آمدن به سوی میدان مشتاق را می‌نمایند. مأمورین پلیس می‌کوشند که مسیر آنان را تغییر داده [دهند] تا از برخورد با اجتماع مخالفان احتراز شود اما به این مقصود توفیق نیافته [نمی‌یابند] و این گروه به میدان مشتاق که در مجاورت مسجد جامع است رسیده [می‌رسند] و وضع بسیار حساسی پیش می‌آید. مأمورین پلیس در این حال با تمام قوا می‌کوشند که این گروه موافق دولت وارد مسجد نشده و تصادم و زد و خوردی پیش نیاید اما موفق به کنترل آنان نگردیده [نمی‌شوند] و عده‌ای با شکستن درب مسجد و عده‌ای از طریق بام مسجد نفوذ کرده [می‌کنند] و منجر به تصادم و زد و خورد بین دو

گروه می‌گردد که در این وضع پلیس برای ازعاب هر دو دسته و پراکنده شدن آنان ناچار به استعمال گاز اشک‌آور و شلیک تیر هوایی می‌شود.

بنا به توضیح رئیس دایره اطلاعات شهربانی با اجازه از حضرت آیت‌الله صالحی چند روزی درب مسجد که به لحاظ تصادم و برخورد دو دسته نامرتب و کثیف [شده] بود بسته و اقدام به نظافت آن گردیده [می‌شود] و مراتب صورتجلسه می‌شود.

با مراجعه به مدارک موجود در شهربانی معلوم شد که در روز ۲۴ مهر براساس اعلام روز پیش ساواک استان و تقاضای رئیس شهربانی، شورای تأمین استان مرکب از آقایان جهان‌بین معاون استانداری و رؤسای ادارات امنیتی و انتظامی تشکیل و در مورد کنترل اوضاع تصمیم مقتضی اخذ می‌گردد. تحقیق از رؤسای شهربانی و ساواک به علت احضار به مرکز و نبودن در محل میسر نشد. فرمانده ژاندارمری اظهار داشت که پس از تظاهر شاهدوستان و حرکت آنان به طرف مسجد چون بیم برخورد بین دو گروه متعصب و هیجان‌زده می‌رفت و شهربانی خود را قادر به کنترل اوضاع ندید بلافاصله تقاضای تشکیل شورای تأمین استان را کرد که این شورا در شهربانی تشکیل [شد] و این شورا تصمیم به اعلام وضعیت زرد گرفت و در جریان اقدامات پلیس چون اوضاع به وخامت بیشتری گرایید و امکانات پلیس و ژاندارمری قادر به کنترل آن نبود پیشنهاد وضعیت قرمز در شورا مطرح [شد] ولی مورد موافقت ریاست ستاد بزرگ‌ارتشتاران قرار نگرفت. آقای جهان‌بین معاون استانداری به اعضای هیئت اظهار داشتند که روز ۲۴ مهر که عده‌ای با تظاهرات میهنی و ملی ضمن اینکه عکس‌هایی از اعلیحضرتین و اعلیحضرت رضاشاه کبیر را در دست داشته [داشتند] قصد حمله به مسجد را داشتند بلافاصله کمیسیون تأمین استان در شهربانی تشکیل [شده] و ایشان در کمیسیون حضور یافته ولی چون متوجه شده که فقط شخص استاندار بایستی در آن کمیسیون شرکت نماید از حضور در مذاکرات و نتیجتاً امضای صورتجلسه خودداری و شورا را ترک نموده است و اینکه می‌گویند واقعه مسجد قبلاً از طرف شورا طرح و پی‌ریزی شده بود ابتدا صحت نداشته [ندارد] و به جهت اختلافی که آقای دکتر بازرگان (که یکی از اطرافیان بسیار با نفوذ حضرت آیت‌الله صالحی است) با پدرخانم ایشان دارد این مطلب را عنوان نموده که ایشان را در نظر اهالی کرمان که مولد وی است سرافکننده و منفور سازد.

به هنگام توقف هیئت در کرمان تقریباً هر شب به موجب [به گواهی] پرونده‌های دادگستری عده‌ای در حدود ۲۰۰ نفر به عنوان نماز در مسجد جامع شهر با سایر عبادت‌کنندگان به اقامه نماز پرداخته [می‌پرداختند] و پس از خاتمه نماز و وعظ و عاظم از مسجد خارج شده [می‌شدند] و سینماها و مغازه‌های مشروب‌فروشی و رستورانها را به آتش می‌کشیدند به طوری که در شب قبل از عزیمت [هیئت] به تهران یکی از اتومبیل‌های





[ ۱۲۰۸-۸ ]

جیب استیشن شهربانی را که مأموران در حال گشت بودند به وسیله مواد سوزنده مورد تخریب و آتش‌سوزی قرار داده [ می‌دهند ] و سرنشینان آن به یکی از مغازه‌های اطراف پناهنده شده [ می‌شوند ] و یک نفر از پاسبانها برای نجات خود اقدام به تیراندازی می‌نماید.

موضوع تظاهرات و آتش‌سوزی عده فوق‌الاشعار با اطرافیان حضرت آیت‌الله صالحی در حضور ایشان عنوان گردید و مضمناً از ایشان درخواست شد به منظور امنیت شهر و حفظ نام پراعتلای مذهب دستورات مؤکدی به این اشخاص داده شود که اقدام به تخریب و آتش‌سوزی ننمایند. نامبردگان اظهار داشتند که این عده از معتقدین و ارادتمندان حضرت آیت‌الله نبوده [ نیستند ] ولی با وجود براین به وسیله مؤمنین و مردم بی‌نظر کرمان اقدام به رفع این گونه اعمال برخلاف اصول قوانین و انسانیت خواهند نمود.

نظریه:

با توجه به شرحی که معروض افتاد رسیدگی به اتهام مأمورین انتظامی در مورد وجود توطئه و دسیسه قبلی و همچنین ادعای مربوط به مداخله و همکاری مأمورین و شهربانی با تظاهرکنندگان موافق دولت چون موضوع در مراجع قضایی صلاحیتدار مطرح و مورد

رسیدگی قرار گرفته بدیهی است مقامات مزبور با فرصت و دقت کافی به موضوعهای فوق رسیدگی خواهند کرد| و اظهار نظر مقتضی معمول خواهند داشت.

نکته‌ای که ضمن رسیدگی و تحقیقات معلوم گردید |این است که| از نقطه نظر مادی زیان کلی متوجه مسجد جامع نگردیده و جامعه روحانیت کرمان در صدد مطالبه ضرر و زیان حاصله از این خرابکاری نبوده و نخواهند بود بلکه از این بابت که به روحانیت و جامعه مذهبی برای اولین بار هتک حرمت و توهین شده به شدت ناراضی بوده |هستند| و این موضوع نیز حربه‌ای به دست مخالفین برای حمله به دولت در سراسر ایران داده که رفع آن جز با تغییر |تغییر| کسانی که افکار عمومی آنها را متهم به شرکت در این حادثه می‌داند میسر نیست. گروه متعصب مذهبی و سایر دستجات وقوع حادثه مسجد را نتیجه دستور آقای جهان‌بین معاون استانداری که شخص مدیر و لایقی بوده |است| و تصور می‌رود که لیاقت احراز و شایستگی مشاغل حساس را دارد و ریاست شهربانی که معروف به صحت عمل و معتقد می‌باشد و مخصوصاً سرکار سرهنگ ارشام می‌دانند. لازم به توضیح است که عصبانیت مؤمنین و سایرین از ریاست سازمان امنیت و اطلاعات بیش از سایرین بوده؛ با وجودی که شخص مذکور به اتفاق همسرش قسمت اعظم اموال منقول و غیرمنقول خود را صرف ایجاد مدارس حرفه‌ای و تربیت کادرهای آموزشی نموده و ۱۸ واحد فرهنگی از قبیل دانشسرای عالی فنی کرمان و مدرسه عالی بهداشت کرمان و انستیتو تکنولوژی کرمان و هنرستان صنعتی سیرجان و زرنده و غیره تأسیس نموده کلیه خدمات او در این استان که محلی نیز نمی‌باشد به لحاظ واقعه مسجد نادیده گرفته شده است به طوری که فرهنگیان در زمان اعتصاب خود نام مؤسسات ارشام را به مؤسسات ملت ایران تغییر داده‌اند. لذا برای اشخاص فوق‌الاشعار تا زمانی که افکار عمومی بر علیه آنهاست حضور در محل به مصلحت خود و سازمانهای متبوع نخواهد بود و این مطلب نیز مورد تأیید و قبول بلندپایگان استان قرار گرفته و شایسته است که هرچه زودتر جانشینهای رؤسای شهربانی و ساواک که به تهران احضار شده‌اند انتخاب |شوند| تا به صوب مأموریت عزیمت نمایند.

نکته‌ای که عرض آن ضروری به نظر می‌رسد این است که اهالی متعصب کرمان و سایر دستجات، به خصوص اشخاصی که به عنوان شاکی در پرونده دادگستری شکایت خود را در محضر آقای بازپرس عنوان نموده‌اند اتهاماتی دایره‌دار به مداخله پلیس در واقعه مسجد کرمان متوجه سرکاران سرهنگ سروری، سرهنگ معتمد، سرهنگ نشاط، سرگرد گنجی صفار، سرگرد طباطبایی، سروان ریاضی، سروان فرزین و سروان صالحی نموده‌اند که بجاست شهربانی کشور شاهنشاهی در فرصت مناسب اقدام به تعویض

نامبردگان فوق نموده [نماید] تا از شدت احساسات مردم به تدریج کاسته شود.  
 نماینده وزارت دادگستری      نماینده شهربانی کشور      نماینده وزارت کشور  
 علیرضا شرفه      سرتیپ مهرزاد      علی بیرژندی  
 [ ۷-۲۹۷-۳۶۹ ]

## [۷]

## نخست وزیری      گزارش هیئت اعزامی به اصفهان و نجف آباد

[در حاشیه]

فتوکی گزارش برای جنابان وزیر دادگستری، جنگ و کشور ارسال و دستوراتی نیز که در حاشیه قسمت پیشنهادات داده شد اجرا شود. ۱۳۵۷/۱۰/۷

مقدمه

مقدمه [مقدمتاً] لازم به یادآوری است [که] اصفهان شهری است سنتی و مذهبی. صرف نظر از عده قلیلی، اکثر اهالی این شهر اعم از تاجر و کاسب [و] کشاورز و کارگر به طور قشری و با تعصب زیاد خود را پایبند به اصول و مبادی مذهبی می دانند یا هستند. مذهبی [و] سنتی بودن مردم اصفهان و احیاناً شهرهای اطراف آن سابقه تاریخی طولانی دارد. این طرز تفکر و اندیشه همبستگی محکم و منسجمی بین طبقات مردم به نحوای ممتاز و متمایز از سایر نقاط کشور ایجاد [می کند] و از این حیث حرکات و جنبشها در هر مسیر شکل خاصی به خود می گیرد. آثار و شواهد موجود و حضور و وجود صدها روحانی و حوزه های درسی متعدد در ثبوت این نکته تردیدی باقی نمی گذارد. به علاوه، اصفهان از لحاظ صنعتی و اقتصادی و محیط کارگری و کشاورزی در موضع خاصی جای گرفته. در زمان حاضر علاوه بر کارهای دستی و هنری چرخ چند واحد عظیم صنعتی کشور در این شهر در گردش است. صنایع نساجی، ذوب آهن و هلیکوپترسازی و مطالعات انرژی اتمی و حضور متخصصان خارجی که جمعیت معتابھی هستند تأثیر بسزایی در وضع منطقه دارد. عاملهای قابل توجه دیگر دانشگاههای اصفهان و صنعتی آریامهر (دو دانشگاه معتبر)، پایگاه هوایی خاتمی، و واحدهای توپخانه و هوانیروز هستند. در چنین شهری با این موقعیت خاص و ممتاز، در برخورد اندیشه ها خاصه در شرایط غیرعادی فعلی مشکلات و معضلات فراوانی به ظهور می رسد، که چاره اندیشی درباره آنها مستلزم آن است که مأمورین محلی اعم از انتظامی و کشوری از درایت و کفایت قابل توجهی برخوردار باشند و در مسئله آرامش و امنیت که سر لوحه سیاست دولت است در نهایت حزم و احتیاط، تدابیری به کار برند تا عمل آنان خدای نخواستہ

دامن زدن به آتش نباشد.

مواجهه بودن با صدها هزار انسان برانگیخته و احیاناً ملهم از تحریکات دیگران تدابیر کافی لازم دارد. خشونت توأم با کشتار بی‌مورد عکس‌العمل بسیار شدید‌گاه در مقابل اعمال کودکانه نه‌تنها دردی دوا نمی‌کند بلکه تندی و تیزی حربه مخالف را موجب می‌شود و ناآگاهانه بر اهمیت آن می‌افزاید [و] تا آنجا پیش می‌رود که گفته شود «تیر و توپ بلااثر است». بر عهده زعمای مملکت است که با کنکاش و با تبادل اندیشه، به مقتضای موقع و موضع، آنچه به صلاح ملت است از قوه به فعل درآورند و به نکات و مطالبی که از ته قلب با خیرخواهی محض و با اندیشه وطن‌پرستی عاری از پرده‌پوشی و مداهنه بیان می‌شود عنایت خاص مبذول دارند. با ذکر این مُقَدِّمه مختصر که امید است ملال خاطری فراهم نکنند هیئت بازرسی مأمور در اصفهان و نجف‌آباد مرکب از نمایندگان: نخست‌وزیری، وزارت دادگستری، وزارت کشور، دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی مسائل مورد نظر را در اصفهان و نجف‌آباد بر مبنای اوامر و اعلامات مرجوعه مورد بررسی قرار داده [اند] و اینک چگونگی بازرسی و نتیجه آن را به شرح آتی به استحضار عالی می‌رساند:

#### الف - اصفهان

##### شرح وقایع:

در تعقیب دستگیری روحانی آقای ظاهری در منزلش و تحصن عده‌ای از طرفداران وی در منزل آیت‌الله خادمی و برخورد مأمورین با آنها و کشته شدن عده‌ای و حوادثی نظیر آن اصفهان اولین شهری بود که در آن حکومت نظامی اعلام گردید و با توجه به اینکه پس از سالها اجرای مقررات حکومت نظامی هم برای مقامات انتظامی و هم برای مردم نخستین تجربه بود حوادثی به بار آورد که اهم آنها به شرح زیر می‌باشد:

از تاریخ ۱۵ مهر ماه مقارن با افتتاح دانشگاهها، نهضت گسترده اسلامی و فعالیت سایر گروههای سیاسی در سطح دو دانشگاه بزرگ اصفهان به وجود آمد و با شروع فضای باز سیاسی دانشگاهها قابلیت و انعطاف بیشتری نشان داده‌اند که در نتیجه یکپارچگی کامل میان کادر رهبری (استادان) و دانشجویان در انتقاد از سیاستهای دولت و برگزاری تظاهرات مخالف به وجود آمد.

پس از واقعه دانشگاه تهران دانشگاههای اصفهان نیز مانند سایر دانشگاههای ایران تعطیل گردید ولی کماکان دانشگاههای شهر محل برخورد و تجمع مخالفین حتی غیردانشگاهی مثل معلمین و بازاریها و سایر طبقات شهر بوده [بود] و تظاهرات وسیعی، از جمله برگزاری نماز جماعت و بزرگداشت شهادت کشته‌شدگان حوادث مختلف در سطح مملکت، انجام می‌گرفت تا اینکه پس از اعلام حکومت نظامی دانشگاهها نیز



[ ۲۸۴۹-۷ ]

تحت نظارت قوای انتظامی درآمده [درآمد] و از تجمع در آنها جلوگیری به عمل آمد و به دنبال آن مدارس نیز به لحاظ تظاهرات دانش‌آموزان تعطیل گردید. طبقات مختلف مردم و به خصوص کسبه به عنوان اعتراض به اعمال دولت به خصوص دستگیری آیت‌الله طاهری و اجرای مقررات حکومت نظامی و تعطیل دانشگاهها و مدارس، بازار و مغازه‌های خود را تقریباً به صورت تعطیل درآورده [درآوردند] و در ادارات دولتی نیز اعتصابات و کم‌کاریها شروع گردید و شهر به صورت نیمه تعطیل درآمده [درآمد] و این وضع ادامه داشت تا منجر به حوادث روزهای تاسوعا و عاشورا و دو روز بعد از آن گردیده است [گردید].

با توجه به اینکه روزهای تاسوعا و عاشورا به منظور احترام به شعائر دینی، برگزاری مراسم مذهبی و به راه انداختن دسته‌های عزاداری از طرف دولت آزاد اعلام گردیده بود عده‌ای از مخالفین (در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر) از این فرصت استفاده نموده به منظور پیشبرد اهداف سیاسی خود دست به راهپیمایی و تظاهرات مسالمت‌آمیز زده‌اند و با توجه به اوامر مؤکد دولت مبنی بر دور نگاهداشتن مأمورین فرماندار نظامی از مسیر تظاهرکنندگان راهپیمایی مطلقاً بدون برخورد و حادثه‌ای خاتمه پذیرفته است. در روز عاشورا که مجدداً مخالفین دست به راهپیمایی زده‌اند برعکس روز قبل دو حادثه مهم و

اسفانگیز اتفاق افتاده که در نتیجه حادثه دوم منجر به برخورد مأمورین حکومت نظامی و مردم گردیده است:

۱. در ساعتی [ساعت] نزدیک ۳ بعد از ظهر پیکره اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و در ساعتی [ساعت] نزدیک ۵ بعد از ظهر پیکره رضاشاه کبیر توسط عده‌ای قلیل پایین آورده شد.

۲. در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر عده‌ای در حدود پانصد نفر پس از پایین آوردن پیکره رضاشاه کبیر به محل ساواک اصفهان که در نزدیکی همان میدان واقع است عزیمت [کرده] و بنا به اظهار تیمسار تقوی رئیس ساواک با بالا رفتن از دیوار و گذاشتن کپسول گاز و فتیله جلو درب ورودی آن سعی نموده‌اند وارد شوند ولی برابر اظهارات تیمسار سرلشگر ناجی فرماندار نظامی پس از مدت کوتاهی که صرف کسب تکلیف از مقامات مرکز گردیده است مأمورین فرماندار نظامی وارد عملیات گردیده و حمله‌کنندگان به ساواک را متفرق کرده‌اند. برابر اطلاعات به دست آمده در این عملیات سه نفر زخمی و عده‌ای دستگیر و به دادگاههای فرمانداری نظامی تحویل گردیده‌اند.

عصر همان روز تیمسار سرلشگر ناجی فرماندار نظامی در رادیو و تلویزیون اصفهان طی یک سخنرانی اعمال فوق را محکوم می‌کند و اجرای دقیق مقررات حکومت نظامی را به مردم گوشزد می‌دارد. برابر اظهار نظر وی سخنرانی وی در به راه افتادن تظاهرات موافقینی که در روز بعد انجام گرفته است تأثیر بسزایی داشته است.

در روزهای ۱۱ و ۱۲ محرم (برابر ۲۱ و ۲۲ آذرماه) عده‌ای از اهالی اصفهان و شهرستانهای اطراف که تعداد آنها، برابر تحقیقات انجام شده، از چند هزار نفر تجاوز نمی‌نموده است با در دست داشتن تمثالهای اعلیحضرت و دادن شعارهای موافق در خیابانهای اصفهان تظاهراتی نموده‌اند. ضمناً این عده که با مأمورین نیز همراه بوده‌اند در سر چهارراهها اتومبیلها را متوقف نموده و راننده و سرنشینان آنها را مجبور به دادن شعارهای موافق «زننده باد شاه» و الصاق تمثال اعلیحضرت به جلو اتومبیل می‌نموده‌اند و چنانچه کسی امتناع یا حتی درنگ می‌کرده با چوبهایی که در دست داشته‌اند شیشه اتومبیلها را خورد و سرنشینان آنها را مصدوم می‌کرده‌اند. در تظاهراتی که توسط این دسته در میدان شهر برگزار گردیده است تیمسار سرلشگر ناجی فرماندار نظامی نیز حضور یافته و سخنرانی نیز ایراد نموده است. ضمناً عده‌ای از افراد مخرب نیز وارد صف تظاهرکنندگان گردیده و شیشه‌های مغازه‌ها را شکسته و اموال موجود در آنها را غارت نموده‌اند تا اینکه بدو تیمسار ارتشبد اویسی و سپس شخص جناب آقای نخست‌وزیر با فرماندار نظامی تلفنی تماس [می‌گیرند] و دستور می‌دهند که تظاهرات موافقین نیز مانند مخالفین ممنوع [شود] و از برخورد دو گروه با یکدیگر جلوگیری به

عمل آید و بالاخره فرماندار نظامی طی اعلامیه‌ای برگزاری هرگونه تظاهراتی را چه از طرف موافقین و چه از ناحیه مخالفین ممنوع اعلام می‌دارد. این تظاهرات دو روزه تلفات و ضایعاتی به بار آورده است که متعاقباً در تجزیه و تحلیل وقایع و نتیجه تحقیقات خواهد آمد.

ضمناً در زمان حکومت نظامی دو حادثه دیگر به شرح زیر به وقوع پیوست است:

۱. به فرماندار نظامی اطلاع می‌رسد که در مسجد مصلی عده‌ای اجتماع نموده‌اند. فرماندار نظامی به کلانتری محل دستور می‌دهد که عده‌ای مأمور جهت بررسی و احیاناً متفرق نمودن افراد به محل اعزام دارند. در اجرای این دستور پنج نفر درجه‌دار پلیس و یک نفر افسر به محل اعزام می‌گردند. این مسجد در کوچه باریکی واقع [شده است] و دارای دربهای متعدد می‌باشد. مأمورین که به پشت یکی از دربهای بسته مسجد می‌رسند با بی‌سیم اطلاع می‌دهند که درب مسجد بسته [است] و کسی در آن نیست ولی پس از ادامه راه توسط عده‌ای غافلگیر [می‌شوند] و تعدادی از بالای بامها به آنها سنگ پرتاب نموده [می‌کنند] و عده‌ای هم از داخل کوچه به آنها حمله می‌نمایند. و سه نفر از مأمورین موفق به فرار گردیده [می‌گردند] و دو نفر از پاسبانان توسط مهاجمین دستگیر و خلع سلاح شده [می‌شوند] و بر اثر ضرب و جرح (برابر اظهارات ریاست شهربانی) و یا به وسیله شلیک دو تیر (برابر اظهارات فرماندار نظامی) شهید می‌گردند.

ریاست شهربانی کشور شاهنشاهی در جلسه مورخ [بدون تاریخ] شورای امنیت ملی اعلام نموده‌اند که در این مورد مأمورین حکومت نظامی همکاری لازم را ننموده و به موقع به کمک پاسبانان نشتافته‌اند. ولی برابر اعلام فرماندار نظامی به منظور جلوگیری از غافلگیری و از دست رفتن جان و اسلحه مأمورین دستور داده شده است که از ورود به داخل کوچه‌های شهر خودداری گردد. چون تحقیقات به منظور پیدا کردن مقصرین اصلی به نتیجه نمی‌رسد به دستور فرماندار نظامی شب‌هنگام منع عبور و مرور محل، مورد محاصره قرار می‌گیرد و عده‌ای از ساکنین دستگیر می‌گردند که بایستی دادگاههای فرماندار نظامی درباره آنها تعیین تکلیف نماید.

۲. همچنین در محل پل خواجو یک افسر ژاندارمری که عبور می‌نموده مورد حمله قرار گرفته [می‌گیرد] و خلع سلاح می‌گردد. پس از این واقعه نیز شبانه ۱۳ نفر توسط فرماندار نظامی دستگیر گردیده‌اند که هنوز بعضی زندانی هستند و درباره آنها نیز دادگاههای فرماندار نظامی تصمیم خواهد گرفت.

### تجزیه و تحلیل وقایع و اظهار نظر هیئت:

همان طوری که در شرح وقایع اصفهان گفته شد ساعت تقریبی پایین آوردن پیکره

اعلیحضرت ساعت ۳ بعد از ظهر و پیکره اعلیحضرت رضاشاه کبیر در ساعت ۵ بعد از ظهر و حمله به ساواک بعد از این ساعت بوده است ولی راهپیمایی عمومی قبل از این ساعت خاتمه یافته و کسانی که در راهپیمایی شرکت داشته‌اند متفرق گردیده‌اند. بنابراین پایین آوردن مجسمه‌ها و حمله به ساواک توسط دسته‌های افراطی غیرمذهبی و خارج از راهپیمایی عمومی انجام گرفته است و این امر حتی مورد تأیید بعضی از مقامات دولتی و رسمی قرار گرفته است. در تماسهایی که با بعضی از رهبران مخالفین گرفته شد بعضاً از این پیشامد ابراز تأسف کرده‌اند و ضمناً معلوم گردید که آقای آیت‌الله خادمی در سخنرانی مذهبی قبل از راهپیمایی به مردم توصیه نموده است که از این قبیل اعمال جداً خودداری گردد.

در اصفهان به طور جدی شایع است که مجسمه رضاشاه کبیر بسیار ساده و توسط عده قلیلی با طناب پایین آورده شده است و بنابراین، این شبهه را به وجود آورده است که شب قبل عوامل دولتی پایه‌های مجسمه را آزاد نموده‌اند تا با توطئه عده‌ای دیگر روز بعد پایین آورده شود و وسیله‌ای به دست عوامل حکومت نظامی برای منکوب نمودن مخالفین بدهد. تأیید یا تکذیب این شایعات با توجه به فنی بودن مسئله از قدرت این هیئت خارج است ولی آنچه می‌تواند مورد تأیید قرار گیرد این است که این اعمال خواسته و مورد تأیید مخالفین مذهبی نبود و حتی اعتراض می‌نمایند که چرا مأمورین حکومت نظامی در جلوگیری و شناسایی این عوامل به موقع اقدام ننموده‌اند!

۲. گروههای مخالف و فاطمه مردم معتقدند که گروههای موافق دولت که روز بعد به شهر آورده شده‌اند و مغازه‌ها را تخریب و غارت نموده‌اند به وسیله قوای انتظامی و به وسیله خودروهایی ارتشی بوده است و حتی آیت‌الله خادمی اظهار داشت که تیمسار سرلشکر ناجی چکی به مبلغ سی هزار تومان در وجه یکی از کدخدایان دهات اطراف اصفهان داده است که مأمور بانک ملی که مطلع می‌شود که پرداخت این چک در مقابل فرستان عده‌ای از اهالی به منظور شرکت در تظاهرات است از پرداخت آن خودداری کرده] و جریان را به اطلاع رسانیده است؛ چون امکان تحقیق و کشف حقیقت در این مورد نبود تأیید یا تکذیب پرداخت این وجه برای هیئت ممکن نیست.

تیمسار سرلشکر ناجی فرماندار نظامی از چگونگی به راه افتادن این تظاهرات اظهار بی‌اطلاعی نموده است و در مقابل این سؤال که یا برای برگزاری این تظاهرات کسب اجازه گردیده بود یا نه اعلام داشته است که همان روز توسط مأمورین به وی اطلاع داده شده است که عده‌ای با در دست داشتن تمثالهای اعلیحضرت مبادرت به تظاهرات ملی نموده‌اند. ولی با توجه به اینکه شخص فرماندار نظامی شب قبل طی یک سخنرانی از شبکه رادیو و تلویزیون اجرای صحیح و دقیق مقررات حکومت نظامی را به مردم



گوشزد نموده است. بعید به نظر می‌رسد که برگزاری تظاهرات روز بعد بدون اطلاع و اجازه فرماندار نظامی بوده باشد (به خصوص که شخص تیمسار ناجی بعداً در این تظاهرات سخنرانی نموده و مخبرین رادیو و تلویزیون نیز جریان را فیلمبرداری نموده‌اند). ضمناً تیمسار سرتیپ شیروانی قائم‌مقام شهربانی اصفهان که به طور کلی بی‌خبر از کلیه وقایعی است که در اصفهان گذشته و می‌گذرد (و یا بنا به مصلحت شخصی اظهار بی‌اطلاعی می‌نماید) مع‌هذا اظهار داشته که روز قبل عده‌ای برای برگزاری تظاهرات روز بعد به فرماندار نظامی مراجعه [کردند] و به آنها اجازه داده شد و تمناهای اعلیحضرت بین آنها تقسیم گردید.

تیمسار تقوی ریاست ساواک اصفهان در مقابل این سؤال که آیا شما از جریان تظاهرات موافقین خبر داشتید یا خیر، اعلام داشتند که ایشان ساعت ۱۰ صبح روز بعد به وسیله کلفت خود که به منزل برمی‌گردد مطلع گردیده است! ولی با وجود عوامل اطلاعاتی ساواک در شهر بعید به نظر می‌رسد که ایشان قبلاً از این جریان بی‌اطلاع بوده باشند. نظر قطعی این هیئت این است که ولو اینکه مقامات انتظامی در به راه انداختن این تظاهرات دخالتی نداشته‌اند ولی در تمام ۴۸ ساعت مدت تظاهرات مأمورین انتظامی همکاری و همگامی کامل با تظاهرکنندگان داشته و آنها را اسکورت می‌نموده‌اند. عده‌ای از اشخاص معتمد از جمله ریاست دانشگاه اصفهان اعلام داشته‌اند که تظاهرکنندگان را در خسودروهای ارتشی دیده‌اند. همچنین در اغلب تخریب و آتش‌سوزیها مأمورین دور و نزدیک مراقب بوده و حتی در بسیاری از موارد شرکت داشته‌اند. دلیل این دخالت اثرات گلوله‌های متعدد باقیمانده در مغازه‌های آتش گرفته است که فقط می‌تواند از اسلحه‌های مأمورین شلیک شده باشد و اصولاً قفل برخی از مغازه‌ها به وسیله گلوله مأمورین بازگردیده است که آثار آن باقی است.

از طرف دیگر مأمورین که روز قبل از پایین آوردن مجسمه‌ها عصبانی و ناراحت بوده‌اند روزهای بعد نهایت شدت عمل را نشان داده‌اند و پس از به راه افتادن تظاهرات موافقین، مأمورین در سر چهارراهها جلوی کلیه اتومبیلها را گرفته و آنها را وادار به الصاق تمثال اعلیحضرت و در صورت نداشتن الصاق یک قطعه اسکناس، روشن نمودن چراغها و گذاشتن دو کلینکس روی برف پاک‌کنها به علامت شادمانی می‌کرده‌اند. کمتر اصفهانی است که در آن دو روز مواجه با این صحنه نشده باشد حتی اتومبیل اشخاص سرشناسی چون آقای استاندار، رئیس دانشگاه و رئیس دادگستری و حتی دادستان دادگاه نظامی که خود ایشان با یونیفرم ارتشی در آن بوده‌اند متوقف و وادار به اعمال فوق می‌گردیده‌اند. بدیهی است که با کوچکترین مقاومت یا اهمالی سرنشینان اتومبیل مورد ضرب و شتم مأمورین قرار می‌گرفته‌اند؛ و حوادثی به این شرح اتفاق افتاده است.

۱. برابر اعلام دادستان استان در روز ۱۳۵۷/۹/۲۱ یک اتومبیل که در خیابان مدرس با چهار سرنشین در حال عبور بوده توسط مأمورین متوقف می‌شود و سرنشینان وادار به دادن شعار زنده باد شاه می‌گردند و پس از دور شدن چون یکی از سرنشینان اتومبیل به نام ارفعی که پیرمرد ۷۰ ساله و مبتلا به صرع بوده از دادن شعار خودداری نموده است اتومبیل از عقب مورد شلیک گلوله قرار می‌گیرد. در این واقعه پیرمرد کشته و سه نفر زخمی می‌گردند. این واقعه توسط سرکار سرگرد فروغی افسر گروه توپخانه اصفهان نیز تأیید [شده] و [وی] اعلام نمود که یکی از سرنشینان اتومبیل مذکور دیپلم‌وظیفه صانعی فر بوده، و مسئول تیراندازی مأمور فرماندار نظامی سرگرد صابونی به اتفاق چند سرباز بوده‌اند.

۲. بر اثر شایعات یک پیکان کرمی‌رنگ با دو سرنشین با لباس سویل اعمالی به شرح زیر انجام داده‌اند:

اولاً - پیکان مذکور بعضی از مخالفین فعال را مورد شناسایی [قرار داده] و آنها را در مواقع مناسب ترور نموده است. این اشخاص جزو افرادی هستند که بعداً تحت عنوان تلفات حوادث اخیر اصفهان از آنها نام برده خواهد شد ولی تأیید و تکذیب این امر قبل از انجام تحقیقات دقیق قضایی ممکن نیست. فعلاً مطلب در حد شیاع است.

ثانیاً - برابر اظهارات عده‌ای نیز آقای دکتر طوسی ریاست دانشگاه اصفهان پس از آنکه بر اثر حوادث روز ۲۱ آذرماه عده‌ای مجروح در بیمارستان بستری می‌شوند تعداد زیادی از مردم برای اهدای خون به بانک خون مراجعه می‌نمایند. با توجه به اینکه گنجایش کوچه و بانک خون محدود بوده است از مردم خواسته می‌شود که به نوبت و با نظم مراجعه نمایند. در ساعت ۹/۵ صبح روز ۱۳۵۷/۹/۲۲ پیکان مورد بحث در جلوی صف مراجعین اهدای خون متوقف [می‌شود] و دو نفر از آن خارج شده [می‌شوند] و مردم را به مسلسل بسته [می‌بندند] و سپس از محل دور می‌شوند. در این حادثه برابر اظهارات ایشان مجموعاً دو نفر بستری و جراحی و ۸ نفر دیگر سرپایی مداوا شده‌اند.

۳. در پنجاه قدمی بیمارستان: مسلسل مأمورین یک نفر را که بالای بام شعار می‌داده مورد اصابت گلوله قرار می‌دهند [می‌دهند] که از بالا به پایین می‌افتد و پرسنل بیمارستان که شاهد آن بوده‌اند تحت تأثیر قرار گرفته و قصد خارج شدن و احیاناً حمله به مأمورین را داشته‌اند که ریاست بیمارستان از خروج آنها جلوگیری به عمل می‌آورد.

آمار تلفات مجروحین: یکی از مأموریت‌های مشکل این هیئت جمع‌آوری اطلاعات دقیق و صحیح از آمار تلفات و مجروحین این حوادث بوده است. علت این امر این است که بیمارستانها قانوناً موظف هستند آمار اسامی کسانی [را] که در حوادث مقتول و مجروح می‌گردند به مأمورین انتظامی گزارش نمایند. بنابراین کسانی [را] که بر اثر

تیراندازها مجروح گردیده‌اند به منظور عدم شناسایی [شناخته نشدن] و مزاحمت‌های بعدی ناشی از آن بلافاصله شخصاً یا به وسیله دیگران از صحنه خارج [می‌کرده‌اند] و اغلب از مراجعه به بیمارستان شهر خودداری نموده [می‌کرده] و به پزشکان خصوصی مورد اطمینان مراجعه می‌نموده‌اند. همچنین شایع است بعضی از کشته‌شدگان بدون اعلام به پزشکی قانونی و اخذ جواز دفن به وسیله نزدیکان در منازل و مساجد و باغات اطراف شهر مدفون گردیده‌اند.

از نظر مقامات انتظامی آمار تلفات در این دو روز از چند نفر تجاوز نمی‌نماید (برابر اظهارات فرماندار نظامی یک یا دو نفر)! پزشکی قانونی و دادگستری اصفهان در ۱۹ مورد جواز دفن صادر [کرده] و پرونده تشکیل داده است. برابر اعلام سازمان منطقه‌ای بهداشتی و بهزیستی استان اصفهان آمار تلفات و مجروحین حوادث اخیر ناشی از تیرخوردگی بیمارستانهای استان اصفهان به شرح زیر است:

نام بیمارستان	تلفات	مجروحین
ثریا	۶ نفر	۱۱۲ نفر (برابر اظهار نظر دکتر طوسی ۱۲۸ نفر)
عسکریه	۱۲ نفر	۹۲ نفر
حجّیه	۲ نفر	۸ نفر
مسیحی	—	۲ نفر
جرجانی	۱ نفر	۳ نفر
فروغی ابرین	—	۳ نفر
رضا پهلوی	۴ نفر	۱۳ نفر
	۲۵ نفر	۲۳۳ نفر

نکته‌ای که در اینجا لازم به توضیح است این است که با بررسی صورتجلسات معاینه جسد تنظیم شده از طرف پزشکی قانونی اصفهان ملاحظه می‌گردد که در بعضی موارد محل ورود گلوله به بدن یا مجموعه مقتولین از پشت بوده است و از نظر پزشکی قانونی برخورد گلوله به این صورت می‌تواند دلیل ابرای این حقیقت باشد که مقتول پشت به مأمورین و احتمالاً در حال فرار و دور شدن از آنها بوده و نه حمله و تعرض به آنها. قبل از اتمام گزارش مربوط به حوادث اخیر اصفهان و علل ناشی از آن و ارائه پیشنهادات، هیئت خود را موظف به دو توضیح دیگر می‌داند:

۱. آنچه مورد تأیید و تأسف هیئت قرار گرفته عدم هماهنگی و همکاری و تبادل اطلاعات و سوابق میان ادارات و مقامات دولتی و انتظامی است به طوری که هر یک از این مقامات دارای اطلاعات و سوابقی درباره حوادث و علل ناشی از آنها می‌باشند که

مقامات مسئول ادارات دیگر از وجود آن بی اطلاع هستند.

۲. به طوری که از طرف طبقات مختلف شهر و همچنین بعضی از مقامات مسئول به این هیئت اعلام نموده‌اند رفتار غیرانسانی بعضی از مأمورین ساواک در سالهای گذشته هنگام بازجوییها و گرفتن افراد و اعمال انواع شکنجه‌ها (کوری مطلق، شکستن اعضای بدن، درآوردن بیضه و غیره) را به این هیئت اعلام داشته‌اند. به قرار اطلاع مسئول اصلی این نوع شکنجه‌ها شخصی به نام نادریان و پنج مأمور دیگر هستند. آیت‌الله خادمی رهبر مخالفین اظهار داشت به تیمسار ارتشبد از هاری از جانب من بگویند اگر تیمسار نصیری را عوض کردید ولی عوامل او هنوز اینجا هستند.

تأیید این اعمال غیرانسانی مستلزم تحقیقات به وسیله مقامات قضایی می‌باشد.

ادر حاشیه: از این قسمت گزارش برای ریاست سازمان اطلاعات و امنیت جهت اقدام فوری ارسال شود.

#### پیشنهادات و ارائه راه‌حل

۱. لغو حکومت نظامی در اصفهان تابع سیاست کلی مملکت و صلاحدید دولت است ولی مقامات محلی معتقدند که لغو آن در اصفهان نمی‌تواند تأثیر زیادی در آرامی و یا ناآرامی شهر داشته باشد. معذالک چون مردم اصفهان با حوادثی که در زمان حکومت نظامی در اصفهان رخ داده و نیز خشونت‌هایی که در بعضی مواقع اعمال و مقدمتاً به آنها اشاره شده اصولاً نسبت به حکومت نظامی حساس شده‌اند و به علاوه ایجاد امنیت و آرامش [به] وسیله مأمورین شهربانی و ژاندارمری با استعانت از عوامل نظامی میسر است و در استان‌هایی از قبیل کرمانشاهان و کردستان از همین رویه استفاده می‌شود. لذا هیئت معتقد است که، در صورت تصویب، نسبت به لغو حکومت نظامی اقدام لازم به عمل آورند.

ادر حاشیه: فرماندار نظامی تغییر یافته ولی در مورد لغو حکومت نظامی در اصفهان نظر استاندار باید استعلام شود.

۲. آزادی روحانی ظاهری که در شهر اصفهان از احترام خاص برخوردار است می‌تواند بزرگترین عامل در آرام نمودن مردم و نشان دادن حسن‌نیت دولت باشد، به خصوص که طرفداران وی حاضر به تعهد هستند که وی را دور از اجتماع و حتی خارج از شهر اصفهان نگهداری نمایند تا مزاحمتی از آزادی وی برای دولت به وجود نیاید.

ادر حاشیه: ظاهراً آزاد شده است، به هر حال تحقیق شود.

۳. تغییر سمت تیمسار سرلشگر ناجی که اهالی اصفهان وی را مسئول کلیه حوادث بعد از اعلام حکومت نظامی می‌دانند مورد نظر و توجه هیئت بوده که با عمل شدن تغییر سمت موضوع منتفی است.

[در حاشیه: | تغییر یافته است.

۴. تیمسار تقوی که مدت چهارده سال است سمت ریاست ساواک اصفهان را عهده‌دار است و مردم وی را مسئول کلیه شکنجه‌های اعمال شده از طرف ساواک در این مدت می‌دانند تعویض وی نیز می‌تواند وسیله‌ای برای جلب رضایت مردم قرار گیرد. به علاوه، طول خدمت هر مأمور در هر مقام در محلی مشکلات و معضلاتی پیامد دارد و از این جهت مصلحت است و تعدادی از عوامل امنیتی وی تعویض گردند. ضمناً مقامات قضایی ذیصلاح نسبت به اعمال مأمورینی که در مظان اتهام هستند رسیدگی و اظهارنظر نمایند.

[در حاشیه: | ظاهراً تغییر یافته به هر حال مراتب به ساواک اعلام شود.

۵. شهربانی اصفهان در حال حاضر بدون ریاست است و تیمسار سرتیپ شیرانی در سمت قائم‌مقامی امور مربوط به شهربانی اصفهان را انجام می‌دهد. پیشنهاد می‌گردد که هرچه زودتر ضمن تقویت کادر شهربانی یک ریاست شهربانی انتخاب و اعزام گردد. مردم نسبت به تیمسار مصطفایی رئیس شهربانی سابق این شهر اعتماد و اطمینان خاص دارند و حتی مخالفین اظهارنظر نمودند که اگر تیمسار مصطفایی در اثر مریضی از اصفهان نرفته بود حوادث اصفهان به وجود نیامده [بود] و در این شهر و در تعقیب آن در سایر شهرهای ایران حکومت نظامی اعلام نمی‌شد.

[در حاشیه: | به شهربانی کل اعلام شود.

۶. پیشنهاد می‌گردد که از طرف دولت به کلیه فرمانداران نظامی ابلاغ گردد که مأمورین را موظف سازند در هر مورد که برخوردی با مردم دارند و منجر به کشته یا زخمی شدن عده‌ای می‌گردد نسبت به چگونگی حادثه و شرایط آن صورتجلسه تنظیم [کنند] و پرونده قضایی تشکیل دهند تا مأمورین قضایی بعداً بتوانند نسبت به اعمال مأمورین و بی‌گناهی یا تخلف آنها اظهارنظر قضایی بنمایند.

[در حاشیه: | به وزارت جنگ جهت صدور دستور لازم منعکس شود.

۷. با توجه به اینکه عده‌ای در اصفهان و نجف‌آباد زخمی هستند و از ترس مزاحمت‌های بعدی در منازل نگهداری می‌شوند ضرورت دارد با دور نگهداشتن سازمانهای پزشکی و درمانی از مسئولیت مداوا و درمان تیرخوردگان موجبات معالجه این عده فراهم گردد و به اولیای امور و متصدیان ذیربط در این خصوص دستور لازم داده شود.

ضمناً اضافه می‌نماید که چون بازداشت دو نفر به نام [های] دکتر ایزدی صاحب داروخانه [او] معاون اداره آموزش و پرورش و بانو موحدی (ناظمه فنی بیمارستان شیرو خورشید این شهر) آثار نامطلوبی در جامعه پزشکی اصفهان گذاشته بود و موجب گردهمایی و اعلام قطعنامه‌ای از طرف آنها گردیده بود این هیئت در محل با تماس با

مأمورین قضایی موجبات تبدیل قرار تأمین و در نتیجه استخلاص فوری و موقت آنها را فراهم نمود و این امر در آرام نمودن کادر پزشکی و پرسنل بیمارستانها و حتی در سطح مردم اصفهان تأثیر و انعکاس بسزایی داشت.

[در حاشیه:] این قسمت به استاندار اصفهان منعکس که دستور فرمایند هر اقدامی لازم است معمول شود و حتی از شیر و خورشید کمک گرفته شود.

۸. آن دسته از مأمورین فرمانداری نظامی که روزهای بعد از عاشورا مرتکب قتل و ضرب و جرح و تخریب برخلاف ضوابط قانونی شده‌اند و در تلگرام جناب آقای نواب صفا نماینده مجلس به این موضع اشاره شد تحت تعقیب قرار گیرند.

[در حاشیه:] نماینده دادرسی ارتش همراه هیأت بوده است مراتب به دادستان ارتش اعلام شود.

[در حاشیه:] فتوکپی گزارش جهت مطالعه و صدور دستورات لازم [خصوصاً] در موارد ۱، ۲، ۴، ۵، ۶ و ۷ پیشنهادات برای تیمسار وزیر جنگ ارسال شد که در اسرع وقت نتیجه را اعلام دارند. ضمناً در مورد جرایم ارتكابه از ناحیه مأموران چون از دادرسی ارتش نماینده در هیأت بوده است لذا رونوشت این گزارش جهت ارائه تعقیب مرجع به مرکز ارسال و راجع به جرائمی که از طرف افراد ارتكاب یافته است با ارسال فتوکپی به وزارت دادگستری موضوع باید مورد تعقیب قرار گیرد. ۱۳۵۷/۱۰/۷

## ب- گزارش هیئت اعزامی درباره حوادث نجف آباد

### ۱. شرح وقایع

مقدمه [مقدمتاً] باید اشاره کرد که طبق اظهارات مأمورین و مطلعین محلی، شهر مذهبی نجف آباد اصولاً ستاد عملیات طرفداران حضرت آیت‌الله خمینی شناخته شده، ۷۵٪ مردم طرفدار این آیت‌الله و به اعتبار دیگر مقلدند. سه هزار نفر بهایی در نجف آباد زندگی می‌کنند. گفته می‌شود تعداد قلیلی کمونیست در نجف آباد وجود دارند که قبل از وقایع اخیر حتی با پرچم سرخ تظاهراتی انجام داده‌اند. قبل از روزهای تاسوعا و عاشورا حادثه مهمی در نجف آباد با وجود تمام تعصبات رخ نداده فقط یک دختر بچه و یک جوان در تظاهرات کشته شدند. مجسمه را قبل از ظهر عاشورا تقریباً حدود ساعت ۱۰/۳۰ پایین کشیده‌اند. پس از آنکه مجسمه پایین آورده شد شهود عینی حدود ۷۰ یا ۸۰ نفر جوان در سنین ۲۰ تا ۳۰ سال در اطراف مجسمه مشاهده کرده‌اند. در این موقع اهالی نجف آباد حدود سی هزار نفر به منظور برگزاری نماز روز عاشورا در مزار (قبر آقا) بوده‌اند و با برنامه معین قاعدتاً بایستی ساعت ۲/۵ بعد از ظهر مراجعت می‌کردند.

مأمورین شهربانی از برداشتن مجسمه تا پایان وقوع حادثه اظهار بی‌اطلاعی می‌کرده‌اند. غیر از برداشتن مجسمه در روز عاشورا حادثه دیگری به وقوع نپیوسته. روزهای ۲۱ و ۲۲ سه‌شنبه و چهارشنبه آتش‌سوزیها و قتلها که بعداً به آنها اشاره می‌شود صورت گرفته. آقای درگاهی فرماندار نجف‌آباد غروب روز ۱۳۵۷/۹/۲۲ به اصرار اهالی و مراجعین، که شهر و مردم را در معرض نابودی می‌دیده‌اند، خود را به شهربانی رسانده و از جناب سرگرد حسن‌زاده تقاضا کرده است که تیراندازی را قطع نمایند تا مردم بتوانند جنازه‌ها را جمع‌آوری و آتش را خاموش نمایند. در مدت ۴۸ ساعت موقعیت و وضعیت طوری بوده که قدرت حرکت و انجام وظیفه عادی برای فرمانداری و سایر مأمورین وجود نداشته؛ تنها یک فقره گزارش بسیار مجمل چند خطی در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۲۶ از شهربانی به فرمانداری داده شده. شهرداری نجف‌آباد [به علت] خرابی آمبولانس و آتش‌نشانی قادر به اطفاء حریق نبوده؛ از کشیک استانداری هم استمداد شده پاسخ داده‌اند که وسیله‌ای برای خاموش کردن آتش وجود ندارد که به نجف‌آباد فرستاده شود. از معاینه محله‌های آتش گرفته و آثار باقیمانده چنین برمی‌آید که مغازه‌ها و دکا کین تا زمان حضور مأمورین انتظامی تحت فرماندهی سرکار سرگرد حسن‌زاده و سرکار سرگرد ذوالفقاری در معابر و کوچه‌ها در حال سوختن بوده است. آقایان حسن‌زاده و ذوالفقاری در روزهای ۲۱ و ۲۲ مشترکاً و متفقاً شهربانی نجف‌آباد را اداره کرده‌اند.

سرکار سرگرد حسن‌زاده توضیح می‌دهد که به دستور تیمسار معاون شهربانی ساعت ۱۲ روز ۱۳۵۷/۹/۲۱ در معیت سرکار سرهنگ بهی معاون اداره شهربانی و سرکار سرگرد ظهیری رئیس اطلاعات و ۱۵ نفر مأمور مسلح به نجف‌آباد رفته. پس از ورود به شهربانی نجف‌آباد مشاهده شد که مأمورین شهربانی نجف‌آباد در حیاط جمع [شده‌اند] و گریه می‌کنند و رئیس شهربانی سرگرد ذوالفقاری در بالا خوابیده است. قبلاً منزل رئیس شهربانی و منزل استوار جمشیدیان را آتش زده بودند. خانم یکی از مأمورین کتک خورده و پایش شکسته است. مأمورین می‌گفتند ما تأمین نداریم. در این ضمن صدای مردم از خیابان می‌رسید و شعارهای ضد ملی می‌دادند. سرهنگ بهی دستور داد با واحد اعزامی از اصفهان از اغتشاش جلوگیری شود. اهالی وسط میدان نزدیک شهربانی در خیابان شاه و مسجد داخل میدان شعار می‌دادند و به تذکرات بلندگو اعتنا نکردند و در عوض فحش دادند. از روی پشت‌بامها حدود پانزده بطری آتشنا به طرف مأمورین پرتاب گردید. از پس و پیش، مأمورین در محاصره قرار گرفتند. مردم شروع کردند به کتک زدن و حلقه محاصره را تنگ نمودن. چون صد در صد یقین بوده که قصد کشتن مأمورین و گرفتن اسلحه در بین است اجباراً تیراندازی هوایی صورت گرفت. از ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر درگیری وجود داشت. شلوغی و ازدحام تا ساعت ۱۱ به طول انجامید.

در این موقع برقها خاموش بود و دو سه مغازه آتش زده شد. آتش‌سوزیها به منظور ارعاب موافقین و غافلگیری مأمورین انجام پذیرفت.

ساعت ۹ صبح روز بعد که باز تظاهرات مردم شروع شده مأمورین برای ایجاد آرامش از محل استقرار خارج شدند و در این موقع خبر دادند که حدود ۲۰ هزار نفر از دهات بالای نجف‌آباد، شهرستان‌داران، دهات امیرآباد، یزدان‌شهر، فیروزآباد کرون در حالی که تمثال شاهنشاه را در دست دارند به طرف نجف‌آباد می‌آیند و می‌خواهند شعارهای میهنی بدهند. این عده وقتی که به داخل شهر رسیدند مواجه شدند با پرتاب موزائیک شکسته و بطری آتشنا از طرف مخالفین. بین مخالفین و موافقین درگیری شدیدی ایجاد شد. چند نفر از موافقین زخمی شده و تعدادی از اتومبیل‌های آنان به آتش کشیده شد. تعدادی مغازه را مخالفین برای متهم ساختن موافقین آتش زدند. مأمورین دیدند وضع بدتر می‌شود. موافقین را راهنمایی کردند که از شهر خارج شوند. شایع است چهار نفر نوجوانان از دسته موافقین که عقب مانده‌اند یکی کشته و سه نفر مفقودالثر شدند.

در روز ۱۳۵۷/۹/۲۳ برابر اعلامیه نخست‌وزیری تصمیم گرفته شد مخالفین دستگیر شوند. در این روز آقای نواب صفا نماینده مجلس در منزل آقای حسن رضوی مسئول تهیه مینوت شعارهای مضره دیده شده و در خیابان در مقابل جماعتی مطالب تحریک‌آمیز بیان نموده است. تعداد مقتولین و مصدومین از جهت غیرعادی بودن وضع مشخص نمی‌باشد. تیرخورده‌ها وسیله بستگانشان از معرکه خارج شدند.

موضوع بازداشت آقای متین‌دفتری و آقای کاشف معاون بازرسی دادگستری و سایر همراهان صحت ندارد؛ همان روز که به شهربانی تشریف آوردند اطلاع داده بودند که آقایان بنی‌احمد و دکتر سنجابی و پزشکپور محرمانه برای بازدید نجف‌آباد و مصاحبه با مخالفین وارد شهر شده و نوار ضبط می‌نمایند. ساعت ۳ بعد از ظهر خبر دادند که چند نفر در بیمارستان شیر و خورشید سرخ مشغول بازدید و مصاحبه با اشخاصی هستند به این تصور که آقایان مخالفان هستند.

به سرپاسبان طاهری و یک مأمور دیگر دستور داده شد به بیمارستان بروند و موضوع را بررسی نمایند که این مأمور با چهار نفر که یکی خارجی بود مراجعت کردند. آقایان نیم ساعت در شهربانی نشسته [نشستند] و چایی خوردند و به اتفاق آنها به دادگاه بخش رفتیم. مسئله بازداشت واقعیت ندارد و همچنین مسائل ورود مأمورین به داخل منازل اشخاص و شرکت آنان در تظاهرات صحیح نمی‌باشد.

خلاصه اظهارات آقای نیلی‌پور رئیس دادگاه بخش نجف‌آباد این است که «انجام وظیفه سرکار سرگرد ذوالفقاری با خشونت توأم بوده، مردم نجف‌آباد نسبت به آقای



ذوالفقاری کینه شدیدی پیدا کرده‌اند. چنانچه اتومبیل و خانه سرگرد ذوالفقاری مورد تخریب و آتش‌سوزی واقع شده در این خصوص به لحاظ عدم شکایت پرونده‌ای در دادگاه بخش تشکیل نگردیده است. تخریب و آتش‌سوزی و قتل و جرح بعد از عاشورا عکس‌العمل‌هایی از گذشته و ناشی از وجود خصومت فی‌مابین بوده. نجف‌آباد تنها شهری است که تخریب و آتش‌سوزی به وسیله مأمورین انتظامی صورت گرفته است. روز سه‌شنبه صدای تیر بلند شده؛ تحقیق کردم گفتند رئیس شهربانی لباس نظامی پوشیده و مشغول کشتار و تخریب و آتش زدن است. به خود رئیس دادگاه روز پنجشنبه ۱۳۵۷/۹/۲۳ تلفنی گفته دادگاه را به آتش می‌کشیم و شما را هم می‌کشیم. آقای کاشف معاون بازرسی دادگستری را مأمورین به شهربانی برده [بردند] و بازداشت کردند. از حوادث فقط قتل راننده شهرداری به دادگاه اعلام شد. در امتناع و خودداری از شکایت استدلال مردم این است که تعقیب، مشکلات دیگری پیامد دارد. در روزهای ۹/۲۲/۲۱ صدای تیر و انفجار به قدری بود که مجال تفکر و تعمق برای کسی باقی نمی‌گذارد.

خشونت و دنباله‌روی سرگرد حسن‌زاده کمتر از اولی نبود؛ ایشان هم در مدت بسیار کوتاهی تغییر مأموریت داد. طبق اعلام جمعیت شیر و خورشید سرخ به شرح فهرستهای ضمیمه، در شهر نجف‌آباد قبل از عاشورا ۳ نفر و بعد از عاشورا ۲۳ نفر به قتل رسیده‌اند. ۹ نفر به علت جراحات شدید تحت عمل جراحی قرار گرفتند، ۶ نفر که ضربات بسیار شدیدی داشته‌اند به اصفهان اعزام و ۵۶ نفر زخمی سرپایی معالجه شده‌اند.

مطابق اظهارات مطلعین و معایناتی که انجام گرفته حدود ۱۲۵ مغازه و مؤسسه و ۱۹ خانه مسکونی غارت و به آتش کشیده شده و بعضی‌ها به کلی منهدم گردیده است. خلاصه اظهارات خانم موحدی ناظمه فنی بیمارستان شیر و خورشید را که واجد اهمیت است و به روشن شدن حوادث کمک می‌کند به شرح آتی انعکاس می‌دهد: «یک سال است در این بیمارستان کار می‌کنم. قبلاً بیمارستان سر و سامانی نداشت به طوری که بیشتر به طویله شبیه بود. سعی شده که به کمک آقای سنجایی مدیرعامل شیر و خورشید و دیگران بهبودی در وضع بیمارستان ایجاد شود [و] از کم‌کاری و دزدی جلوگیری به عمل آید. به من تهمت زیادی زدند و قصد داشتند حیثیت مرا لکه‌دار نمایند. خانم دکتر زندی که پزشک است کم‌کاری را به حد اعلا رسانده بود؛ در یک سال ۹ ماه آن را کار نمی‌کرد.

خانم فریدنی بهیار که شوهرش گروهبان است از زیر کار در می‌رفت. روز عاشورا یک مریض سوختگی که قبلاً در بیمارستان رضا پهلوی بستری بوده در بیمارستان خواباندیم. در آن روز مریض سوختگی دیگری هم در بیمارستان تحت مداوا قرار

گرفت. روز بعد تیراندازی شروع شد. مرتب تیر خورده به بیمارستان می‌آوردند. یک درجه‌دار و چند پاسبان به بیمارستان آمدند؛ خواستم به مقتضای وظیفه مخالفت به عمل آورم، با فحاشی آنها مواجه شدم.

خانم دیگری به نام ربانی که شوهرش افسر ارتش است در بیمارستان بهیار است. غیبتش را و کتک‌کاری بچه‌ای را تذکر دادم. جواب داد شوهرم گفته نجف‌آبادیها خائن هستند، به آنها کمک نکنید. به علت زیادی تیر خورده به جراح نیازمند بودیم از دکترهای شهر کمک خواستیم. شخصاً به دنبال دکتر ابوترابی به مطبخ رفتم مشغول معالجه مرضی بود که گفتند می‌میرد. دکتر را به بیمارستان آوردم. در ساعت ۹ شب بیمارستان مورد حمله قرار گرفت. هر کس به گوشه‌ای فرار می‌کرد. سرگرد حسن‌زاده به سردستگی عده‌ای وارد بیمارستان شدند. عده‌ای بر اثر تیراندازی و ممانعت مأمورین از معالجه و به علت خونریزی شدید مردند. صحنه را در عالم رؤیا فرض می‌کردم. داد زدم چه دستگاهی است که برای معالجه آزادی نیست؟! سرگرد گفت دستور از بالا دارم!

مردم مرتب کمک می‌خواستند. با آقای دکتر ابوترابی به کمک شتافتیم و چند زخمی در شهر جمع کردیم. به عده‌ای کمک فوری می‌شد. فردا تلفن تهدیدآمیزی به من شد: گفتند خانه‌ات را آتش می‌زنیم؛ جان‌ت در مخاطره است. خدایا، دستگاهی و مرجعی برای کمک نداشتم. وقتی که با دکتر ابوترابی به خانه‌اش رفتم دیدم خانه‌اش را خراب کردند [کرده بودند]. فردا بعد از ظهر به بیمارستان رفتم. باز هم تیراندازی ادامه داشت. چند زخمی از اهالی قریه تیران جمع‌آوری شد. همه‌اش در تکاپوی نجات مصدومین و مجروحین (از هر دسته) بودیم.

روز جمعه که به بیمارستان رفتم تا وضع بیمارستان را چک کنم دیدم سرگرد حسن‌زاده آنجاست. گفت به شهربانی می‌برمت و به تو تسجوز می‌کنم. در شهربانی اتهاماتی به من زد. گفت اعلامیه پنخش کرده‌ای، در پایین آوردن مجسمه دخالت داشته‌ای. گفت فاحشه، پرونده‌ای برایت بسازم که تا ابد در زندان باشی. به خدا متوسل شدم. مطلبی نوشت؛ گفت امضا کنم. جواب دادم امضا نمی‌کنم. مرا به دیوار چسباند و به من نزدیک شده [شد] و گفت به تو تسجوز می‌کنم. سر پاسبان طاهری که آنجا بود اظهار داشت بعد هم نوبت من است. ترسیدم و جواب دادم هرچه می‌خواهی امضا می‌کنم. نمی‌دانم چه نوشته‌اند. بسیار ناراحت بودم گفتم حیف این لباس که بر تن شما است. شب را تا صبح در شهربانی گذراندم. فردا صبح سرپاسبان چند نفر افراد آبرومند که می‌گفتند دکتر متین‌دفتری و رفقایش هستند به شهربانی آورد. به آنها بی‌حرمتی و فحاشی زیاد کردند. اگر دستگاهی باشد و به این جنایات برسد جای امیدواری است. واقعاً این وضع درست و پسندیده است؟! فکری به حال مردم بکنید.»

در موقع مراجعه هیئت به بیمارستان شیر و خورشید پزشکی به نام آقای دکتر صابر علی اظهار نمود نمی‌دانم مصونیت دارم مطالبی در اختیارتان بگذارم:

«نرسی به نام خانم موحدی بازداشت گردید که علت بازداشت او معلوم نیست. این خانم نقطه‌ضعفی ندارد جز اینکه فعال و وظیفه‌شناس است. کارمندان بیمارستان و اطبا از این موضوع ناراحت هستند. در شهر نجف‌آباد دو روز تیراندازی بود. حوادث در حدی بود که امکان انجام وظیفه عادی و تهیه آمار وجود نداشت. بر اثر هجوم مأمورین پلیس به بیمارستان، مجروحین و مصدومین از بیمارستان فرار کردند. روز سه‌شنبه عصر تعدادی زیادی از پزشکان به مداوا اشتغال داشتیم. مصدوم و مجروح زیاد بودند. مأمورین انتظامی با لباس و بی‌لباس فرم وارد بیمارستان شدند. یکی از مصدومین را که تیر خورده بود زیر لگد انداختند. به آنها تذکر داده شد اینجا بیمارستان است. اسلحه نشان دادند. در همان روز یک مصدوم را در بیمارستان به گلوله بستند و کشتند. یکی از مأمورین در بیمارستان عربده می‌کشید و می‌گفت کدام پزشک زن قحبه است که قدرت داشته باشد تیر خورده خائن را معالجه کند. صبح روز چهارشنبه باز هم بیمارستان در محاصره پلیس قرار گرفت و حوادثی به وقوع پیوست که دیگران به موقع اعلام کرده‌اند.»

از نظر وقوف به کینه مطلب و کیفیت تخریب و آتش‌سوزی تعدادی از مغازه‌ها و خانه‌ها که در محله‌های گوناگون و مشخص و دور از یکدیگر به آتش کشیده و یا تخریب شده است مورد بازدید هیئت قرار گرفته که چگونگی تخریب و آتش‌سوزی بعضی از خانه‌ها اجمالاً منعکس می‌شود. ضمناً لازم به توضیح است که از وضعیت و پراکندگی محله‌های ویران شده چنین استنباط می‌شود که این اقدام با برنامه پیش‌بینی شده انجام گرفته است.

مترجم دکتر ابوترابی جراح

در آهنی این خانه گلوله‌باران شده [و] آثار ۵ گلوله روی قفل و درب مشاهده گردید. در اطاق پانسیمان لوازم جراحی و پزشکی خراب شده. روی تخت عمل لباس و کفش خون‌آلود به چشم می‌خورد. روی دیوار این شعار نوشته بود: «این است قدردانی مأمورین مزدور از طیبیان وظیفه‌شناس». شعارهای تند و زننده دیگری هم بر در و دیوار خانه نوشته بودند. اموال و اثاثیه این خانه به کلی منهدم [شده] و تقریباً در تمام اطاق آثار گلوله وجود دارد. در تخریب و انهدام چنان دقتی به کار رفته که یک شینی سالم در خانه باقی نمانده. هیچ جای خانه از تخریب مصون نمانده. شعار جالب در این خانه این بود «به پخ پخ اکتفا نکنید؛ پخ خیزید» (قاتلو ائمة الکفر). در حضور هیئت جوانی نوشت: این است فضای گشاد سیاسی.

### خانه آقای حاج یدالله اسمعیلی

در و پنجره و وسائل و اثاثیه خانه به کلی منهدم شده است. بر در و دیوار این خانه شعارهای بسیار تند مشاهده می‌شود از این قبیل: «وارد تمدن بزرگ؛ کورش بخواب؛ در راه تمدن با قتل عام مردم» نابود باد این تمدن از پول ملت برای قتل عام ملت. در این خانه آثار دهها [دهها] گلوله مشاهده می‌شود.

### خانه حاج محمد انتظاری

اموال و اثاثیه و اتومبیل در این خانه تخریب و به آتش کشیده شده است، حاضرین و تماشاچیان می‌گفتند سرگرد ذوالفقاری و درجه‌داران طاهری، جمشیدی، قسدیریان، کاظمی، نوری، توکلی، بنی‌الهی و باقری عامل آتش‌سوزی و تخریب بوده‌اند. این خانه هم فعلاً به صورت نمایشگاه شعار دایر است.

### خانه دکتر ایزدی معاون اداره آموزش و پرورش نجف‌آباد

تقریباً کلیه اثاثیه و لوازم خانه خراب و آتش زده شده؛ اتومبیل سوخته و از حیز ارتفاع خارج است. آقای حسن ایزدی و سایر طبیبان اظهار می‌دارند آقای محمد ذوالفقاری رئیس شهربانی در تخریب و انهدام لوازم این خانه سر دسته مهاجمین بوده است. انبوهی شعار مخالف بر در و دیوار [دیوار] این خانه وسیله تماشاگران نقش بسته است.

### خانه حاج اکبر ایزدی خبرنگار کیهان

بر در آهنی نوشته شده: «دروازه تمدن بزرگ». در این خانه [هیچ] شیئی از شعله آتش مصون نمانده؛ خانه به طور کلی به آتش کشیده شده است. تابلو و شعری بر روی کاغذ در مدح علی، علیه‌السلام، تنظیم و نوشته شده و بر دیوار آتش گرفته نصب است که طعمه حریق نشده و تماشاچیان به عنوان معجزه به آن می‌نگرند.

آقای ایزدی می‌گوید تفنگ اول را آقای سرگرد ذوالفقاری خالی کرده؛ با وجود دوستی فیما بین و داشتن روابط خانوادگی این تجاوز سبانه مایه حیرت است. ادعای خسارتی ندارد. می‌خواهد بداند که یک دوست تحت چه شرایطی مبادرت به این کار نموده است.

منزل حاج عباس ایزدی واعظ هم از جمله خانه‌هایی است که مورد تخریب و آتش‌سوزی قرار گرفته. داروخانه‌های صابری و ایزدی منفجر گردیده. نکته جالب این است که از خانه‌ها چیزی سرقت و غارت نشده. تعدادی زیادی از مغازه‌ها مورد نهب و غارت قرار گرفته و خالی از کالا است. در بعضی مغازه‌ها مقداری کالا [ای] سوخته و در هم ریخته به چشم می‌خورد تخریب و آتش‌سوزی با کیفیت و کمیت قابل توجه و به

حدی زنده است که متأسفانه به جای آثار زیبای تاریخی اصفهان موجب جلب توریست شده می‌گویند فیلم خرابیها و آتش‌سوزیها در اروپا [به] نمایش در آمد. مقامات محلی نیز این نکته را تأیید می‌کنند.

## ۲. علل وقوع حوادث

در مورد پایین آوردن مجسمه گرچه با شواهد و قرائن موجود این نکته ثابت است که افراد عادی و به اصطلاح مخالفین در پایین آوردن مجسمه عاملیت داشته‌اند ولی با توجه به توضیحاتی [که] از منابع مختلف اخذ شده چنین استنباط می‌شود که مأمورین انتظامی با وجود دستور دولت مبنی بر مراقبت از مراکز و محلهای مهم و حساس و الویتی او اولویتی [که حفاظت مجسمه داشته در انجام وظیفه قانونی خود قصور ورزیده‌اند. با این وصف دو عامل در بروز این حادثه تأثیر داشت: طرز تلقی و قصد مخربین و وظیفه‌نشناسی مأمورین انتظامی.

در مسئله قتل و غارت و آتش‌سوزی روزهای ۲۱ و ۲۲/۹/۱۳۵۷ عوامل مؤثر عبارتند از:

۱. تداوم تظاهراتی که در نجف‌آباد از مدتها قبل در مقام طرفداران از آیت‌الله خمینی وجود داشته و این تظاهرات بلاتردید توأم با شعارهای تند علیه مقامات مملکت بوده و برخوردهایی هم با مأمورین انتظامی در بر داشته که متدرجاً یک حالت خشم و عصبانیت در مأمورین که گوششان با نواهای مخالف آزرده شد به وجود آورده تا حدی که آمادگی برای مقابله و خشونت پیدا کرده‌اند.

۲. ایجاد خصومت و غرض شخصی در سرگرد ذوالفقاری بر اثر آتش گرفتن خانه و اتومبیل وی و تأثیر این کینه در افراد زیردست و مرتوس.

۳. برخورد و تصادم بین ساکنین امیرآباد، یزدان شهر، فیروزآباد و غیره که شعارهای ملی و میهنی می‌داده‌اند و طبیعی است که از حمایت مأمورین برخوردار بوده‌اند از یک طرف و اهالی نجف‌آباد (طرفداران آیت‌الله خمینی) از طرف دیگر که لابد در روزهای ۲۱ و ۲۲/۹/۱۳۵۷ حالت تدافعی داشته‌اند.

۴. خشونت بی‌مورد سرکاران سرگرد ذوالفقاری و سرگرد حسن‌زاده که در روزهای ۲۱ و ۲۲/۹/۱۳۵۷ متفقاً در نجف‌آباد انجام وظیفه می‌کرده‌اند و از اظهارات سرکار سرگرد حسن‌زاده تلویحاً استنباط می‌شود که ایشان و افراد زیردست او در داخل خیابانها و میدانهای شهر و سرکار سرگرد ذوالفقاری و مأمورین شهربانی نجف‌آباد در کوچه عمل می‌کرده‌اند. قرینه قویه بر تأیید خشونت بی‌جا و بی‌مورد انتقال سریع هر دو افسر نامبرده از نجف‌آباد است.

در حال حاضر سرکار سرهنگ ارجمند شهربانی نجف‌آباد را سرپرستی می‌نماید.

### پیشنهادات

اینک با توجه به مراتب یاد شده و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص حاکم بر منطقه، که به طور تلویحی در مقدمه به آنها اشاره شده است، هیئت پیشنهاد می‌نماید که در صورت تصویب مقرر فرمایید اقدامات زیر انجام پذیرد.

۱. تعقیب کیفری و تنبیه سرکار سرگرد ذوالفقاری و سرکار سرگرد حسن‌زاده، سرپاسبان طاهری، سرپاسبان کاظمی، سرپاسبان جمشیدی، استوار کیانی؛ پاسبانان: قدیریان، نوری، عبدالهی [عبداللهی]، توکلی و بنی‌الهی که با اعمال خشونت بیجا از حدود و وظائف قانونی خود تجاوز و عدول کرده‌اند. همچنین تعقیب اشخاص عادی که در تخریب و آتش‌سوزی و غارت مداخله داشته‌اند.

۲. انتقال فوری درجه‌داران و پاسبانان نامبرده از شهربانی نجف‌آباد به محل دیگری با صوابدید اولیای شهربانی استان. در وضع فعلی با وقوع قتلها و آتش‌سوزیها و تخریبها که اهالی نجف‌آباد مأمورین شهربانی را مقصر فرض می‌کنند امکان انجام وظیفه برای مأمورین در نجف‌آباد موجود نیست. در هیچ شرایطی نمی‌توانند وظیفه عادی و معمولی خود را انجام دهند.

۳. تسریع در انجام بررسی قضایا و معاینات محلی و جمع‌آوری دلایل و مدارک مربوطه وسیله مقامات قضایی صالحه چه آنکه افراد خسارت دیده بر حسب قاعده و معمول در مقام تأمین و جبران خسارت خود در انتظار اقدام می‌باشند و به گواهی رئیس دادگاه محل در این خصوص هنوز اقداماتی به عمل نیامده. به آقای رئیس دادگستری استان اصفهان از طرف هیئت تأکید شده که به قاضی ذیربط توصیه و تأکید نماید که به وظیفه خود در اسرع اوقات عمل کند.

۴. تسریع در بازدید محلهای خسارت دیده وسیله کمیته تأمین خسارت استان که نتیجه اقدام مقامات قضایی و کمیته تأمین خسارت علاوه بر جلب رضایت خسارت‌دیدگان این خواهد بود که نمایشگاه شعار هرچه زودتر برپا شود.

۵. در تظاهرات له و علیه که وسیله اهالی نجف‌آباد از یک طرف و ساکنین آبادیهای بالای نجف‌آباد امیرآباد، یزدان‌شهر، فیروزآباد، تیران و گرون از طرف دیگر در روزهای ۲۱ و ۱۳۵۷/۹/۲۲ صورت گرفته و تصادم بین این دو دسته بذر کینه و نفاق بین افراد این دو گروه پاشیده شده و این آستان حوادث سهمگینی است. هر روز شایع می‌شود که سر چند نفر بریده شده است. اقتضا دارد که [با] تمهید مقدمات لازم موجبات آشتی طرفین و از طرف مقامات محلی و اولیای ایشان فراهم گردد.

۶. اعتباری حدود ۵۰ میلیون ریال به منظور رفع اختلال موجود در فعالیت اقتصادی و زندگی روزمره به نجف‌آباد تخصیص و حواله داده شود تا وسیله هیئتی مرکب از

فرماندار و معتمدین محلی مورد وثوق به اقتضای خسارات وارده و نیازمندیهای فوری بین کسبه و خسارت دیدگان توزیع گردد.

۷. در حال حاضر آنچه مسلم است ارتباط عادی مردم با مأمورین دولت و رؤسای ادارات قطع شد [ه است]؛ جا دارد که جناب آقای استاندار اصفهان جلسات توجیهی فوری با رؤسای ادارات شهرستان ترتیب داده [دهد] و نیز رؤسای ادارات در حیطه وظائف خود به مقتضای وظیفه‌ای که بر عهده دارند در رفع سوء تفاهمات موجود اقدام لازم به عمل آورند و وظیفه‌ای که در این ممر بر عهده رؤسای شهربانی و ژندارمری قرار دارد از اولویت خاصی برخوردار خواهد بود.

به قرار اطلاع عده‌ای از مصدومین و مجروحین حوادث روزهای بعد از تاسوعا و عاشورا از ترس تعقیب در شرایط بسیار بدی بدون دوا و درمان در خانه‌ها بستری [شده‌اند و] در حال اختفا به سر می‌برند و غم‌انگیزتر اینکه تعدادی جسد بدون رعایت تشریفات قانونی در منازل و جاهای دیگر موقتاً دفن شده که باید به گورستان انتقال داده شود. ضرورت دارد که به متصدیان ذریبط تکلیف شود که تسهیلات لازم را به نحوی که آقایان پزشکان ترس از معالجه نداشته باشند در امر معالجه مصدومین و تدفین قانونی و شرعی درگذشتگان فراهم آورند. باید اذعان داشت که کشته‌شدگان [کشته شدن] دو مصدوم در مطب آقای دکتر ابوترابی موجب متواری شدن پزشکان از نجف‌آباد و امتناع آنان از وظیفه پزشکی گردیده است.

با تقدیم احترام، هیئت اعزامی به اصفهان و نجف‌آباد

دکتر مصطفی رضائی، نماینده نخست‌وزیری

ابوالحسن قائمی، نماینده وزارت دادگستری

شاهرخ جنابیان، نماینده وزارت کشور

دکتر سرهنگ محمداسماعیل افراسیابی، نماینده وزارت جنگ

[۱۶ تا ۶-۴۴-۷]

## [۸]

مرکز فرماندهی سب

تهران - چهارراه قصر

تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۵

مدت دوره از ۱۳۵۷/۱۰/۵۰۰۰۱ الی ۱۳۵۷/۱۰/۵۲۴۰۰

مدرک مورد مراجعه. گزارشات فرمانداریهای نظامی ۱۲ گانه و اطلاعاتیه‌های واصله از

منابع خبری (پس از بهره‌برداری معدوم گردد)

خیلی محرمانه

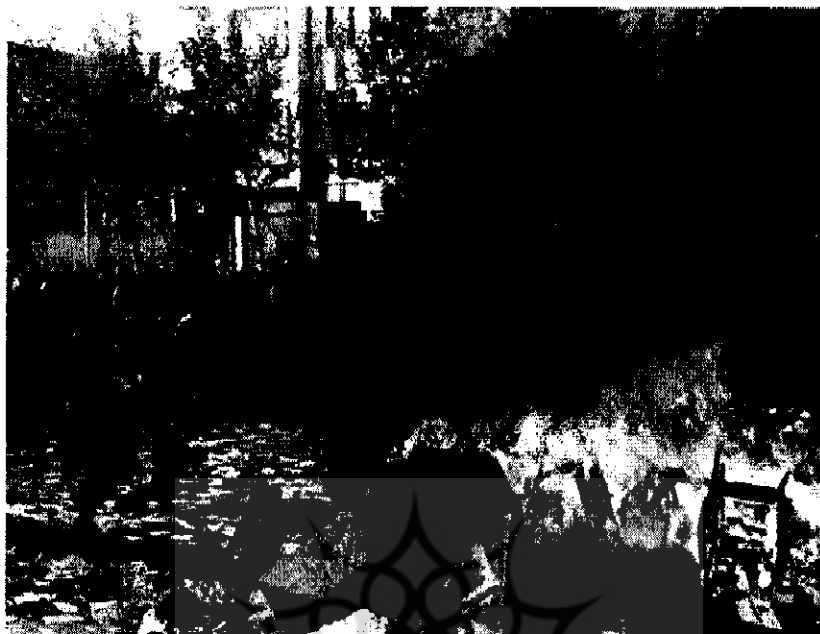
گزارش نویه‌ای اطلاعاتی شماره ۲۹

## ۱. وضعیت عمومی گروه‌های مخالف الف. مناطق با فعالیت شدید

### ۱) استان تهران

- ساعت ۰۹۳۰ در خیابان شاه سلیمان روبه‌روی دبیرستانهای پسرانه هنربخش و آریا حدود ۲۰۰۰ نفر شروع به تظاهرات و دادن شعارهای ضدملی و میهنی نموده بودند که برای متفرق کردن اختلالگران عوامل فرمانداری نظامی مجبور به تیراندازی هوایی شدند.
- ساعت ۱۰۰۰ کارکنان پالایشگاه تهران در اداره مرکزی اجتماع نمود بودند و ضمن دادن شعارهای مضره پرچمهای سبز را برافراشتند.
- ساعت ۱۰۰۰ اهالی نازی‌آباد به منظور به راه‌انداختن تظاهراتی در مسجد ولی عصر یک اجتماع ۱۰۰۰ نفری تشکیل دادند.
- ساعت ۱۰۰۰ تعداد قابل‌توجهی از اختلالگران در اطراف بیمارستان پهلوی واقع در خیابان دلگشا شروع به تظاهرات خشونت‌آمیز نمودند که برای متفرق نمودن آنان مأمورین مجبور به تیراندازی شدند که در نتیجه یک نفر کشته و دو نفر مجروح گردید.
- ساعت ۱۰۲۰ یک دستگاه اتومبیل بنز (شماره معلوم) در حدود میدان فوزیه مقداری مواد منفجره به سوی عوامل فرمانداری نظامی پرتاب امی‌کند و سریعاً متواری می‌گردد.
- ساعت ۱۰۲۵ حدود ۳۰۰۰ نفر در خیابان پهلوی شروع به تظاهرات ضدملی نمودند.
- ساعت ۱۰۲۸ حدود ۳ الی ۴ هزار نفر دختر و پسر در چهل متری مهام واقع در فرح‌آباد ژاله شروع به تظاهرات خشونت‌آمیز و دادن شعارهای ضدملی و میهنی نمودند که با دخالت مأمورین فرمانداری نظامی و تیراندازی هوایی متفرق شدند.
- ساعت ۱۰۴۰ حدود ۳۰۰۰ نفر در چهل متری کریم خان زند دست به تظاهرات ضدملی نموده ازدند و ضمن حرکت مأمور راهنمایی میدان ۲۵ شهریور را مضروب و مجروح می‌نمایند که در بیمارستان بستری گردید.
- ساعت ۱۰۴۰ حدود ۵۰۰ نفر از تظاهرکنندگان شیشه‌های مشروب‌فروشی واقع در سرپل تجریش را شکسته امی‌شکنند و ضمن دادن شعارهای مضره و ضدمیهنی به طرف بازار تجریش فرار می‌نمایند.
- ساعت ۱۰۴۵ حدود ۵۰۰ نفر در خیابان امیرکبیر و ۵۰۰ نفر در خیابان لاله‌زار شروع به تظاهرات ضدملی نمودند.
- ساعت ۱۱۰۰ یک دستگاه کامیون ارتشی که حامل صابون بود در دروازه دولاب به





[ ۷-۲۸۳۰ ]

وسیله اخلاالگران به آتش کشیده شد.

- ساعت ۱۱۰۰ خودرو آریا ارتشی به سرنشینی تیمسار سپهد صالح در خیابان سپهد زاهدی در محاصره گروه ماجراجو قرار گرفت [می‌گیرد] و آنها ضمن متوقف کردن آن سقف و شیشه عقب را خرد می‌کنند.
- ساعت ۱۱۳۰ سرباز وظیفه (مشخصات معلوم) جمعی گردان ۵۴۷ ترابری، پاس‌ور خودرو اعزامی به مأموریت فرمانداری نظامی در خیابان تخت جمشید چهارراه ویلا مبادرت به ۲۰ تیر، تیراندازی هوایی نموده و سپس تفنگ خود را جای گذاشته [می‌گذارد] و فرار می‌نماید.

**- وزارتخانه‌ها و سازمانها و اداراتی که در حال اعتصاب بوده‌اند:**

الف - وزارتخانه‌ها

- (۱) وزارت امور اقتصادی و دارایی
- (۲) وزارت پست و تلگراف و تلفن
- (۳) وزارت فرهنگ و هنر
- (۴) وزارت بازرگانی

۵) وزارت کار و امور اجتماعی (باحضور در محل کار به اعتصاب و کم‌کاری ادامه دادند)

**ب - سازمانها**

۱) سازمان آب منطقه‌ای تهران

۲) توانیر

۳) مرکز آمار ایران

۴) گمرک تهران

۵) سازمان انرژی اتمی

۶) سازمان ثبت اسناد و مدارک

۷) سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران

۸) صندوق تأمین اجتماعی (با حضور در محل کار به اعتصاب و کم‌کاری ادامه دادند)

**پ - شرکتها**

۱) شرکت ملی گاز

۲) شرکت برق منطقه‌ای (باحضور در محل کار به اعتصاب و کم‌کاری ادامه دادند)

**ت - بانکها**

بانک مرکزی همچنان به اعتصاب خود ادامه می‌دهند.

**ث - صنعت نفت**

۱) ۵۰ درصد از کارگران پالایشگاه

۲) ۷۵ درصد از کارگران خطوط نفت ری

- در خیابان شوش تعدادی از اخلاالگران به صورت گروههای پراکنده با مأمورین فرمانداری نظامی جنگ و گریز نموده‌اند که مأموران برای متفرق کردن آنان مجبور به تیراندازی هوایی شده است [شده‌اند].

- در خیابان عارف (انتهای غیاتی) اخلاالگران مقدار زیادی لاستیک را در کف خیابان آتش زدند که مأمورین برای متفرق کردن ماجراجویان ناچار به تیراندازی هوایی می‌گردند.

- تظاهراتی در اطراف خیابانهای فرعی سفارت شوروی برپا شده [شد] و تظاهرکنندگان برای جلب توجه اشیایی را به آتش کشیدند.

- تظاهراتی در خیابانهای شاهرضا، وصال، بزرگمهر، ویلا، ثریا و سپهد زاهدی برپا [شد] و اخلاالگران با افروختن آتش سد معبر عمده به وجود آورده [آوردند] و درخلال آن روی بدنه کلیه اتومبیلهای متوقف شده با تهدید شعارهای ضدملی و

میهنی نوشتند.

– تعداد تقریبی اخلاالگران و تظاهرکنندگان در سطح شهر تهران:

۲۰۰ نفر	الف) خیابان مختاری به طرف سی‌متری
۳۰۰ نفر	ب) خیابان آذربایجان
۲۰۰ نفر	پ) خیابان نازی‌آباد
۳۰۰ نفر	ت) خیابان قصرالدشت
۳۰۰۰ نفر	ث) تالار رودکی به سمت غرب
۳۰۰۰ نفر مشغول مقابله با مأمورین	ج) اطراف بیمارستان پهلوی
۵۰۰۰ نفر	
۳۰۰۰ نفر	چ) تخت جمشید به طرف شرق
۵۰۰ نفر	ح) خیابان ارفع
۵۰۰ نفر	خ) خیابان امیرکبیر
۵۰۰ نفر	د) خیابان لاله‌زار
۳۰۰۰ نفر	ذ) تجریش
۲۰۰۰ نفر	ر) کریم خان زند
۳۰۰۰ نفر	ز) خیابان شاه سلیمان

ژ) چهل متری مهام

– ساعت ۱۲۰۰ یک نفر از اخلاالگران در میدان خراسان مورد اصابت گلوله واقع و به بیمارستان منتقل گردید.

– ساعت ۱۲۰۰ یک نفر از اخلاالگران (مشخصات معلوم) در خیابان لاله‌زار به علت فعالیتهای خشونت‌آمیز و تهدید [به] توسط مأمورین فرمانداری نظامی دستگیر گردید.

– ساعت ۱۲۳۰ یک دستگاه جیب ارتشی در سه راه شاهرضا ویلا توسط تظاهرکنندگان به آتش کشیده شد.

– ساعت ۱۳۰۰ عده‌ای ناشناس در روی پل هوایی خیابان حافظ با مسلسل به سوی مأمورین فرمانداری نظامی تیراندازی می‌نمایند [و] محل مذکور به وسیله مأمورین تحت کنترل قرار می‌گیرد.

– ساعت ۱۳۰۰ یک دستگاه مینی‌بوس ارتشی به سرنشینی (یک استوار پزشکیار، استوار راننده، یک سرباز پاسور و یک سرباز بیمار) هنگامی که از بیمارستان ۵۰۳ به قصد بیمارستان ۵۰۴ در حرکت بوده [اند] در نزدیک چهارراه ثریا - ایرانشهر در محاصره عوامل اخلاالگر و ماجراجو قرار گرفته [می‌گیرد] و آشوب طلبان از

- سرنشینان می‌خواهند که شعارهای ضدملی بدهند لیکن سربازان فریاد می‌زنند زنده باد اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر که ماجراجویان به مینی‌بوس حمله‌ور شده [می‌شوند] و کلیه شیشه‌های خودرو را می‌شکنند و شروع به ایجاد آتش در جلو خودرو می‌نمایند که راننده سریعاً مینی‌بوس را از محل حادثه خارج می‌نماید.
- تیمسار سرتیپ فیروز اسبق جمعی سب ۵ هنگام عبور از خیابان فیشراآباد به وسیله اختلالگران محاصره شده [می‌شود] و ضمن مضروب شدن، اتومبیل وی نیز صدمه می‌بیند.
- ساعت ۱۳۰۰ اتوبوس سرویس کارخانجات باطری‌سازی وابسته به سازمان صنایع نظامی در خیابان ایرانمهر به وسیله ۶۰۰ نفر اختلالگر و ماجراجو محاصره شده [می‌شود] و روی بدنه آن شعارهای مضره و ضدملی نوشته می‌شود.
- ساعت ۱۳۳۰ اتوبوس سرویس کارخانجات باطری‌سازی نیرو در خیابان بهار به وسیله عده‌ای اختلالگر به آتش کشیده می‌شود.
- در اجتماع بیمارستان داریوش کبیر، فروهر و دختری برای عده‌ای در حدود ۶۰۰ نفر از مردم صحبت کرده و آنان را به کم‌کاری در وزارت نیرو و صنایع نفت تشویق می‌نماید. در همین اجتماع تصمیم گرفته می‌شود که جلسه سخنرانی مشابهی در روز سه‌شنبه ۱۳۵۷/۱۰/۶ در بیمارستان امیراعلم برپا گردد.
- ساعت ۱۴۴۵ یک نفر درجه‌دار ارتشی به علت خودداری از دادن شعار مضره به هنگام عبور از خیابان روزولت توسط عده‌ای اختلالگر مضروب و مصدوم می‌گردد.
- ساعت ۱۶۳۰ در خیابان شاهرضا، اول لاله‌زار نو، مینی‌بوس ن-ه-ش مورد حمله اختلالگران واقع و به آتش کشیده می‌شود.
- ساعت ۱۶۳۰ در مقابل ساختمان وزارت علوم در حالی که مردم ازدحام کرده [می‌کنند] و شروع به تظاهرات خشونت‌آمیز می‌نمایند [نموده‌اند] مأمورین فرمانداری نظامی ناچار به تیراندازی شده [می‌شوند] و ناگهان تیر به سر دکتر نجات‌الهی [اللهی] استاد دانشکده پلی‌تکنیک که به پشت بام رفته و شاید تشویق‌کننده متظاهرين بوده اصابت [می‌کند] و [او] کشته می‌شود.
- ساعت ۱۶۰۳۰ دو نفر ماجراجو در خیابان خاوران مشغول آتش زدن لاستیک در کف خیابان بودند که وسیله مأمورین فرمانداری نظامی دستگیر می‌گردند.
- ساعت ۱۶۰۳۰ دو نفر ماجراجو و اختلالگر (مشخصات معلوم) در خیابان فروردین قصد گرفتن اسلحه سربازان فرمانداری نظامی را داشتند که به وسیله عوامل فرمانداری نظامی دستگیر می‌گردند.
- ساعت ۱۶۳۰ یک نفر غیرارتشی (مشخصات معلوم) در خیابان ناهید قصد پرتاب

نارنجک به سوی مأمورین می‌نماید که قبل از موفق شدن نارنجک در دستهای وی منفجر که در نتیجه کثرت جراحات وارده در ساعت ۱۸۳۰ در بیمارستان فوت می‌نماید.

– ساعت ۱۷۰۰ اتوبوس کارخانجات پارس لوکس وابسته به سازمان صنایع نظامی در خیابان لاله‌زار توسط عده‌ای اخلاک‌گرا متوقف شده [می‌گردد] و شیشه‌های آن شکسته می‌شود. در این تظاهرات چندین مغازه نیز به آتش کشیده می‌شود.

– در بازرسی بدنی یکی از مقتولین در خیابان ابوریحان یک قبضه اسلحه کمری و یک عدد خشاب اضافی به دست آمد.

– وضع عمومی تهران

الف) بازار بزرگ تهران، سبزه میدان، بوذرجمهری، و ناصرخسرو تعطیل بود.

ب) بازار تجریش و مغازه‌های اطراف نیمه تعطیل.

– آمار مقتولین و مجروحین و دستگیرشدگان تهران

الف) کشته ۲ نفر

ب) زخمی ۳ نفر

پ) دستگیر شده ۵ نفر

## ۲) استان مرکزی

– کلیه مغازه‌های شهرستان کرج به استثناء فروشگاههای مواد غذایی و داروخانه‌ها به عنوان اعتصاب تعطیل بود.

– کارخانجات ماشین‌سازی و تراکتورسازی اراک در اعتصاب بودند.

– ادارات پست ساوه و کاشان و تفرش در حال اعتصاب می‌باشند.

## ۳) استان خراسان

– طبق گزارش فرمانده ناحیه ژاندارمری خراسان:

الف - در مشهد کلیه ادارات دولتی غیر از ارتش و نیروهای انتظامی وابستگی خود را

به مخالفین مدتهاست اعلام داشته‌اند و تیمسار سپهبد امیر عزیزی به نام استاندار وجود دارد ولی عملاً کاری از دستش ساخته نیست.

ب - در کلیه ادارات و مؤسسات دولتی غیر از ارتش و نیروهای انتظامی تمثال مبارک

شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران را پایین آورده‌اند.

پ - سپاهیان دانش و بهداشت، ترویج و آبادانی نیز به موازات اعتصابات و عدم

حضور دانش‌آموزان در مهرماه سال جاری به حالت تعطیل درآمده‌اند] و اغلب در محل

نیستند.

ت - جامعه معلمان استان خراسان در مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۴ در مسجد گوهرشاد اجتماع کردند و با تنظیم قطعنامه‌ای اعلام داشتند تا برقراری حکومت جمهوری اسلامی اعتصاب را ادامه خواهند داد.

ث - عدم تسریع در رسیدگی به تخلفات عناصر فاسد به وسیله دولت مخصوصاً مصاحبه‌های مقامات قضایی که از فحوی صحبتشان در رادیو و تلویزیون کاملاً طرفداری از عناصر فاسد را نشان می‌دهد موجب ناامیدی گردیده است.

ج - دستورات صادره برای برقراری امنیت و مقابله با اعتشاشات از فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی با آنچه که مورد نظر دولت است مغایرت دارد. دولت خونریزی را منع کرده ولی در کلیه دستورات که برای برقراری امنیت از مقامات نظامی و انتظامی واصل می‌گردد از کلمه قاطعیت که کلمه جامعی است استفاده می‌شود. اصولاً اجرای قاطعیت در هجوم یکصد هزار نفری ملت به چه نحو میسر خواهد بود؟ پرسنل نظامی و انتظامی پس از خاتمه خدمت برای رفتن به منزل مسکونی برای اینکه از تجاوز مخالفین مصون باشند در محل کار لباس نظامی را از تن بیرون می‌کنند زیرا جرئت حتی یک قدم تردد را با لباس نظامی در شهر ندارند. به علاوه برای نجات خود اغلب عکسهای کوچکی از آیت‌الله خمینی را در جیب دارند تا چنانچه به وسیله مخالفین دستگیر شدند با ارائه عکس مزبور علاقه‌مندی خود را به مخالفین اعلام [کنند] و از مهلکه نجات یابند. از طرفی پرسنل کادر انتظامی با همه تلاش و فعالیت که تاکنون در طول خدمت به منظور حفظ نظم و امنیت در اقصی نقاط کشور نموده‌اند از اینکه می‌بینند عملاً مورد نفرت جامعه می‌باشند سخت متأثرند.

چ - پرسنل وظیفه مستمراً تحت تبلیغات سوءدوستان و بستگان یا مخالفین و همچنین اخبار خارجی قرار گرفته و چون بعضیها از نظر تحصیلی و زندگی شکست خورده‌اند خیلی زود تحت تأثیر قرار می‌گیرند. متأسفانه عناصر اطلاعاتی موجود سازمان چندان تسلطی در کشف این قبیل انحرافات ندارند. اخیراً چند نفر از سربازان گردان ضربت صحبت‌هایی کرده و حتی در حضور ضداطلاعات، صراحتاً اتهام انتسابی را تأیید نموده‌اند.

ح - پرسنل کادر نظامی با ملاحظه مراتب فوق روحیه خیلی ضعیف و رقت‌بار دارند. هر موقعی که سرخدمت حاضر می‌گردند از [با] خانواده خود وداع می‌نمایند زیرا به سلامت برگشتن پیش خانواده و یا به دیدن مجدد آنها چندان امیدوار نیستند. من با مشاهده این همه ذلت در پرسنل زیر امر احساس شرمساری می‌نمایم زیرا چاره‌ای ندارم.

خ - اغلب پرسنل ژاندارمری ناحیه خراسان مدت یازده ماه از بهمن ماه سال ۱۳۵۶ تا

حال مداوم درگیری با مخالفین را داشته‌اند] و چون فرماندهان نمی‌توانند در رفع غائله چاره‌جویی نمایند، با اینکه در توجیه پرسنل با سخنرانیه‌ها و تشریح انگیزه اغتشاشات اقدام شده و می‌شود، مع‌الوصف مشاهدات عینی رویداد در روحیه پرسنل تأثیر فوق‌العاده دارد.

د- در فصل زمستان کمیابی نفت و گاز و همچنین کمیابی و گرانی مایحتاج زندگی، مردم را به ستوه آورده است. بنابراین چنانچه در رفع مشکلات موجود از راههای تدبیر و سیاست اقدام عاجلی نشود وضعی به وجود خواهد آمد که لطمات جبران‌ناپذیری در برخواهد داشت.

- ساعت ۰۸۰۰ عناصر اخلاک‌گر و ماجراجوی مشهد در گروه‌های ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ نفری در سطح شهر شروع به راهپیمایی نموده و مبادرت به تظاهرات می‌نمایند.

- یک نفر از وعاظ برای تعدادی حدود ۱۰۰۰۰ نفر از طرفداران خمینی در سبزوار سخنرانی و وضع شهر را غیرعادی نموده است.

- کارمندان گمرک دو قارون در حال اعتصاب بوده [هستند] و امور مربوط به ورود و خروج مسافرین و کالاهای تجارتهی را انجام نمی‌هند. دو هفته است که گمرک مذکور از عبور تانکرهای مواد سوختی به مقصد افغانستان جلوگیری می‌نمایند.

- ساعت ۱۰۰۳۰ حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ هزار نفر از طبقات مختلف مشهد با حمل عسکهایی از خمینی و شریعتی و دادن شعارهای مضره و ضدملی به راهپیمایی پرداخته [پرداختند] و پس از صدور قطعنامه‌ای در مقابل منزل آیت‌الله شیرازی و خارج نمودن عده‌ای از تحصن متفرق شدند.

- رئیس گمرک دو قارون اظهار نموده است که امور گمرک از دست وی خارج گردیده و کارمندان گمرک اعتصاب نموده و به منظور راهپیمایی به مشهد رفته‌اند، و لذا عبور تانکرهای نفت مقدور نیست.

- مهندس خلیلی رئیس مخابرات شهرستان مشهد و کلیه کارکنان شرکت مخابرات از ساعت ۱۴۰۰ روز ۱۳۵۷/۱۰/۴ همکاری با ارتش را قطع خواهند کرد.

- کلیه مغازه‌های مشهد بسته می‌باشد.

- ساعت ۲۰۰۰ حدود ۵۰/۰۰۰ نفر از اهالی مشهد با طرح قبلی در اطراف زندان شهربانی شهر اجتماع نموده [بودند] و قصد داشتند تا در فرار زندانیان همکاری نمایند. زندانیان نیز از داخل سلولهای مربوطه خارج شده و شروع به اغتشاش نموده‌اند] و دیوارها و دریهای زندان را باییل و کلنگ خراب می‌نمایند به نحوی که مأمورین پلیس قادر به کنترل زندانیان نبوده‌اند. در ۲۲۰۰ تعداد ۳۰۰ نفر از مأمورین فرمانداری نظامی در جهت تقویت نیروی پلیس به محل اعزام [می‌شوند] و در

ساعت ۲۴۰۰ با حضور رئیس شهربانی و پسر آیت‌الله شیرازی در زندان و ایراد سخنرانی اغتشاش پایان یافته [می‌یابد] و وضعیت به حالت عادی خود برمی‌گردد. از این رویداد تاکنون تلفاتی گزارش نگردیده است.

#### ۴) استان کردستان

– ساعت ۰۹۲۵ خودرو ارتشی لشکر سنندج در شهر توسط اخلاالگران محاصره و متوقف شده [می‌گردد] و شیشه‌های آن شکسته می‌شود.  
– تعداد زندانیان متواری سنندج ۵۰ نفر اعلام گردیده است.  
– در ادامه تظاهرات سنندج به علت درگیری مأمورین با تظاهرکنندگان و اقدامات خشونت‌آمیز از سوی اخلاالگران مأمورین فرمانداری نظامی ناچار به تیراندازی شده [می‌شوند] و یک نفر از تظاهرکنندگان کشته و ۷ نفر زخمی می‌گردند.  
– در تظاهرات سنندج چهار شعبه بانک صادرات یک شعبه بانک رفاه کارگران در خیابان شاهپور به آتش کشیده می‌شود. در تظاهرات مذکور اخلاالگران مبادرت به پرتاب نارنجکهای دست‌ساز می‌نمایند که با تیراندازی مأمورین، ماجراجویان متواری می‌گردند.  
– در نقاط مختلف شهر سنندج عده‌ای از اخلاالگران با پرتاب نارنجکهای دست‌ساز و تیراندازی پراکنده از پشت‌بامها و به آتش کشیدن مغازه‌ها با مأمورین درگیر شده و یک سری عملیات جنگ و گریز را شروع نموده‌اند.

– آمار مقتولین، مجروحین و دستگیرشدگان سنندج

(الف) کشته	۱ نفر
(ب) کشته	۳ نفر (از مجروحین روز ۱۳/۱۰/۱۳۵۷)
(پ) مجروح	۸ نفر

#### ب - مناطق با فعالیت متوسط

##### ۱) استان اصفهان

– ساعت ۰۵۳۰ خرابکاران با استفاده از یک عدد بمب دست‌ساز به فروشگاه وسایل منزل آقای امینی که یکی از افراد شاهدوست و میهن‌پرست اصفهان بوده است حمله نموده [می‌نمایند] و به علت مجاورت منزل مسکونی شخص یاد شده با مغازه مربوطه، در اثر انفجار شهید می‌گردد.  
– برابر اطلاع داروخانه‌های شهرستان اصفهان از دادن دارو به بیماران ارتش شاهنشاهی





| ۷-۲۸۶۰ |

که دارای دفترچه خدمات درمانی هستند خودداری می‌نمایند.  
 - کارخانجات ریسندگی و بافندگی بارش، سوسن و فرزانه متعلق به رضا فرزانه به علت  
 فقدان مواد اولیه به حال تعطیل درآمده و کارگران ۴۵ روز است که حقوقی دریافت  
 ننموده‌اند.

## ۲) استان آذربایجان غربی

- ساعت ۰۱۰۰ زندانیان شهربانی شهرستان رضائیه با ایجاد صحنه‌سازی قصد گرفتن  
 گروهان از بین مأمورین را داشتند که با دخالت یک گروهان پیاده از لشکر و یک  
 گروهان از ژاندارمری اغتشاش زندانیان آرام گردید. هم‌اکنون یک گروهان پیاده زیر  
 امر شهربانی رضائیه قرار دارد.
- ۴۰ دستگاه کامیون حامل گوسفند وابسته به سازمان گوشت کشور که در مسیر مرنند،  
 تبریز در حرکت بودند به علت برخورد با راه‌بندان اشخاصی ناشناس مجبور به  
 بازگشت به طرف مرز بازرگان می‌گردند.
- ساعت ۱۰۰۰ تعدادی از مخالفین و اخلاک‌گران در شهرستان شاپور با دادن شعارهای  
 ضد ملی شیشه اکثر مغازه‌ها و مؤسسات و خودروهای دولتی را شکسته

می‌شکنند] و تعدادی از مأمورین شهربانی را مضروب می‌نمایند که حال یکی از مأمورین وخیم است.  
 - کلیه مغازه‌های شهرستان سردشت بوکان تعطیل می‌باشند.

### ۳) استان آذربایجان شرقی

- در تظاهرات پراکنده شهر تبریز به علت خشونت و شعارهای ضد ملی اخلا لگران، فرماندار نظامی مجبور به دخالت شده [می‌شود] و در نتیجه تیراندازی ۲۸ نفر ماجراجو دستگیر و ۴ نفر زخمی می‌گردند که حال یکی از آنها وخیم است.  
 - عده‌ای از کارگران کارخانه ماشین‌سازی و کارکنان پلایشگاه و تراکتورسازی تبریز و کشت و صنعت مغان کماکان در اعتصاب می‌باشند.  
 - ساعت ۱۷۴۵ حدود ۲۰۰۰ نفر در خیابانهای شهرستان مراغه اقدام به تظاهرات ضد ملی می‌نمایند.

### ۴) استان همدان

- منزل و اتومبیل سرپاسبان حیدری توسط اخلا لگران و ماجراجویان به آتش کشیده شد.  
 - استوار بازنشسته (مشخصات معلوم) وسیله عده‌ای ماجراجو با اسلحه سرد (کارد) مجروح گردید.

### پ - مناطق با فعالیت کم

#### ۱) استان خوزستان

- ساعت ۰۱۰۰ دکتر کاظم کرومی رئیس دانشکده نفت آبادان که قصد مسافرت از فرودگاه آبادان به پاریس را داشت به هنگام بازدید از کیف دستی وی یک نسخه نشریه اختاپوس که در ۱۷ برگ تهیه شده بود کشف شد | او با پرونده تنظیمی تحویل فرمانداری نظامی آبادان گردید.  
 - در حال حاضر جریان نفت سنگین به جزیره خارک به علت اعتصاب کارکنان شرکت نفت قطع گردیده است.

#### ۲) استان هرمزگان

- ساعت ۰۷۰۰ دو نفر پرسنل آمریکایی، جمعی ایستگاه هوادریا، به هنگام خروج از منزل متوجه می‌گردند که دو عدد شیشه کوچک حاوی مقداری مواد آتشراری سپر

و روی کاپوت اتومبیل آنها گذارده شده است که در صورت مخلوط شدن شیشه‌های مذکور مشتعل می‌گردیدند.

### ۳) استان مازندران

— کارگران کارخانه روغن نباتی شکوفه بابل، شرکت سهامی نکاچوب، و عده‌ای قلیلی از کارگران کارخانجات مازندران کماکان در اعتصاب می‌باشند.  
— ادارات امور اقتصادی و دارایی بابل و گمرک نوشهر و سازمان تعاون روستایی و پست استان در حال اعتصاب می‌باشند.

### ۴) استان گیلان

— در اجتماع پزشکان شهرستان رشت که در بیمارستان رازی انجام شد یک سری سخنرانیهای ضد ملی ایران [شد] که با پیوستن عده‌ای از دانش‌آموزان و فرهنگیان به اجتماع پزشکان در نظر داشتند که تظاهراتی را در سطح شهر انجام دهند که با دخالت مأمورین و تیراندازی هوایی متفرق می‌گردند [شدند].

### ۵) استان شیراز

— برابر اعلام آیت‌الله دستغیب کلیه مغازه‌ها و دکاکین شهر به منظور همدردی با کشته‌شدگان مشهد تعطیل بوده است.

### ۲. عملیات گروههای مخالف در مدت دوره

الف — استعداد و گسترش: با توجه به تظاهرات روزهای اخیر استعداد و گسترش عوامل ماجراجو و اخلاص‌گرا افزایش یافته است.

ب — تاکتیکها: جنگ‌افزار و تجهیزات جدید:

فعالتهای روز جاری مؤید آن است که اخلاص‌گرا سعی دارند با اجرای عملیات جنگ و گریز تمرکز نیروهای فرماندار نظامی را بر هم زده [بزنند] و آنها را فرسوده نمایند.

جنگ‌افزار و تجهیزات جدید گزارش نگردیده است.

### ۳. سایر عناصر اطلاعاتی

الف — هویت گروههای مخالف: تغییر نداشته است.

ب — تلفات:

- (۱) کشته ۶ نفر (تهران ۲ نفر، کاشمر ۱ نفر، رودسر ۱ نفر، سنندج ۱ نفر و اصفهان ۱ نفر)  
 (۲) زخمی ۱۷ نفر (۳ نفر تهران، ۸ نفر سنندج، ۴ نفر تبریز، ۲ نفر رودسر)  
 (۳) دستگیر ۳۳ نفر (تبریز ۲۸ نفر، تهران ۵ نفر)

#### پ - روحیه

گسترش دامنه فعالیت‌های خرابکاران و محدودیت عملیاتی مأمورین فرماندار نظامی سخن‌پراکنی‌های مغرضانه رادیوهای خارجی و حوادث شهرستانها به ویژه مشهد سبب گردیده است که عوامل اخلاک‌گر و ماجراجو از روحیه خوبی برخوردار گردند.

#### ت - فعالیتهای ممانعتی

بهره‌برداری از دانش‌آموزان کم‌سن و سال و تحریک کارگران و کارمندان سازمانهای حساس به منظور ایجاد کم‌کاری و اعتصاب جدید پست که در پشتیبانی از مقاصد شوم خود استفاده می‌نمایند.

ث - تأسیسات اداری و پشتیبانی: تغییری نداشته است.

#### ۴. ضد اطلاعات

الف - اقدامات اطلاعاتی: تغییری نداشته است.

ب - اقدامات خرابکاری: به آتش کشیدن اماکن، به ویژه خودروهای ارتشی و استفاده از نارنجکها و بمبهای دست‌ساز رو به افزایش است.

پ - تبلیغات و براندازی: پخش اعلامیه‌های مضره، ایجاد راهبندان و نوشتن شعارهای ضد ملی در روی بدنه اتومبیلها و معابر عمومی و وادار نمودن مردم به دادن شعارهای مضره نمونه‌ای است از تبلیغات و نمایش قدرت.

ت - انتقاد از روشهای سیاسی و اقتصادی دولت: تغییری حاصل نشده است.

#### ث - شایعات

- آیات مشهد دستور داده‌اند تا چنانچه از طرف مأمورین فرمانداری نظامی به سوی تظاهرکنندگان تیراندازی شد آنها نیز متقابلاً با اسلحه گرم پاسخگویی نمایند.

- کارمندان رادیو تلویزیون مشهد اعلام داشته‌اند تا چنانچه حقوق ماهیانه آنان در روز ۱۳۵۷/۱۰/۵ پرداخت نگردد دست به اعتصاب زده [خواهند زد] و ارتباط رله را به کلی قطع خواهند نمود.

- تعدادی از مردم شهرستانهای سردشت، بوکان، سنندج و بانه که مسلح نیز می‌باشند

- برای انجام تظاهراتی به سقز خواهند رفت.
- رحمان قاسملو یکی از متواریان ایرانی به عراق، اخیراً به تهران آمده و با رهبران پان‌ایرانیست، شفق سرخ و جبهه ملی تماس و تصمیم گرفته‌اند که به شرح زیر اسلحه و مهمات وارد کشور نمایند:
  - حزب پان‌ایرانیست از سمت بوشهر
  - جبهه ملی از آستارا و سایر مناطق مرزی شوروی
  - رحمان قاسملو از مناطق کردنشین
  - از طرف متواریان ایرانی مقیم عراق، اعلامیه‌ای چاپ و طی آن مردم ایران را تشویق به جنگ مسلحانه نموده‌اند.
  - در بین وسائل و مواد شیمیایی، که به مقصد کارخانه فخر ایران ارسال گردیده است، تعدادی بسته حاوی دینامیت نیز فرستاده شده است.
  - تیمسار ارتشبد از هاری فوت نموده است.
  - یک نفر غیرنظامی به نام رزاقی در بازار کفاشها به منظور خرید جنگ‌افزار شروع به جمع‌آوری پول نموده است.
  - خلبانان شرکت هواپیمایی هما قصد دارند در صورتی که همکاری‌شان در ظرف روز جاری آزاد نشوند از فردا (۱۳۵۷/۱۰/۶) یک هفته اعتصاب نمایند، و تا حصول نتیجه اعتصاب را ادامه خواهند داد.
  - در شهرستان دزفول قرار است از ساعت ۱۸۰۰ روز ۱۳۵۷/۱۰/۵ عملیات چریکی را با همکاری گروه‌های کماندویی اجرا نمایند، لذا از مردم خواسته شده است که از منازل خود خارج نشوند.
  - تعداد ۴۰۰ نفر از کماندوهای روسی همراه با ۵۰۰ نفر از مجاهدین خلق قرار است به منظور ایجاد آشوب و بلوا به شهرستان قم بروند.

##### ۵. امکانات گروه‌های مخالف

امکانات گروه‌های مخالف در نتیجه حوادث روزهای اخیر و ربودن مهمات و جنگ‌افزا از مأمورین و یا زندان شهرستان سنندج و پشتیبانی گروه‌های بیشتری از فعالیت‌های مخرب و افزایش دامنه اعتصابات و تظاهرات افزایش یافته است.

##### ۶. اخبار روزهای قبل که در گزارشات قبلی منظور نشده است

- ساعت ۱۲۰۰ ۱۳۵۷/۱۰/۳ یک دستگاه خودرو لندروور متعلق به ن. ه. ش. از پشت

- ساختمان ستاد آن نیرو به سرقت برده شده است.
- در تاریخ ۱۰/۴ دو دستگاه خودروهای جمعی سازمان اتکا به شرح زیر مورد تهاجم اخلاصگران واقع و شیشه‌های آنها شکسته شده و یا شعار مضربه و ضد ملی روی بدنه آنها نوشته می‌شود:
- خودرو زیل در خیابان کریم‌خان زند
- خوردو گاز در چهارراه شاه‌عباس تخت‌طاووس.
- ساعت ۰۴۱۹ تعدادی از افراطیون مذهبی در شهرستان ساری، پس از سخنرانی تحریک‌آمیز شیخ عبدالوهاب قاسمی از مسجد خارج [می‌شوند] و ضمن دادن شعارهای ضد ملی، شیشه چاپخانه روزنامه اثر [را] که تمثال مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر را چاپ کرده بود می‌شکنند. تظاهرکنندگان به یک ماشین آتش‌نشانی نیز آسیب رسانیده [می‌رسانند] و شیشه‌های سینمای مولن‌روز را نیز می‌شکنند.
- دستجات ۱۰۰ الی ۵۰۰ نفری اخلاصگران آمل در روز ۱۰/۴ به وسیله تیراندازی هوایی مأمورین و شلیک گاز اشک‌آور متفرق می‌گردند.
- دستجات ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفری اخلاصگران رامسر ضمن ایجاد راهبندان و آتش‌افروزی شیشه‌های ساختمان شهرداری و دارایی و چند بانک را می‌شکنند که با تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک‌آور متفرق می‌گردند.
- در شب ۱۰/۴ در حدود ۱۰۰۰ نفر دختر و پسر در مهدیه صاحب‌الزمان واقع در شیراز طرز کاربر تفنگ ژ-۳ را آموزش می‌دیدند.

## ۶. تجزیه و تحلیل و بحث گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چنانچه حوادث اخیر که کشورمان را در لحظه حساس و تاریکی از زمان قرار داده از بین برده نشود رویدادها قابل کنترل نبوده [نخواهد بود] و تسلسل حوادثی را به دنبال خواهد داشت. استفاده از نیروهای نظامی به شکل فعلی و عدم توجه به عواملی که آرامبخش جامعه و مردم باشد راهکار بایسته‌ای نیست. گسترده شدن دامنه اعتصابات، پیوستگی صفوف مختلف، وجود کم‌کاری در وزارتخانه‌هایی که ارتباط مستقیمی با مردم دارند، [و] عدم تأمین سوخت که نتیجه آن تشکیل صفهای طولیل در معابر عمومی است مؤید این است که به زودی توانایی اعمال قدرت در سرتاسر کشور روی به ضعف نهاده [خواهد نهاد] و احتمالاً مشهد و به دنبال آن سنجک یکپارچگی میهمان را دچار اختلال خواهد نمود. در شرایط فعلی رسانه‌ها گروهی، به ویژه رادیو و تلویزیون، نقش حساسی را در پدافند داخلی بر عهده دارند. اما

متأسفانه با در اختیار داشتن شبکه وسیعی از رادیو تلویزیون کاملاً مشخص است که در قبال فعالیتهای تبلیغاتی اخلاالگران و ماجراجویان که اینک روز به روز سازمان یافته تر عمل می نمایند کاملاً ضعیف و شکننده هستیم. نوجوانان و جوانان هر روز بیشتر از روز قبل تحت تأثیر و تلقین افکار و نوشته های مسموم کننده قرار می گیرند. استفاده از نیروهای نظامی که فقط در نقش پدافند غیرعامل عمل می نمایند سبب گردیده است که عوامل ماجراجو در جهت نمایشهای خیابانی و کشتن، مضروب کردن و مورد تمسخر قرار دادن پرسنل نظامی روز به روز با گستاخی بیشتری عمل نمایند. قابل پیش بینی است که ادامه یافتن این وضعیت تضعیف روحیه پرسنل و خانواده آنان را به دنبال داشته [خواهد داشت] و ارتش شاهنشاهی نه تنها کارایی پرسنل خود را از دست خواهد داد بلکه این احتمال وجود دارد که خللی در انگیزه و ایمان آنان نیز پدیدار شده [شود] و شکافی را ایجاد نماید که در این لحظه حساس و تاریخی قابل جبران نخواهد بود، به ویژه آنکه اخلاالگران تلاش می نمایند تا از هر رویدادی، هرچند کوچک، بهره برداری نموده [نمایند] و مردم را به انجام تظاهرات، تعطیل کسب و کار، به راه انداختن اعتصابات وادار نموده [کنند] و آنگاه با نشر شایعات مضره، پخش اعلامیه های مسموم کننده نشان دهند که دولت بر اوضاع مسلط نبوده [نیست] و مردم از تأثیر کافی برخوردار نمی باشند. برقراری نظام جنگل توصیه ای است در جهت تضعیف روحیه مردمی که هنوز ایمان خود را از دست نداده اند. حوادث و رویدادهای روز ۴ و به ویژه روز ۱۳۵۷/۱۰/۵ در تهران، مشهد، سمنجان [و] تبریز از این الگو و روشها پیروی شده و ادامه آن بدون شک در روزهای بعد گسترده تر و خشونت بارتر خواهد بود.

## ۷. نتیجه

با توجه به وضعیت در این دوره چنین استنباط می گردد که سخنرانیهای انجام شده توسط دکتر سنجابی و بعضی دیگر از رهبران مخالفین در تهیج بیشتر مردم مؤثر بوده است [و] کشته شدن یک استاد دانشگاه به افراد اخلاالگر این امکان را خواهد داد که در روزهای آینده در سطح وسیعتری مردم را به خیابانها بکشانند. انجام تظاهرات و مقاومت مسلحانه در برابر نیروهای انتظامی در پاره ای از شهرستانها به طور چشمگیری رو به افزایش بوده [نهاده] که چنانچه اقدام حادی در جهت جلوگیری از این قبیل فعالیتهای معمول نگردد بر تجری اخلاالگران افزوده [خواهد شد] و [این گونه فعالیتهای] احتمالاً به سایر مناطق سرایت خواهد نمود. ادامه اعتصابات و سرایت آن به کلیه شئون و سازمانهای مملکتی بیش از گذشته

روحیه مخالفین را تقویت نموده [خواهد نمود] و آنها را به ادامه مخالفت‌های سرسختانه ترغیب خواهد نمود [کرد]. در روزهای آینده کمبود مواد سوختی و غذایی به وخامت اوضاع خواهد افزود.

به جای رسب ۳- سپهبد خواجه‌نوری  
[امضاء ناخوانا]

گیرندگان

۱. نخست‌وزیری (شورای امنیت ملی)؛ ۲. ن ز ش (معاونت عملیات و اطلاعات)؛
۳. ن ه ش (معاونت عملیات)؛ ۴. ن د ش (معاونت عملیات) ۵. ژ ک ش (رکن ۳)؛
۶. ش ک ش (عملیات)؛ ۷. ساواک؛ ۸. رسب ۲ (رک)؛ ۹. سب ۲ (ف، د، ا، د)؛ ۱۰. سب ۲  
ف ۵ (دسک داخلی)؛ ۱۱. سب ۲ (داد)

[۲۹۶ تا ۲۷۹-۱۵۵-۷]

